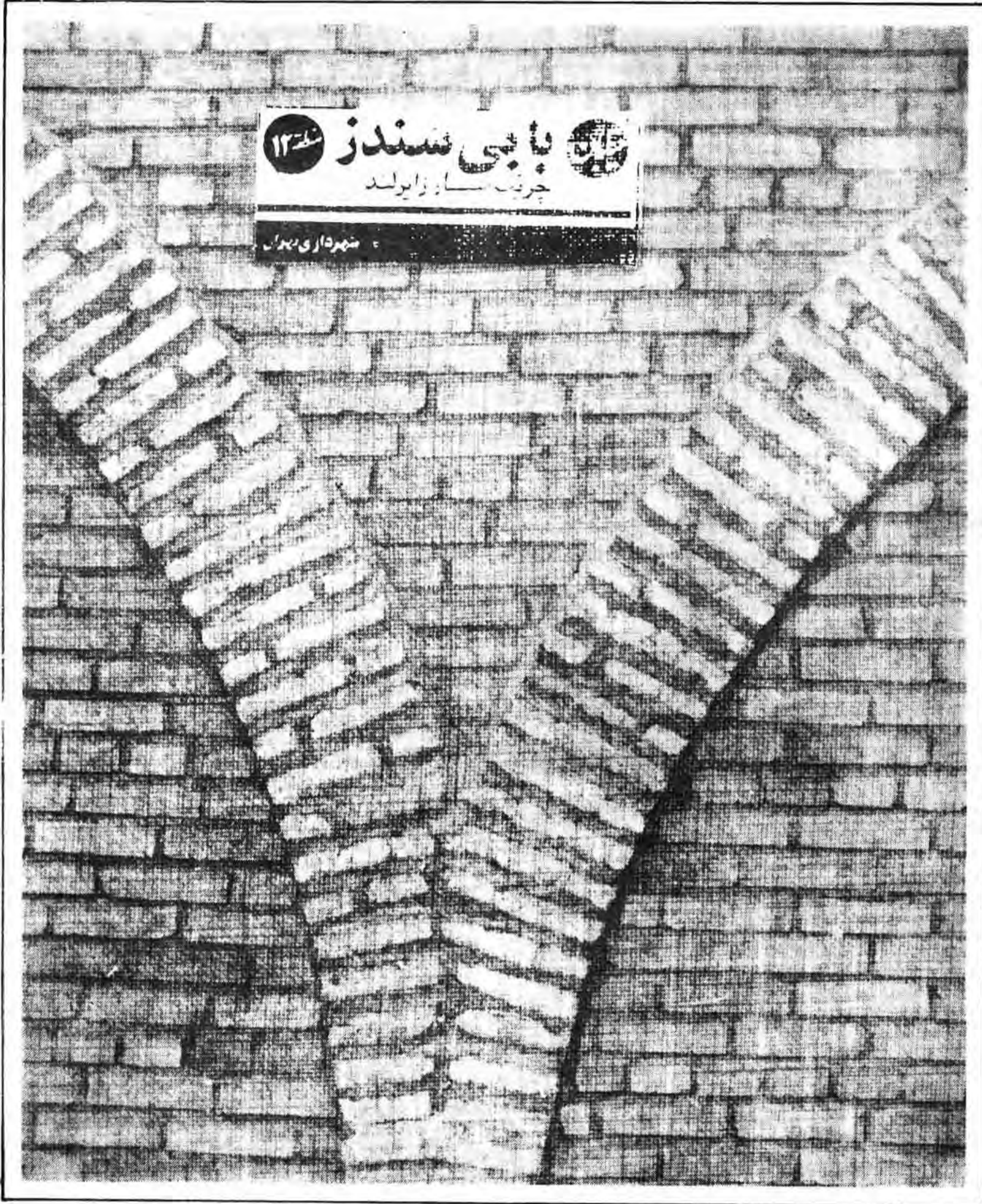


# جنگ هفته

نشریه، سیاسی- فرهنگی- هنری روزنامه جمهوری اسلامی

۶۰/۲/۲۶

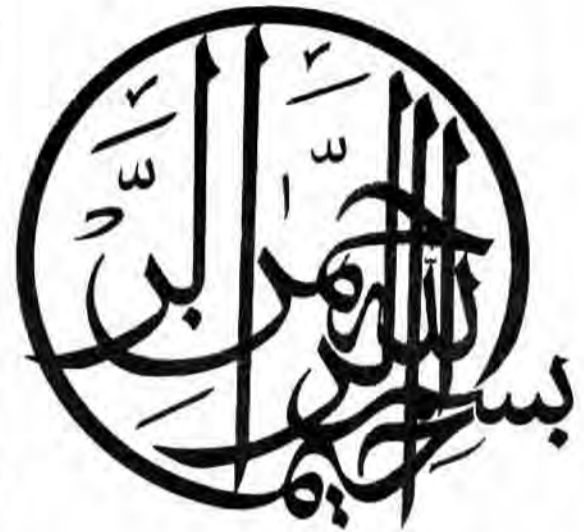


## حماسه بابی ساندز



# الیوم استعمال تنباکو و توتون

## پیوند در آغازی دوباره



از آغاز راه که در انتشار اولین شماره هفته نامه فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی گذاریم دانستیم که وظیفه‌های بس سنگین را بر جان خریداریم و تلاشی مداوم را پیش رو داریم. چرا که حواسمان بگری عمیق بود بر مسائل جاری در فرهنگ انقلابان و این تلاش ایجاد درجه‌ای برای ارتباط با شما عزیزان خواننده و یقینمان که مشتاقانه ما را پذیرائید و به استقبالمان می‌نمایید و یارمان هستید در ادامه راه. حاصل تلاشمان تا امروز به انتشار ۳۱ شماره از هفته نامه انجامیده است که تجربه‌ها آموختیم، با یاران بی‌شمار نشستیم و از دردها گفتیم و شنیدیم. در برخوردهای اصولی بود که نقصان کار را یافتیم و در انتقادهای صحیح و بجای یاران بود که هر شماره را پر بار و غنی‌تر از پیش بجای می‌سپردیم. در این طریق، از تیش خنده‌ها و زخم زبانه‌های کوتاه بینان خرده گیر هم در امان نبودیم ولی هر چه بود تلاش بود و هم یاری یاران که ما استوار و مقاوم عزممان را جزم کردیم تا در تلاشی کار ساز و مداوم بایستیم. بودن و یا شما ماندن بر ایمان نویسی بود که بمانیم و رسالتی عظیم را که مکتب و امام همدارمان دادند به فرجام رسانیم. رسالتی را که در سایه تلاش رهروان حق و به بهای خون شهیدان به ما رسیده است. رسالتی را که حسین داشت و رسالتی را که امامان دارد، با شما مندییم، با شما که ضعف و قوت کارمان را محک زداید و خود داورید و ناظر بر راهی که در پیش گرفته‌ایم و در آغازش شما را به مدد خواندیم، شما که در هر قدممان ما را یار بودید و از عنایتان بهره‌مندیم و همین عنایت ما را بس، که مشتاقانه ادامه دهنده راه حق باشیم. از آغاز تا امروز با گامهای استوار و با پشتوانه داورهای شما و با عشق و ایمان به رهبر و انقلاب به پیش آمده‌ایم و یکدلی را باور داریم. با انتشار هفته‌نامه جوانه شوق در دلهايمان گشت داده تو غبار از دل گرفتیم و اینک بشوق آمده‌ایم و بسوی تازه وصل را احساس کرده‌ایم و شما را باور داریم. تمام همت و کوشش ما در انتشار هفته‌نامه پذیرا شدن هر چه بیشتر شما خواهران و برادران است تا یک دل و متحد در ارتقاء فرهنگ متحول خویش همصدا شویم. خدا را سپاس و شکرگزاریم که تا امروز مانده‌ایم و در این راه گامی مثبت برمی‌داریم، به پاس یاری آنهایی که یارمان هستند دانستیم که در ارتباط با آنهاست که فرهنگ غنی شکل می‌گیرد و این تجربه‌ایست پر بها. لازم است تا فرهنگ در ارتباط مستقیم و خواست صادقانه صدیقان پاک و نیاز بگوشان رشد پذیرد و در رابطه آنچه جامعه‌طلب می‌کند فرهنگ تحول پذیرد، از این روست که بر اثر ضرورت لازم و نیاز ارتباط وسیع‌تر با شما یاران خواستیم تا هماهنگ بوده و به نحوه توزیع بیشتر و جامع و کاملتری برسیم. در راه رسیدن به چنین اندیشه‌ای است که یشاری و حضور شما را ارج می‌نهیم و در تیراز روزنامه که وسعت چندین برابر هفته‌نامه را دارد سهیم می‌گردیم. باشد تا در انتشار وسیع روزنامه که همراهِ هر پنجشنبه با شماست، محدود بودن ناشی از کمبودهای کاغذ و عدم امکانات چاپی را از بین ببریم و در این بازگشت هر چند با محدودیت صفحاتت رو بروییم، اما بسنده است چرا که رسالتی عظیم داریم و وظیفه‌های سنگین، که نه بردوش ما تنهاست که همه یاران راه سنگین آن را متحملند.

قاصد

### در بزرگداشت نودمین سالگرد جنبش تنباکو

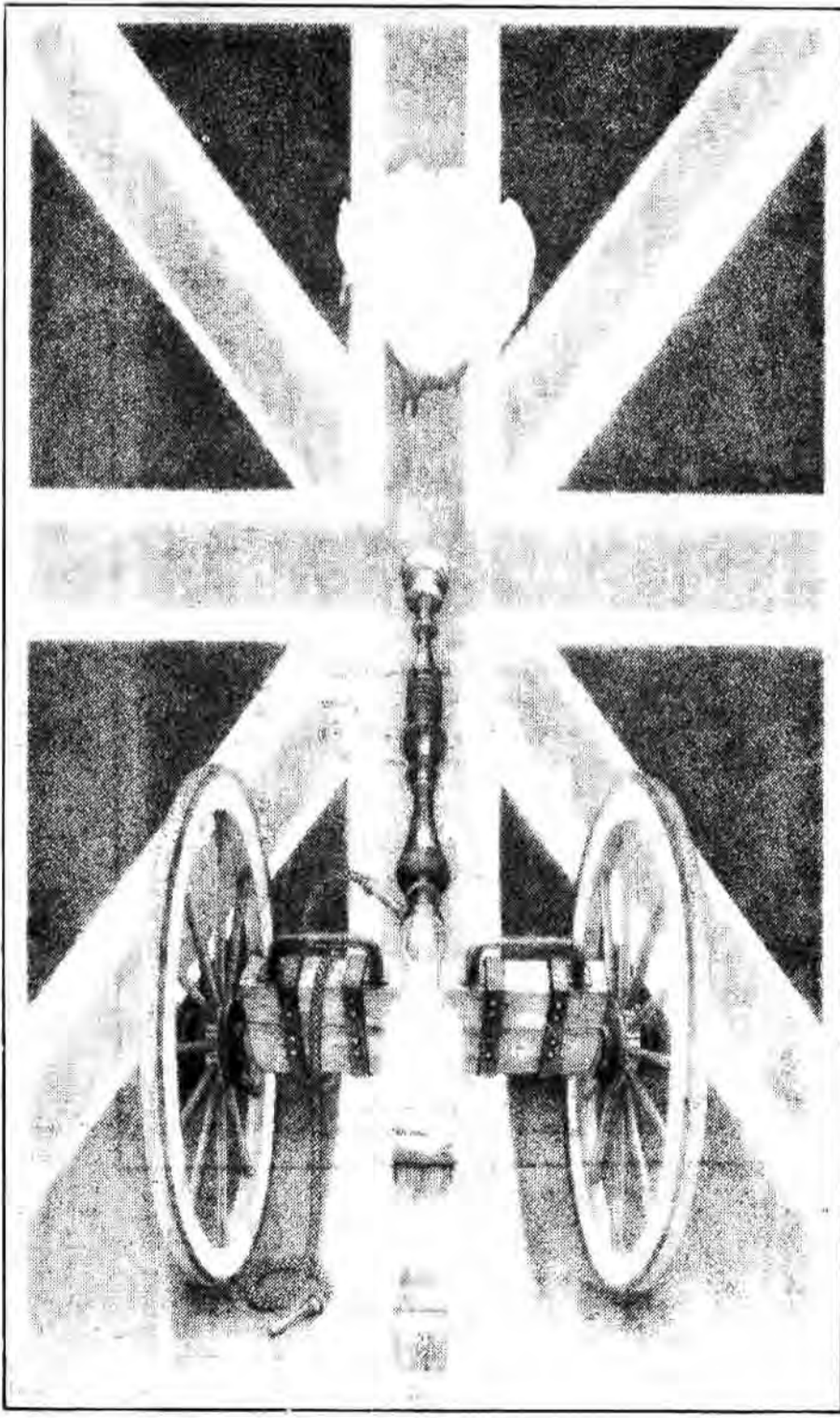
۹۰ سال پیش از این در چنین روزی (۲۵ اردیبهشت) مرحوم مغفور میرزای شیرازی گفت: الیوم استعمال تنباکو و توتون بغای نحر.... و با همین یک جمله کوتاه چنان نهضتی بی‌پای کرد که ملت ایران هنوز یاد آنرا گرمی می‌دارد.

جنبش تنباکو در زمانی آغاز گردید که دستگاه حکومت ناصرالدین شاه بر اثر ضعف و بی‌ایقتی، قادر به ادامه حکومت جابرانه خویش نبود و به همین دلیل برای ادامه حیات ننگین خویش مجبور بود که در برابر ابرقدرت‌های روس و انگلیس سر تعظیم فرود آورد و هر گونه خواست پلید استعماریشان را بپذیرد. بر همین اساس است که شاهد چندین مسافرت از سوی ناصرالدین شاه به انگلستان می‌باشیم. ناصرالدین شاه در سومین سفرش به انگلستان، در شعبان سال ۱۳۰۶ هجری قمری، با استقبال شدید مقامات انگلیسی روبرو گردید. انگلیس‌ها پیشنهادهایی را با شاه مطرح نمودند که یکی از آنها انحصار توتون و تنباکو در ایران بود. انگلیس برای اینکه نشان دهد مستقیماً در این معامله دخالت ندارد، قرارداد را به اسم شخصی بنام مازور جردالتابوت و تحت عنوان شرکت رژی منعقد کرد. این شرکت با ۶۵۰ هزار لیره سرمایه تأسیس شد و عایدات دولت ایران از واگذاری این امتیاز در حدود ۱۵ هزار لیره در سال بود.

استعمارگر خود را وارد ایران کرد و به شهرهای مختلف مملکت آنها را گسیل داشت. همزمان با شروع کار موج اعتراض و ناراضی‌گری از گوشه و کنار کشور برخاست. ابتدا مردم شیراز با ورود ماموران انگلیسی، فریاد خشم برآورده و سراسیمه به طرف منازل روحانیون می‌شتافتند و در بیرون راندن اجنبی از آنان یاری طلبیدند. اجتماعات مردم در این شهر بدستور ناصرالدین شاه به خاک و خون کشیده شد، بدنبال این واقعه مردم تبریز و اصفهان و دیگر شهرها نیز دست به شورش زدند. در تهران نیز مردم به طرف خانه آیتا... میرزا حسن آشتیانی و دیگر روحانیون متعدد هجوم بردند و خواستار اقدام جدی

کمک ملت بر نخیزی و آنها را جمع نکنی و کشور را با قدرت خود از چنگ این گناهکار بیرون نیاوری طولی نخواهد کشید که مملکت اسلامی زیر اقتدار بیگانگان در می‌آید. آنوقت است که هر چه میخواهند میکنند و هر حکمی دلشان خواست میدهند.

اگر این فرصت از دست برود و این معاهده‌ها در حیات تو صورت بگیرد در صفحه روزگار و صفحات تاریخ نام نیکی نخواهی داشت. تو میدانی علمای ایران هم سینه‌هایشان تنگ شده و منتظر شنیدن یک کلمه از تو هستند (کلمه‌ای که سعادت و نجاتشان در آن می‌باشد) چطور جایز است کسی که خدا این قدرت را به او داده کشور و ملت را به اینحال بگذارد (۱). میرزای شیرازی با ارسال پیامی به ناصرالدین شاه بقیه در صفحه روبرو



طرح از سروش

- ۱- خرید و فروش و ساختن توتون و تنباکو به انحصار شرکت انگلیسی درمی‌آمد.
- ۲- حمل و نقل توتون و تنباکو به ایران به هر عنوان ممنوع می‌گردید.
- ۳- خریدار منحصر به فرد محصولات، فقط شرکت انگلیسی بود.
- ۴- کسانی که از مقررات فوق تخلف نمایند، گرفتار کیفر سخت می‌شدند.
- بدیهی است که بدینوسیله شرکت مزبور می‌توانست محصول کشاورزان را بهر قیمتی که می‌خواست به چنگ آورد و کشاورزان مجبور بودند که محصول خویش را تنها به کمپانی انگلیسی بفروشند و در غیر این صورت محصولشان به نفع شرکت ضبط گردیده و مجازات می‌شدند.
- هدف انگلیس از این قرارداد تنها غارت منابع مالی کشور نبود، بلکه منظور، تسلط هر چه بیشتر بر ایران بود. با عقد قرارداد چنین ننگین و تحمیلی بود که انگلیس به عنوان کارکنان شرکت رژی، افراد و نیروهای



# به‌ای نحو . .

بقیه از صفحه قبل

خواستار لغو قرار داد تنباکو و آزادی روحانیون دستگیر شده گردید. اما دستگاه حکومتی به این درخواست نیز جواب مثبت نداد.

ناصرالدین شاه مشیرالوزراء را به سامراء نزد میرزای شیرازی فرستاد؛ وقتی مشیرالوزراء در توجیه عدم لغو قرارداد از ضعف دولت سخن به میان آورد میرزا گفت: حال که دولت از عهده این کار بر نمی‌آید من به خواست خدا آن را برهم می‌زنم.

مخالفت مردم روز بروز بیشتر شد. علمای اکثر شهرهای ایران طی پیامهای خود خواهان اقدام جدی از سوی میرزای شیرازی شده و از مرجع شیعیان خواستند که حکم تحریم تنباکو را اعلام نماید.

سرانجام فتوای تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی بدین شرح صادر شد:

بسم... الرحمن الرحیم  
الیوم استعمال تنباکو و پوتون بای نحوکان در حکم محاربه با اسام زمان صلوات... و سلامه علیه است.

صدور این فتوا که خواست قلبی ملت بود با استقبال شدید مردم روبرو گردید و در مدت کوتاهی نسخه‌های زیادی از متن فتوا تهیه و در سراسر کشور پخش شد مردم از فروختن محصولات به شرکت انگلیسی امتناع ورزیدند. حتی در یک مورد یک تاجر شرافتمند در اصفهان شبانه ۱۲ هزار کیسه تنباکوپوش را به آتش کشید و از معامله با شرکت مذکور سرپسچی نمود.

اثر فتوای میرزا چنان بود زنان حرمسرای شاه نیز قلیانها را شکستند و هنگامی که ناصرالدین شاه علت را پرسید یکی از آن زنان گفت: قلیان حرام شده است و در جواب این سؤال که...

چه کسی آن را حرام کرده، گفت: آن کس که مرا به توحلال کرد. پس از صدور تحریم تنباکو، ناگهان اعلامیه‌هایی بدین شرح در تهران پخش شد:

بحسب حکم جناب حجت‌الاسلام آقای میرزا، اگر تا ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود، یوم دوشنبه آینده جهاد است. مردم مهیا شوید.

انتشار این خبر همچنان عجیبی در بین توده‌های مردم ایجاد کرد و بر اثر آن رفت و آمد خارجیان در شهر قطع گردید. دولت از وقوع چنین امری به وحشت افتاد. ناصرالدین شاه طی نامه‌ای به نایب‌السلطنه نوشت: به میرزای آشتیانی بگو یاباید درمجامع عمومی به سنبر رفته و قلیان بکشی ویا از تهران خارج گردی. میرزای آشتیانی در جواب گفت: نفس حکم حجت‌الاسلام به هیچ وجه برام مقدور نیست، یکروز مهلت دهید تا از تهران خارج شوم. بر اثر این موضعگیری

دولت، برخشم مردم بیشتر افزوده شد و مردم روز بعد دسته دسته به طرف منزل آشتیانی براه افتادند. این اولین تظاهرات گسترده ضد استبدادی بود که زنان نیز در آن شرکت

دارند. زنها در خیابانها و بازار به حرکت درآمدند و مغازه‌هایی را که بسته بودند رایتند. در این میان عبدا... خان والی، خود را به جناب سلاذالانام رسانده و گفت: اعلیحضرت می‌فرماید مقصد شما چیست بگوید تا خود انجام دهم. وایشان در پاسخ گفت: ما بجز اینکه امتیاز را از داخله و خارجه مملکت یکسره رفع نموده و مداخله فرنگی از این عمل مقطوع گردد، مقصود و مقصد دیگری نداریم.

بر اثر پایداری و مقاومت مردم به رهبری روحانیت مسترقی، ناصرالدین شاه اعلام میکند که امتیاز داخله را که برداشته بودیم، امتیاز خارجه را هم برداشتم. این نمایش قدرت مردم بر رهبری روحانیت باعث شد که نه تنها حکم تبعید میرزای آشتیانی لغو گردد بلکه امتیاز تنباکو نیز ملغی گردد.

لارنس هاوس من، شاعر و نویسنده معروف انگلیسی در این مورد چنین میگوید:

بطلان این امتیاز (امتیاز تنباکو) فقط بواسطه اعمال مقننه و حرکات شجاعت‌آمیز ملاها و علماء بوده است که پادشاه را مجبور به بطلان آن نمودند و مردم را تشویق و تحریک کردند که در برابر آخرین حرکت و اقدام پادشاه که بسرقت ملت شباهت دارد، مقاومت سخت نمایند: (۲)

پرفسور حامد الگار درباره مبارزات مستمر علما و نقش آنان در جنبش تنباکو مینویسد:

هیجانی که علیه امتیاز تنباکو پدید آمد، از یکسو تکرار نقش سنتی علماء در مخالفت با دولت و از سوی دیگر پیش درآمد انقلاب مشروطه بود... در امتیاز تنباکو واقعا تمام ملت برهبری آنها متحد شده بود. آن هیجان صرفا اعتراض علیه یک اقدام بخصوص حکومت نبود،

برای اینکه هر چند کانون آن مسئله انحصار تنباکو بود، اصلا مقابله‌ای بود میان مردم و دولت که در آن رهبری علماء اراده و مفهوم تازمای از رهبران را نشان داد.

بنابراین نقش سنتی دوگانه علماء (مخالفت با دولت و مقاومت در برابر رخنه تدریجی بهگانه) به شدیدترین وجه متجلی شد و این نقش دوگانه را علماء به جنبش انقلاب مشروطیت سپردند.

درفو صمین سالگرد جنبش تنباکو، یاد سرجنبانان آن گرامی باد

پاورقی  
۱- کتاب جنبش تنباکو  
۲- کتاب نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین



## بنابست سالگرد هجرت معسلم شهید (دکتر علی شریعتی)

پنجره در سبیده غرق است شاخه‌ها در امواج سحر شستشو میکنند وابر فرصت اندکیست که در اطراف قله بدست میدهد، طلایه داران خورشید از ستیغ به دامنه می‌آیند هیاهوی روز از انبوه بنفشه‌ها بر میخیزد فوج افرهای بی‌پر چین زمزمه میکنند، آه ای فردا... فردا اشعه‌ها پیداست، آفتابگردان در ابتدای مزرعه ایستاده است و لبخند میزند، قلب تپنده زمین نگر است و ساقه‌ها در اضطراب تماشا هستند، خواهش خورشید از زبان سدرها و حناها بیج میزند: آه ای فردا... فردا... فردا حقیقت روشنست، فردا واقعیت رنگارنگست، تلاطم فرداها را بر لبه کوهها متوجه شوید توحش سنگ و تکبر صخره را بجا خواهد گذاشت فردا خواهد آمد، فردا خواهد آمد، فردا در را هست،

آسمان تنهاست، مرغی در تنهائی پرواز میکند، کرانه ناپیدای زمین پیداست و بر عرشه آفتاب ناخدای حیات ایستاده است، پرنده‌ای در نور پرواز میکند از جهش بالهایش، گوناگونی هستی رنگین میگردد، اواز قطب آمده است، از فضای جدارهای یخبندان، آمده است، و شتاب هولناک ترین بهم‌ها را در بال دارد، پرنده آشیانه‌های ساخته در برافست، فرزند طوفانی‌ترین فصول زمین اواز احساس سرد خاک می‌آید، از نقاشات زمستانه کرات.

آمای پرنده سرگردان عشق! عابر منظومه‌های ناشناس تمنای قاف از منقارت میتراود خاصیت سیمرغیت پیداست! اشکایت گردونه‌های شکسته و دل‌های خسته و نفس‌های آهسته و دردهای پیوسته انسان را فراموش مکن! بگذار ذات موج اندود و طلائی بزرگ، از وسعت مرداب‌های قاجمه حیرت کند، شاید بتابد، و تعفن بخار شود، و کف اقیانوس‌ها برای تخمگذاری ماهیها، مناسب گردد! شاید معصومیت مرجان‌ها و غربت آبی رنگ پریان دریائی، تجدید شوند، آه ای پرنده سرگردان عشق! التماس پی در پی حواصل و درد چهار صدساله سنگ پشت را از یاد میر، و حاکمیت بسیر را بر تمامت کوهسار بیاد آر! درختان دست تکان میدهند، هورای پرچین‌ها بالا گرفته است، بلدرچین‌ها نماز حاجت میخوانند، زخم داس بر گردن سنبله‌هاست، آه ای پرنده سرگردان عشق! تداوم درد هزاره‌ای زمین را از یاد مهر.....

احمد عزیزی

## در این شماره می‌خوانید:

- جنگ ..... صفحه ۴
- دموکراسی در «W.C» ..... صفحه ۵
- در دنیای عرب چه میگذرد ..... صفحه ۶
- «جهاد» بازیچه دست نوکران امپریالیسم در خاورمیانه شده است ..... صفحه ۶
- تصمیم جدی یعنی‌ها برای سرکوب اسلام و مسلمین ..... صفحه ۸
- چنگال آمریکا گلوی کارائیبی‌ها را می‌فشارد ..... صفحه ۸ و ۹
- اقدام جدید پرتوریا برای سرکوب سیاهان ..... صفحه ۸ و ۹
- حماسه بابی‌سندز ..... صفحه ۱۰
- انتخاب میتران: آغاز یک پایان ..... صفحه ۱۱
- چند حکایت از زبان سرخ «مدرس» ..... صفحه ۱۲
- چند رباعی از محمد رضا سهرابی‌نژاد ..... صفحه ۱۲
- پاسداران: شعری از سید حسن حسینی ..... صفحه ۱۳
- چند و چونی با شاعران جوان ..... صفحه ۱۳
- آموزش سینما ..... صفحه ۱۴ و ۱۵
- الشطیحات ..... صفحه ۱۴ و ۱۵
- داستان مقبره (قصه) ..... صفحه ۱۶
- پرواز تابیکران نور ..... صفحه ۱۷
- با کاروان حله ..... صفحه ۱۸ و ۱۹
- با خدا گفتم ..... صفحه ۲۰
- نایفه گمنام ..... صفحه ۲۰
- حدیث روز ..... صفحه ۲۰
- ورزش ..... صفحه ۲۱
- از آدینه تا آدینه در بستر تاریخ ..... صفحه ۲۲ و ۲۳
- سیاست آنها (قسمت سوم) ..... ۲۲ و ۲۳
- مطالب متنوع دیگر .....

## جنگ هفته

نشریه سیاسی - فرهنگی - هنری  
ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی

با ارسال نامه‌ها، آثار، پیشنهادات، انتقادات، اشعار، قصه‌ها و... برای این جنگ، یارمان باشید

تلفن: ۱۸ و ۱۴ - ۳۰۲ داخلی: سیاسی - ۱۷، فرهنگی هنری - ۵۱، روابط عمومی - ۴۴  
آدرس: تهران - سعدی جنوبی - ساختمان ۵۷۱ - دفتر روزنامه جمهوری اسلامی - جنگ هفته



# جنگ

نتایج حاصل از جنگ از یکشنبه ۶۰/۲/۱۳ تا دوشنبه ۶۰/۲/۲۱

نظرایدتولوژی آزاد خواهیم کرد.  
اطلاعیه شماره ۴۹۵ (یک میگ و ۵ انبار مهمات دشمن منهدم شد)  
حمله دشمن به نقاط مسکونی دزفول.  
ادامه نبرد در جبهه‌های اهواز.  
گفتگو با فرماندهان عملیات نظامی ذهاب ایلام سومار و گیلانغرب.  
گله شدید تمایندگان استانیهای غرب کشور از عدم پخش عملیات تصرف بازی دراز.  
مواضع و سنگرهای دشمن درغرب کشور در هم کوبیده شد.  
ورود ۲۴ تن از اسرای عراقی به سنندج.  
تلفات حملات موشکی و توپخانه دشمن به حمیدیه و دزفول.  
۲ تانک و ۳۴ مزدور صدام نابود شدند.  
اطلاعیه شماره ۴۹۶ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

پنجشنبه ۶۰/۲/۱۷ و جمعه ۶۰/۲/۱۸  
حماسه  
حماسه نیروهای هلی‌برد عراق به ارتفاعات تنه ناکام ماند.  
انهدام ۶ دستگاه تانک در میدان تیرآبادان دشمن اهواز و دزفول را بار دیگر به توپ بست.  
حمله دشمن به ارتفاعات قراویز بشدت دفع شد.  
(اطلاعیه شماره ۴۹۴)  
۶ تانک از ۲۰ تانک مهاجم به آبادان منهدم شد.  
چهارشنبه ۶۰/۲/۱۶  
عراق در حمله به جبهه‌های دزفول و آبادان با ۲۹۰ کشته و زخمی شکست خورد.

اهواز و دزفول چند بار گلوله باران شدند.  
(اطلاعیه سپاه)  
۷ تانک و نفربر دشمن به غنیمت گرفته شد.  
گردان تانک و پیاده عراق در حمله به آبادان با ۴۰ کشته عقب نشست.  
یک لشکر عراقی به فرماندهی صدام مغلوب سربازان اسلام شد.  
فوران حماسه «در سر» پیران  
اطلاعیه دایره سیاسی ایدئولوژیک لشکر ۷۷ خراسان مستقر در آبادان  
بازدید خبرنگاران فیلم‌برداران و عکاسان داخلی و خارجی از مناطق جنگ‌زده  
جنگنده‌های هواپرواز سه تانک و ۶ خودروی دشمن را منهدم کردند.  
با اجرای آتش رزمندگان اسلام اسکله چهار چراغ المعامر در خاک عراق دچار حریق شد.  
۳۱۰ نفر از قوای کفر کشته و مجروح شدند (اطلاعیه شماره ۴۹۳)

آمار بدست آمده از تلفات دشمن در هفته‌ای که گذشت (از ۶۰/۲/۱۷ تا دوشنبه ۶۰/۲/۲۱)  
حکایت از شکستهای دشمن در برابر نیروهای اسلام است. نتایج عملیات رزم‌آوران اسلام در مدت مذکور بطور فشرده بشرح زیر است

دوشنبه ۶۰/۲/۲۱  
\* جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش اسلام تأسیسات صنعتی کرکوک را نابود کردند.  
با آتش نیروهای ما پالا پشگاه نفت فاو عراق آتش گرفت.  
کاهش جنگ در جبهه‌های ایلام  
گزارش عملیات جبهه آبادان  
عراق اهواز و دزفول را به توپ بست  
حماسه جنگنده‌های نیروی هوایی به تأسیسات کرکوک (اطلاعیه شماره ۴۹۸ ستاد مشترک ارتش) یک گردان ۵ گروهانی ارتش صدام در منطقه مرزی مریوان تارو مار شدند (اطلاعیه سپاه پاسداران)

یکشنبه ۶۰/۲/۲۰  
\* عراق با ۲۰۰ کشته از ارتفاعات مریوان عقب نشست  
عراق مقبره دانیال نبی در شوش را به توپ بست.  
اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (صدام) ۱۵ تن از افسران عراقی را تیرباران کرد.  
۱۲ سنگر گروهی دشمن در جبهه‌های غرب نابود شد.  
دشمن در جبهه‌های غرب در موضع تداقمی است.  
قداقیان اسلام یک انبار مهمات، یک کامیون و یک تانک دشمن را نابود کردند.  
آخرین خبر جبهه‌های آبادان

جبهه‌های ایلام  
اوضاع جبهه‌های غرب کشور  
حمله ضد انقلاب به پادگان قلعه بیگم نقده دفع شد.  
پناهنده شدن نظامیان عراق به ارتش اسلامی  
اطلاعیه رزمندگان جنبش امل در جبهه جنوب  
اطلاعیه شماره ۴۹۷ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

شنبه ۶۰/۲/۱۹  
در طی یک هفته در جبهه جنوب و غرب ۱۲ میگ سرنگون شد.  
عراق بدرخواست حزب دموکرات سردشت را بمباران کرد.  
بر اثر شلیک موشک ۱۳ تن از مردم بیدفاع حمیدیه به شهادت رسیدند.  
میگ عراقی در جبهه گیلانغرب سقوط کرد.  
گزارش عملیاتی جبهه غرب.  
نه تنها قدس بلکه مسکو و واشنگتن را از

پیش انجام شده است.  
از طرف دیگر با توجه به تحریم اقتصادی و نیاز نیروهای مسلح ما به جنگ افزار و تجهیزات و نیز وابسته بودن دشمن به جهانخواران شرق و غرب و وابستگان آنها. در جبهه‌ها شاهد حرکت تازه‌ای بودیم و آن اینکه دشمن برای حمله و یا دفاع حداکثر ظرفیت خود را برای انجام عملیات وارد کسارزار می‌نمود اما لشکر اسلام با حداقل نفرات و تجهیزات آنچنان حمله دشمن را دفع و یا خود مبارزت به اجرای تک میگرد که تمام حسابهای نظامی را در سراسر دنیا برهم می‌زد بطور مثال رزم آوران اسلام برای بازپس گرفتن ارتفاعات استراتژیک بازی دراز با ۵۰۰ نفر به ارتفاعات حمله کردند در حالیکه قوای کفر ۳۵۰۰ نفر بودند یعنی ۷ برابر نیروهای ما با اینهمه دشمن با ۱۰۰۰ کشته و زخمی، ۵۰۷ اسیر و منهدم شدن دهها تانک و مقادیر زیادی تجهیزات نظامی مجبور بعقب نشینی شد و سلحشوران اسلام با تقدیم ۶۴ شهید به پیشگاه الهی و انقلاب اسلامی ایران پرچم جمهوری اسلامی را بر بلندترین قله بازی‌دراز بنام ۱۱۵۰ به‌تزاز در آوردند! در مقابل این حمله

دستور حمله به مناطق مسکونی را صادر کردند و این بدان خاطر بود که اگر از سربازان عراق عده‌ای هلاک شده‌اند به همین تعداد هم از نیروهای ایرانی کشته شده باشند با این تفاوت که آنها نظامیند و اینها مردم بیدفاع! البته دشمن همیشه بی‌شرمانه اعلام میکند که ما برای انجام پیشروی «مجبوریم» شهرهای سرراه را بکوبیم تا بتوانیم با بیرون راندن مردم شهر را اشغال کنیم و این بقیه از دست رفتن جان عده‌ای زن و مرد، پیروچوان و کودک که تنها جرمشان اطاعت از خداست تمام میشود همچنین در مورد اسرا نیز وضع به همین منوال است بطوریکه در چندماه جنگ بخصوص در این اواخر تعداد زیادی از نیروهای عراقی به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند برای جبران کمبود اسرای خود دست به دو اقدام رده است اول آنکه در پیشرویه‌های خود روستائیان سرزشتن را بعنوان اسیر دستگیر نموده و همچنین اسرای ارتش و سپاه و جهاد و مردم را که توسط احزاب محله دمکرات و کومله بگروگان گرفته شده بودند با تحویل سلاح معاوضه می‌نمود تا تعداد اسرای ایران را به پایه اسرای خود برساند البته مورد دوم چندی

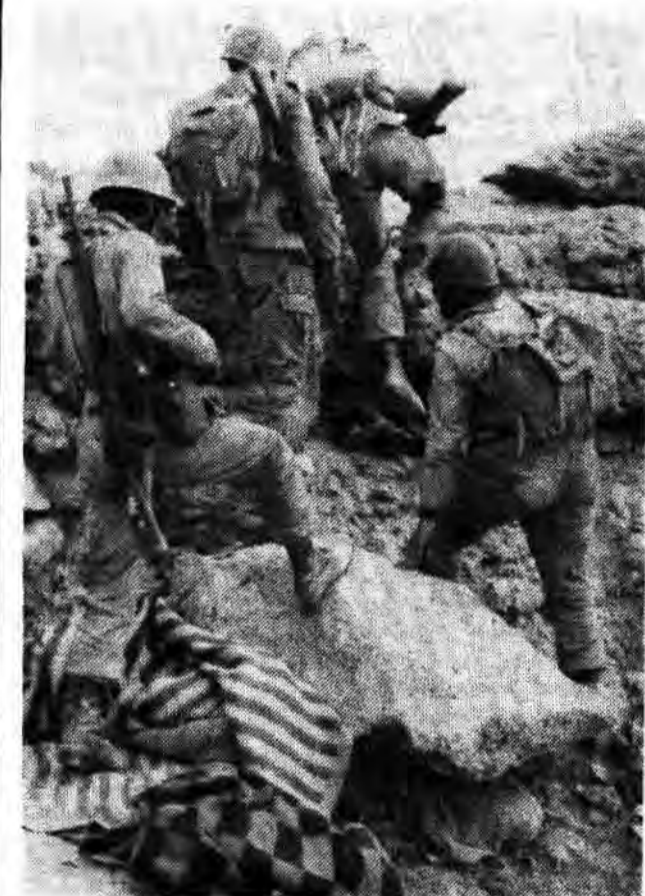
در هفته‌ای که گذشت جبهه‌های جنگ بازم شاهد فداکاریها و از جان گذشتگیهای قوای اسلام بودند. نیروهای متجاوز عراق در این مدت سعی میکردند مناطق از دست داده خود را در جنوب و غرب کشور بازپس بگیرند اما هربار با پذیرفتن شکست مجبور به عقب‌نشینی میشدند و در هر حمله همچون ماههای گذشته متحمل تلفات و ضایعات سنگینی می‌شدند و ایس برای نیروی متجاوزی که بدون داشتن هدف و مکتب بیش از ششماه در جنگ شدید بسر می‌برد نه تنها مقرون بصره نیست بلکه فاجعه‌آور است بهر حال صدام میدانند که از دست دادن یک جبهه روحیه ضعیف و باخته سربازان او را روبه روال کامل می‌برد و به همین خاطر بدبسال اعلام شکست متجاوزین عراقی رسوای ایران، رادیو تلویزیون عراق نشان دادن منطقه‌ای که قبلا آن فیلمبرداری کرده و گزارش تهیه نموده بودند تلاش کردند صریحی را که خورده بود انکار کنند. از سوی دیگر بدبسال وارد شدن تلفات سنگین بدشمن فرماندهان نظامی عراقی برای مساوی کردن تعداد کشته‌شدگان و سرپوش گذاشتن بر شکست حیویتی

دشمن برای اشغال مجدد این ارتفاعات با مجهزترین لشکر خود بفرماندهی صدام یزید به منطقه حمله کرد و بار دیگر با تحمل تلفات و ضایعات بسیار مجبور به عقب نشینی شد که عسل شکستهای پسیاهی دشمن را میتوان در جمله‌ای از شیروزی شهید یافت که می‌گفت: «در این جنگ ایسمان می‌سپیزد نه تخصص». حال که یادی از ایمان آوردیم بدنیست در این باره توضیحات عینی دیگری بدهیم. یکی از برادران ارتشی که دیده‌بانی یکی از جبهه‌های جنوب را بعهده داشت میگفت من در خط اول جبهه دوپست پاسدار را دیدم که با آرمی‌جی هفت بطرف دشمن نشانه رفته و آمادد بودند که کوچکترین حرکت تانکها و نفرات دشمن را در اولین گام متوقف کنند. چهره مصمم و قاطع آنها و روح ایستادگری عظیمی که در حرکاتشان مشهود بود مرا بفکر فرو برد. بخودم گفتم عراق اگر بخواهد پیشروی کند در حقیقت باید از خط خدا سگ رد! یکی دیگر از برادران رزمنده می‌گفت وقتی عراق برای تصرف مجدد ارتفاعات بازی‌دراز دست به یک «پانک» زد یکی از بقیه در صفحه روبرو





# جنگ



بغیه از صفحه قبل

باز دیگر فعال کرده و وارد عمل کند تا این سخن ما را که نیروی هوایی دشمن فاقد کارایی است دروغ جلوه دهد، بهمین منظور چندین عملیات هوایی توسط جنگنده‌ها و بمبافکن‌های عراقی انجام شد که بطور کلی میتوان مجموعاً ۱۲ فروند از هواپیماهای عراقی در این عملیات سرنگون شدند و تعدادی از خلبانان آن دستگیر و عده‌ای کشته و بقیه ستواری شدند. از سوی دیگر براساس اطلاعات واصله دنیا کم شکست عراق را دریافته است و همانطوریکه برنام‌های استعمارگران و خون آشامان در طول تاریخ بوده اینبار نیز بسراغ صدام آمده است و طبیعی است که جهان‌خواران تا زمانی از یک غلام حلقه بگوش حمایت می‌کنند که ثبات و دوام او برایشان مسلم باشد لذا بمحض قطعیت یافتن سقوط، خود دست بکار می‌شوند تا بمنظور تداوم منافع عارتگرانه خود بهره دیگری را بر جای او بنشانند و ما این مطلب را در زمان رژیم مقبور پهلوی بخوبی مشاهده کردیم و حال که نوبت صدام رسیده دولت فرانسه «دوست صمیمی آمریکا» که تا دیروز صدام و عمال و حکومت او را قانونی میدانست و به او کمک نظامی می‌کرد ایک به مطبوعات خود اجازه داده است تا وقایع داخلی عراق را که دچار سانسر می‌شد برای اطلاع مردم بصورت گام به گام بنویسند تا با آماده کردن زمینه چینی افکار اگر زمان برای ادامه حکومت صدام مساعد نبود او را بتوانند سرنگون سازند و در این رابطه می‌بینیم که مطبوعات فرانسه در هفته گذشته در مورد بیداد گامهای صدام مطلب نوشتند و زندانهای صدام را از محو‌ترین زندانها قلم‌سداد کردند. و اعتبار و یا اولی الا بصار

## دمکراسی در «W.C»

خلیل محمدزاده

یک بهشت است. توی آن فضای عطر آگین دموکراتیک واشنگتن! لوس آنجلس! نیویورک! آدم خیال می‌کند توی بهشت است! - محله هارلم!!! جی! محله هارلم! با آن سیاهان کثیف! آه که منظره گند و خجالت آور آن دلم را بهم زد. حالا که بیاد آن روزها می‌افتم واقعا درک می‌کنم در چه فضای دموکراتیکی! زندگی کردیم. - رشوه‌خواری، فساد... بله!!! رشوه‌خواری، فساد، نه آقا، شما بد تعبیر می‌کنید. بگویند دستمزد، خوشگذرانی، سعی کنید با دید مثبتی به اوضاع بنگرید. چرا جای دور برویم، همین ایران خودمان در زمان شاهشاه فقید! واقعا پر از دموکراسی بود. اصلا کی به آدم می‌گفت: خوشگذرانی نکن، کازینو نرو، دستمزد بگیر!! و هزار امر و نهی دیگر!! همه خوشبخت و کامیاب بودیم. نخستوزیران دموکرات منشی مانند هویدا و آموزگار و شریفامامی داشتیم. مظهر دموکراسی بودند. اصلا چه کسی جرأت می‌کند به آنها مقصد فی‌الارض بگوید، من پدرش را درمی‌آورم. آنها فرشته‌های دموکراسی بودند!! - اختناق! سانسر!! ساواک!! فساد! رشوه! هزار فامیل!! آقا بس کنید! خفه شوید! این تهمتها را نزدیک! شما خیلی بی‌چشم و رو هستید. بنده که تمام عمرم را نزد آنها گذراندم چنین تهمت‌های ویدیجی را در آنها ندیدم. آنها خیلی آزادمنش بودند. بنده شبانه‌روز با دختران و پسران آنها روزگار می‌گذراندم، آقا بقدری ملیج و آزاد و ملوس و دموکراتیک! بودند که آدم دلش می‌خواست شبانه‌روز نوکری‌شان را بکند. آقا حق هم داشتند چونکه واقعا معنی دموکراسی را می‌فهمیدند. - پول ملت! پول نفت! پول گاز!! پول چی گفتید! پول ملت! آقا ول کنید این حرفها را!! مگر نفت و گاز و طلا و نقره و مس ارت بابایان بود که اینهمه ناله سر می‌دهید! گداهای بی‌همه چیز! سلی، تا اینکه شاهنشاه دموکراتیک ما را یک عده ارتجاعی!! ... بیرویش کردند!! نه نه بیرویش نکردند!! خودش رفت برای استراحت!! که این ارتجاعیون! اجازه برگشت ندادند و این رژیم کاملا و

طرفداری مفصلی میکردم تا اینکه، بعلی، گسند کارایشان در آمدند و بسا اصلاح ورشکست شدند. آه مراباید خیلی بخشید حواسم پرت شد. لازم بود قبلا می‌گفتم بنده یک مدتی هم در سازمان چریکهای اف(ف) فعالیت میکردم و همیشه با گول فرندم!! که از شمال شهر! بود در برنامه‌های این سازمان هم شرکت میکردیم و سخنرانیهای مفصلی در سازه حمایت از ک سازگران و زحماتشان می‌شدیم. وسعد ماشین کوبی ام راسوار می‌شدم و نشريات این سازمان مبارز را بحث میکردم و از حق هم بساید گذشت دختران و پسران فداکار شمال شهر هم در اینکار سعی فراوان می‌کردند(آه چه فرشته‌های پاک، مهربان و معطر و عقیقی!! بودند). حیوونیه چقدر غصه دهقانان رامی‌خوردند!! داشتیم یواش یواش دموکراسی را اجزاء می‌کردیم که سائظاهرات میلیونی توده ناآگاه روبروشدم. خدای من ایسها، ایس ناآگاهان!! دموکراسی چه میدانستند! واقعا هیچی!! دیگر در بیرون نمی‌توانستیم از حکومت دموکراتیک و دموکراسی حرف بزنیم چون همه سده را به تمسخر می‌گرفتند(آه، دموکراسی عزیز، چقدر مادوری). داشتیم واقعا مایوس می‌گشتم که ناگهان توجه (السته بطوردموکراتیک) که سوی حریرانی دیگر معطوف شد. مسر کنید الان برایتان می‌گویم کدام حریران بود!! اصلا صبر لازم ندارد بگذارید هم شما را راحت کنم وهم خودم را! .....

این دفعه دیگر قضیه خیلی جدی بود و بنده خیلی خیلی امیدوار شدم. بدین جهت بسا دوستانم سانشان دوران شمع پروانه گشتم. البته خیال نکند هست بنده اپورتوئیست (فرصت طلب) هستم، نه حیر بلکه هر چه طرفدار سازمان (ام) و (اف) بود و دیگر گروههای پسگام و پیشگام پیش این قبله سجده آعاریدن نمودند. خوب بیچاره‌ها حق هم داشتند. دیگر مسرگ روزنه امید یاقی نامده بود چون از همه جا رانده و وامسانده شده بودند. بلی داشتیم می‌گفتم که دیگر ایندفعه حساب ارتجاع و واپسگراییان کاملا پاک بود. دیگر بوبت ما بود که خیل همقطاران خویش را به خیابانها بکشیم و حتی در یکی دوتا از شهرهای مهم دست به کارهای بزرگی از قبیل پاره کردن عکس زدیم. دلمان خوش بود که روزگار بر وفق مراد است!! اما آقا خدمتتان عرض کنم باز فدرالی آبرور ایس بوده‌های میلیونی ناآگاه به حیابانها ریختند و هر چه را ما رشته بودیم بها پسه کردند و امید ما بریاد فسا رفت. پکرو که نزدیک بود از رور حنناق نترکم فوری خودم را به یک (حیالی عذر میخواهم) نوالت عمومی رساندم. داخل که شدم خیال کردم وارد آمریکا شدم میدانید چرا؟ برای ایسکه تمام درود یوار آنرا رفقای رحمتکش و طرفدار کارگر من پر از مرگ بر... و مردصاد... کرده بودند. نفس راحتی کشیدم. بنده هم فوری (السته با کمال شهامت) قلمم را در آوردم و نوشتم مرگ بر اختناق- درود بر دموکراسی دیگر هیچکس! می‌خواست ایسها را به اختناق بکشند. تنها سگر باقی مانده همین نوالت بود آه چه فضای آزاد و دموکراتیکی!! حالا فهمیدید چرا در اول عرایصم گفتم: دمکراسی در نوالت!! پایان

بهدارمندی به خیل طرفداران سازمان پرافتخار (ام) پیوستم. البته تصدیق می‌فرمائید بنده هدفی داشتم و برای رسیدن به هدف مقدم بسا سازمانی که در مبارزه بسا واپسگراییان بود، همکاری می‌کردم. - مثل کمونیستها با کمونیستها!! آه، نه آقا من کمونیست و مارکسیست نیستم! ولی عقیده دارم که هدف وسیله را توجیه می‌کند. بلی داشتم عرض میکردم که طرفدار پروپاقرص سامان (M) شدم. - منافع! آقا!! منافع!! چی می‌گویند! منافع جدو آبادان است!! حقه شویید!! احقن بگیرید!! شما حق صحبت ندارید!! من دارم از دموکراسی حرف می‌زنم، شما مراصصانی می‌کنید. خوب داشتیم دموکراتیک آنها شرکت میکردم، به سخنان واقعا دلپذیرشان با آن صدای نازک ممانی(الهی که من فداش بشم) گوش میدادم وهمه خا از ایشان



منافع خودتی!



# دردنیای عرب چه می گذرد

از این هفته، خوانندگان گرامی را در جریان اخبار و رویدادها و حوادث و مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای عربی قرار میدهیم و امیدواریم بتوانیم هر چه بیشتر این صفحه را از مطالب گوناگون عسی کنیم. هدف ما از بحث اخبار کشورهای عربی این نیست که عیبها و نواقص را بیان نمائیم بلکه هدف اصلی ما بیان واقعیتهای موجود در این کشورها، خوبیها، بدیها، زیباییها، رشتها و کلیه مسائلی که به دنیای عرب مربوط میشود میباشد. امیدواریم بتوانیم در این کار موفق شویم و خوانندگان عزیز بتوانند از این مطالب برآمد شوند.

## قذافی: عراق بنماینده‌گی از آمریکا و اسرائیل میجنگد

جدی پیش لیبی با دهمین سالگرد اخراج نیروهای انگلیسی و سنس پایگاههای استعماری در این کشور را جشن گرفت. در این جشن هیئتتی از کشورهای جهان شرکت کردند و هیئت از طرف ایران جهت شرکت در این جشن عازم طرابلس شد. سمر قذافی رهبر لیبی طی سخنانی اشاره به انقلاب اسلامی در ایران و جنگ تحمیلی عراق بر ایران کرد.

«در اینجا هیئت از طرف ملت برادر ایرانی میبینیم که در کنار شما می‌سند همانگونه که شما در کنار ما ایستادید و این همان دوسی است که به آن افتخار می‌کنیم و این همان پیمان مقدسی است که میان ملت ما و ملت‌های مبارز

که علیه استعمار و از تحاج و تسلط مبارزه میکند بسته شده است.»

«ما اگر ما عراق می‌جنگیم برای ایست که دولت عراق بنماینده‌گی از آمریکا علیه ایرانی‌ها می‌جنگد، ملت عظیمه این که انقلاب معمرهای کرده و رژیم شاهنشاهی را سرنگون نموده و عرور آمریکا را لنگ سال کرده است در کنار ما است.»

«عراق با کینه و دشمنی به شما می‌نگرد، عراق با ملتی می‌جنگد که در کنار ملت فلسطین ایستاد. عراق بنماینده‌گی از آمریکا و اسرائیل با ملت ایران می‌جنگد بنابراین دولت عراق دشمن ما و شما است ولی ملت عراق، ملت ایران، دولت ایران و امام خمینی در کنار ما هستند.»

تلاش‌های بی‌نتیجه صدام....

رژیم بعث عراق تلاش گسترده‌ای جهت توجیه جنایات خود و تحمیل جنگ فعلی جمهوری اسلامی ایران مجبور میدارد، و میکوشد ایران را مقصر صلی و مسبب این جنگ معرفی کند، و دیگران را اواداره محکوم کردن ایران بنماید.

رژیم بعث عراق، حدود دوماه پیش، ۱۲۰ تن از اساتید دانشگاهها را دعوت کرد که در شهر بصره بروند و یک سمپوزیوم بین‌المللی تشکیل دهند.

این سمپوزیوم بین‌المللی مرکز مطالعات خلیج (فارس) دانشگاه بصره با همکاری نشریه مطالعات شبه جزیره عرب و خلیج (فارس) دانشگاه کویت از تاریخ ۲۹ تا ۳۱ مارس ۱۹۸۱ در شهر بصره عراق تحت عنوان «آینده خلیج (فارس) و استراتژی اقدام مشترک اعراب» برگزار شد.

از یکی از اساتید مورد وثوق که

در این سمپوزیوم شرکت کرده‌اند اطلاعات زیر کسب شده است:

۱- ۱۲۰ نماینده از مراکز علمی و دانشگاهی کشورهای مختلف در سمپوزیوم مسرور شرکت داشتند.

۲- نمایندگان شرکت کننده از قطر و کویت در راهسمنانی سمپوزیوم به جهت اعتدال نقش مؤثری ایفا کرده‌اند.

۳- علیرغم کوشش عراق برای محکوم کردن یک جانبه ایران در رابطه با جنگ تحمیلی، ماده‌ای اعلامیه صادره در پسابان کار سمپوزیوم خواستار پایان مناقشات بین ایران و عراق از طرق مسالمت‌آمیز سراساس اصول و مقررات منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل به ویژه اصول و مقررات مربوط به احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر شده است.

۴- استنباط شخصی بسیاری از شرکت کنندگان پس از مطالعات بسیار این بوده است که رژیم بعثی با شروع جنگ تحمیلی مخصوصاً با توجه به اوضاع متشیخ بصره و آمادگی در این کشور برای انقلاب در جستجوی راه چاره‌ای جهت منحرف کردن افکار عمومی از مسائل داخلی و بحات موقت رژیم از مملکت بوده است.

لارم بتذکر است که معراج هتل و ویلیت برگشت شرکت کنندگان در این سمپوزیوم از طرف عراق پرداخت گردید و کاملاً مشخص بود که برگزاری این سمپوزیوم آن هم در شهر بصره کاملاً جنبه تبلیغاتی داشته است ولی باوجود اینکه عراق برای

جمع‌آوری اساتید دانشگاههای کشورهای دیگر متحمل معراج سنگینی شد، نتوانست نتیجه مثبتی از این سمپوزیوم در محکوم کردن ایران بدست آورد.

سوریه: گامی در راه خود کفائی در حال حاضر، مقامات سوریه، ونمایندگان شرکت اکسادیما مذاکراتی جهت ایجاد یک کارخانه شیشه سازی در سوریه انجام میدهند. این مذاکرات در حال حاضر پیرامون چگونگی تولید و مقدار آن صورت میگیرد مطالعاتی که در این مورد بعمل آمده نشان میدهد تولید این کارخانه نه تنها نیازهای سوریه را رفع میکند بلکه این کشور میتواند تولید اضافی خود را به کشورهای عربی صادر نماید هزینه تاسیس این کارخانه ۵۰۰ میلیون لیره سوری (۱۲۵) میلیون دلار برآورد شده است.

## اخراج حجاج از عربستان....

پس از قیام انقلابیون مسلمان در عربستان سعودی علیه خاندان آل سعود، رژیم عربستان شدیداً حجاج خانه خدا را کنترل میکند و دیگر اجازه نمیدهد آنها مانند گذشته در کنار کعبه مشرفه و مسجد پیامبر اسلام (ص) اقامت تفاسد.

گروهی از حجاج نیجریه که تعدادشان بالغ بر ۲۱۴۷ نفر بود پس از انجام مراسم حج تصمیم گرفتند در عربستان اقامت کنند و حاضر نشدند به کشور خود باز گردند و معتقد بودند که مسلمان هستند و مکه مکره ولی کشور اصلی خودشان است. ولی

مقامات سعودی بانه آنان دستور دادند که باید فوراً خاک عربستان را ترک کنند. حجاج نیجریه بعنوان اعتراض به دستور مقامات عربستان تظاهراتی بسراه انداختند و خواستار لغو این دستور شدند نیروهای امنیتی با زور تظاهرات حجاج را سرکوب کردند و همگی آنها را از عربستان اخراج نمودند. شرکت‌های بیمه و جنگ تحمیلی.....

شرکت کشتیرانی متحده عرب که در سال ۱۹۷۶ توسط کشورهای بحرین، عربستان سعودی، عراق، قطر، کویت و امارات متحده عربی تاسیس گردید، برای اولین بار سود برده است عبدالعزیز سلاط مدیر کل شرکت میگوید این شرکت توانسته است از طریق مقرر داشتن حق بیمه برای شرکت‌های خارجی بالاترین حق بیمه را بدست آورد سود حاصله که در نتیجه جنگ (تحمیلی عراق بر ایران) نصیب شرکت مذکور گردیده، زیانهای ۴ ساله شرکت را که مبلغ ۳۵/۱۹ میلیون دلار بوده، جبران کرده است.

## مراکز درمانی برای معلولین در لیبی

اخیراً، دولت لیبی یک قرارداد ۷۵ میلیون دلاری با یک شرکت سوئدی بنام اسکایسکا سمستجو تیت بسته است که براساس آن قرار است این شرکت دو مرکز توان بخشی برای معلولین در طرابلس و بنغازی احداث کند. هر کدام از این دو مرکز شامل کلینیک، بخش اشعه ایکس، سالن جراحی، کارگاه توان بخشی، تفریحگاه و استخر شامی شوند.

تلاش‌های دیپلماتیک برای جلب قماربازان خبرگزاری‌های جهان گزارش دادند درامند انگلستان از

تالارهای قمار در سال ۱۹۷۹ به ۶۲ میلیارد لیره استرلینگ بوده است این درآمد در سال گذشته ۱۹۸۰ به ۲۲۰ میلیون لیره رسید. خبرگزاری آسوتیستدپرس که این تحقیق را منتشر کرده، علت کاهش درآمد انگلستان از تالارهای قمار در سال گذشته را کاهش مسافرت پولداران عرب به لندن ذکر کرده است. این خبرگزاری نگفته است که آیا انگلستان تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای جلب پولداران عرب به لندن، مجبور داشت یا خیر!!

ولی آگاهان معتقدند که انگلستان دست به این اقدام خواهد زد، چرا که تالارهای قمار، در صورت نبودن مشتری‌های پولدار حتماً ورشکست خواهند شد.

## استخدام کارگران چینی در کویت....

لی‌گیانگ وزیر بازرگانی چین اخیراً از کویت دیدار کرد و قراردادهایی در زمینه مبادلات بازرگانی امضا و امکانات سرمایه‌گذاری کویت در چین را مورد بحث و بررسی قرار داد. از جمله قراردادهایی که میان دو کشور امضاء گردید، قرارداد ارسال کارگران چینی به کویت بششم میخورد، قرار است این کارگران بزودی وارد کویت شوند.

لازم بیاد آورست که این اولین بار است چین قراردادی با یک دولت خارجی منعقد میکند که بموجب آن کارگران چینی به این کشور صادر مینمایند. چه قدر خوب بود دولت کویت بجای استخدام کارگران خارجی، کارگران عرب و مسلمان استخدام میکرد که لااقل کمی از میزان بقیه در صفحه روبرو

# «جهاد»، بازیچه دست نوکران

کشوری برای گسترش جغرافیایی و یا تحمیل نظام‌های خود بر دیگران، از قدرت استفاده کند. من امیدوارم که ما خواهیم توانست روشن سازیم که جهاد به معنی جنگ مقدس نیست (الشرق الاوسط، ۲۴ ژانویه ۱۹۸۱)

مقدس هستند. دعوت به جهاد، هرگز با مقاصد پرخاشگرانه به عمل نیامده، حتی در طول جنگ‌های صلیبی، جهاد با اردوکنش‌های نظامی اتباط نداشت، بلکه تنها با آزادی فلسطین ارتباط داشت که جنگجویان صلیبی آن را اشغال کردند. جهان اسلام تصویب نمی‌کند که

ان برای خیر به جای شر است. در غرب، درباره جهاد سوء تفاهم وجود دارد. دو عامل، این سوء تفاهم را به وجود می‌آورد:

۱- جهاد در طول قرون میانه در گیرودار جنگ‌های صلیبی مشهور شد.

۲- این جنگ‌های صلیبی برای مسیحیان جنگ‌های

خرج برداشت، جهاد از نو تعریف شد.

در آستانه کنفرانس، شاهزاده «سعود الفیصل»، وزیر خارجه سعودی، در ۲۳ ژانویه به خبرگزاری فرانسه چنین گفت: «جهاد، دعوت به جنگ مقدس نیست. در عوض جهاد دعوت به مبارزه با نفس، حکومت بر نفس و بسج کردن

فردا امور را در دست خود بگیریم و دفاع از مکان‌های مقدس خود در برابر تجاوز مذهبی و نظامی صهیونیست‌ها را آغاز کنیم، آیا جهان ما را سرزنش خواهد کرد؟ از آن زمان، رسانه‌های گروهی سعودی جهاد کلمات را آغاز کرده‌اند، حال آن که فرستادگان سعودی به جهان خارج گفته‌اند که منظور آنها از جهاد: «جنگ مقدس» نبوده است. بلکه منظورشان مبارزه صلح آمیز در برابر اشغال بیت‌المقدس و دیگر سرزمین‌های عربی به وسیله اسرائیل بوده است.

سعودی‌ها و هم پیمانان آنها در طول سه دهه گذشته این جهاد کلمات را انجام دادند. زیرا تنها این نوع مبارزه است که برای آنها و اربابان و تضمین کسندگان عربی شان مناسب است.

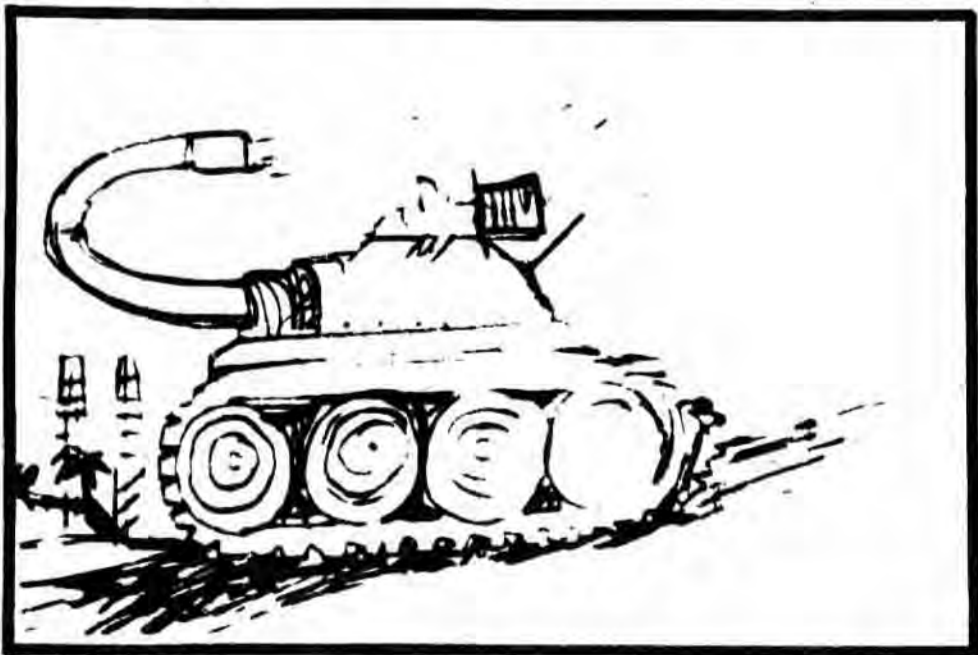
سعودی‌ها سومین کنفرانس «اسلامی» را به کار گرفتند تا متن غیر رسمی جهاد خود را نهادی کند در یک کنفرانس خودمختارانه که تنها ترتیبات امنیتی آن ۱۵۰ میلیون دلار

با وجود آن که منحرفان اسلامی جهاد را بدارانه می‌کنند، جهاد یکی از معروف‌ترین و درک شده‌ترین اصطلاحات اسلامی در میان مسلمانان است.

اما در اوضاع معاصر وقتی امت مسلمان با گروهی از مشکلات روبروی است، مرجع سیاسی لازم برای انجام جهاد وجود ندارد. اما رژیم‌های پس از استعمار در کشورهای مسلمان به بیشتر آنها به دست قدرت‌های استعماری ایجاد شده‌اند. هنوز هم لارم می‌باید که با اصطلاح‌هایی که برای توده‌های مسلمان اساس است سخن بگوید. قصه عربستان سعودی، آشکار گمنده است- رژیم عربستان سعودی را همان ابر قدرتی تضمین می‌کند که وجود، بقا و در واقع گسترش اسرائیل را هم تضمین می‌کند. این ابر قدرت، ایالات متحده است.

شاهزاده «فهد» - عبدالعزیز، ولیعهد و مرد شماره دو سعودی، لارم یافت که علیه اسرائیل اعلام جهاد کند.

«فهد» این موضوع را در اوت گذشته با این کلمات اعلام کرد: «ایا دعوت از اعراب و مسلمانان برای یک جهاد مقدس طسولانی و بهرجهانه، تنها پاسخ برای ضرور مذهبی و نژادی صهیونیست‌ها نیست؟ اگر ما



با اعلام «تصمیم برای انجام جهاد» مطرح کرد در این اعلامیه گفته شد که «ما تعهد می‌کنیم با هر وسیله‌ای که در اختیار داریم جهاد را اجرا کنیم تا بیت‌المقدس را آزاد سازیم و این آزاد سازی را به یک آرمان اصلی اسلامی تبدیل می‌کنیم که این نسل در برابر آن مسئول است.»

آشکار است که تنها بیت‌المقدس و «سرزمین‌های اشغال شده اعراب» مشمول این جهاد است و آن هم فراتر از تحریم بههود اسرائیل به وسیله اعراب نخواهد رفت. روزنامه سعودی «الشرق الاوسط» (شماره سی‌ام ژانویه ۱۹۸۱) در سرمقاله خود میزان این جهاد را به طور بقیه در صفحه روبرو





بی‌کاری در بین کارگران عرب و مسلمان گاسته شود.

مسابقه اعراب و دوستی آمریکا...

اخیراً میان کشورهای عربی دوست آمریکا مسابقه جالبی صورت گرفته و هر یک از این کشورها برای اینکه ثابت کنند دوست وفادار ایالات متحده است، پایگاههای خود را در اختیار این کشور قرار میدهد پس از اینکه انور سادات به امریکائی‌ها اجازه داد از پایگاههای مصر استفاده کنند. دیگر کشورهای عربی به دادن پایگاههای خود تسلیح شده‌اند و تصمیم سادات را یک اقدام شجاعانه تلقی کرده‌اند لذا عربستان سعودی موافقت کرده است نیروهای امریکائی از فرودگاههای این کشور استفاده کنند و با هواپیماهای اوکس حضور دائمی در عربستان داشته باشند. همچنین سلطان نشین عمان موافقت کرده است امریکا پایگاههایی در این کشور داشته باشد.

جالب‌تر از همه، فالانزهای لبنان اخیراً به ایالات متحده پیشنهاد کرده‌اند، از بندر جونبه که در اختیارشان قرار دارد بعنوان پایگاهی برای خود استفاده کنند. و هم‌کنون هیتی از مهاجرین لبنانی طرفدار فالانزها در امریکا با مقامات این کشور بر سر این مسئله مذاکره مینماید.

بخشش‌های صدام حسین....

صدام حسین، در این اواخر، سخت به دست و پا افتاده که هر چه بیشتر دوستی هم‌قطارانش را بدست آورد، از آغاز جنگ تعمیلی، صدام حسین چندین بار به شاه‌حسین پول‌های کلانی داد تا او تأیید و پشتیبانی خود را از رژیم بعث عراق ادامه دهد، صدام

حسین به دادن پول به شاه‌حسین اکتفا نکرد، بلکه میلیونها دلار به روزنامه نگاران اردنی بخشید تا اخبار و مطالبی به طرفداری از او و علیه جمهوری اسلامی ایران در روزنامه‌هایشان بچاپ برسانند. یکی دیگر از بخشش‌های صدام حسین که اخیراً خبر آن در مطبوعات منتشر شده اینست که تحت عنوان حل و فصل مسایل مرزی میان اردن و عراق صدام، صدها مایل از سرزمین‌های عراق به رژیم اردن بخشیده و همچنین تعداد زیادی، پادگان نظامی، تاسیسات و ساختمان در مناطق مرزی میان دو کشور در اختیارات شاه حسین قرار داده است و بدین ترتیب مسایل مرزی مورد اختلاف دو کشور را حل و فصل کرده است.

مصرها: سفارت اسرائیل تعطیل باید گردد....

ملت مصر بارها مخالفت خود را با قرارداد‌های ننگین کمپ دیوید نشان داده و اقداماتی علیه برقراری روابط میان مصر و اسرائیل و افتتاح سفارت اسرائیل در قاهره انجام داده است. بمناسبت دومین سالگرد پیمان کمپ دیوید سازمان مصری ردعمل انقلابی، طی اعلامیه‌ای پرده از برخی عملیات انفجاری این سازمان در قاهره که علیه تاسیسات اسرائیلی و امریکائی در مصر صورت گرفته برداشت. این سازمان مسئولیت یک سری عملیات نظامی از جمله بمب گذاری در قاهره را بعهده گرفت از جمله این عملیات بمب گذاری در مقابل قصر سادات موسوم به قصر عابدین و در مقابل لانه جاسوسی رژیم اشغالگر قدس و امریکا را می‌توان نام برد. این عملیات بیانگر اراده و عزم راسخ ملت مصر در پیگیری مبارزاتش علیه سادات و در جهت

سرنگونی وی می‌باشد. این ملت بهیچوجه حاضر نیست به صهیونیستها اجازه دهد پرچم خود را بر فراز قاهره به اهتزاز در آورند.

**رقابت رهبران اسرائیل و اعراب ...**  
ملاقات میان رهبران اسرائیل و حکام مترجع عرب که قبلاً بطور محرمانه و بی‌سرود صورت میگرفت در حال حاضر بطور علنی و آشکار انجام میگردد و هیچکس نیست به این حکام مترجع بگوید شما که سنگ مسئله فلسطین، حمایت از مردم فلسطین را به سینه می‌زینید چالاک بکشید، دیگر فریب و تزویر بی‌است. چندی پیش موشه دایان در کتاب خاطراتش نوشت ۳ بار با حسن دوم شاه مراکش ملاقات کرده و با حسن شاه اردن دیداری داشته است. چند روز پیش بود که خبرگزاری‌های گزارش دادند شیون بهر یکی از رهبران اسرائیل با حسن دوم شاه مراکش و شاهزاده حسن ولعهد اردن ملاقات کرده است.

در همین حال، مناخیم بگین نخست وزیر اسرائیل به رقیب انتخاباتی خود (شیون پیرز) اخطار کرده که دیگر حق ندارد به ملاقات خود با حکام عرب ادامه دهد چرا که برقراری صلح در خاورمیانه مسئولیت دولت فلسطین است.

**علی صبری از زندان آزاد شد**

علی صبری معاون پیشین رئیس جمهوری مصر و سه تن دیگر از مقامهای بلندپایه پیشین این کشور که بجرم شرکت در یک کودتای نافرجام زندانی بودند طبق یک فرمان عفو عمومی شب گذشته پس از انتقال به یک بیمارستان دولتی آزاد شدند. این افراد بمناسبت دهمین سالروز

پجروزی سادات در قبضه کامل قدرت پس از مرگ ناصر آزاد شده‌اند.

صبری زمانی بعنوان یگ سیاستمدار طرفدار مسکو در دوره نفوذ شوروی در مصر شناخته شده بود. وی قبلاً به حبس ابد محکوم شده بود. مقامهای پیشین دیگری که با صبری آزاد شدند عبارتند از سامی شرف وزیر پیشین امور ریاست جمهوری /فرید عبدالکریم یکی از مقامهای بلندپایه اتحادیه مسئول سوسیالیست عرب که تنها حزب قانونی در سال هزار و نهمصد و هفتاد و یک بوده و محمد فیاض وزیر اطلاعات پیشین مصر. این سه نفر به ده سال زندان محکوم شده بودند که باین ترتیب دوران محکومیت خود را گذرانده‌اند.

**تظاهرات دانش‌آموزان فلسطینی**

بمناسبت سی‌وسومین سالگرد تاسیس رژیم صهیونیستی در قدس اشغالشده دانش‌آموزان فلسطینی گراته غربی رود اردن با فراشتن پرچم‌های فلسطین و پر تاپ سنگ به سوی سرپازان رژیم اشغالگر قدس اعتراض خود را به تاسیس این رژیم ابراز داشتند. در این میان نکته قابل توجه نگرانی شدید سعودی‌ها از تظاهرات خشونت‌آمیز دانش‌آموزان فلسطینی بود. همزمان با اوج گرفتن این تظاهرات عبدالله ابن عبدالعزیز معاون دوم نخست‌وزیر و رئیس گارد ملی عربستان سعودی در ریاض با فرانسویست معاون وزیر دفاع امریکا در امور امنیتی ملاقات کرد و دو مقام در جریان این ملاقات راه‌های تقویت همکاری بین امریکا و عربستان سعودی برای سرکوب تظاهرات و بی‌نظمی‌هایی که در گوشه‌وکنار منطقه رخ می‌دهد را بررسی کردند.

# امپریالیسم در خاورمیانه شده است

بقیه از صفحه قبل  
خلاصه بازگو کرد. باید دانست که همین که بیت‌المقدس آزاد شد، حتی این جهاد کلمات هم پایان خواهد یافت. افغانستان وجهه آزادی بخش سوریه در فیلیپین هم اکنون کنار گذارده شده‌اند و اریتره هم کنار گذارده شده است. همان گونه که تاریخ پنج دهه گذشته به ما نشان می‌دهد حتی جهاد برای بیت‌المقدس کلمات صرفی هستند. «یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) از نمایندگان کنفرانس اسلامی خواست که به «الحجرالاسود» سوگند یاد کنند که اعلامیه‌های آنها در باره آزادی بیت‌المقدس صادقانه است.

(الشرق الاوسط، بیست و هفتم ژانویه ۱۹۸۱)  
ملک‌حسن شاه مراکش هم خواستار جهاد برای آزادی بیت‌المقدس شد. اما او به سرعت به توصیف جهاد پرداخت و توضیح داد که منظور او اقدام‌های سیاسی و اقتصادی علیه اسرائیل است و به اقدام‌های نظامی علیه آن. مبادا فراموش کنیم که خود ملک‌حسن بود که تنها پنج سال پیش از ما خواست اسرائیل را به رسمیت بشناسیم و پیش‌گویی کرد که «ذهن اسرائیلی‌ها و نیروی کار اعراب معجزه خواهند کرد. کنفرانس از حسن خواست که هم چنان بر «کمیتة بیت‌المقدس» کنفرانس اسلامی ریاست کند. از سوی دیگر، اسرائیل به لاف‌زدن سعودی‌ها و هم‌پیمانان آنها پاسخ داد. ساعت‌ها پس از اعلام کنفرانس، صهیونستان

فلسطینی‌ها در سال ۱۹۳۶ پس از ۱۸ سال اشغال انگلیسی‌ها پی برده بودند که انگلستان دشمن واقعی است نه یهودیان فقط به فلسطین آورده شده بودند و انگلیسی‌ها از آنها دفاع می‌کردند. ماشین نظامی انگلستان، «شورش بزرگ» آنها علیه انگلیسی‌ها را که در سال ۱۹۳۶ آغاز شد و تا سال ۱۹۳۷ ادامه داشت، برحمانه سرکوب کرد. اکنون پس از ۳۲ سال، اعراب هنوز قادر نیستند درک کنند که ایالات متحده دشمن واقعی است که سازمان ملل متحد را مجبور کرده فلسطین را «تقسیم» کنند و یهودیان را مسلح ساخت این سرزمین را غصب کنند و اعراب را برانند و امریکا هنوز هزینه ماجراجویی صهیونیست‌ها را تأمین می‌کند و از آن پشتیبانی سیاسی می‌کند. اصل موضوع آن است که خاندان سعود و هم‌پیمانان تحت حمایت همان یابی به حیات ادامه می‌دهد که روی موجودیت نیستی که ماهیت

کوچ‌نشینی و استعماری دارد. تاکید می‌کنند جهاد سعودی‌ها، حداکثر، شکل «تحریم» اسرائیل را خواهد گرفت (اما نه تحریم ایالات متحده را). مسخره این جاست که این نوع جهاد (که در هر حال تا بیشتر از بیت‌المقدس فراتر نمی‌رود) همان نوع جهادی است که یک قرن پیش «مسیحای کاذب قادیان» (در هند) ارائه کرد که انگلیسی‌ها از او حمایت و دفاع می‌کردند. در واقع، یک «پیش‌نماز» مسجد لندن که از سبک خود پیروی می‌کند با شادمانی برای سردبیر روزنامه «تایمز» نامه نوشت و اعلام کرد که «نوع احمدی جهاد»، تفسیر واقعی جهاد است که بیش از ۹۰ سال پیش به مسلمانان ارائه شد و آن بر این اساس است که جهاد اساساً به معنی مبارزه مسلحانه نیست، بلکه مفهوم آن مبارزه کلی است. خدا را سپاس که مسلمانان اکنون سرانجام در مسیر صحیح قرار گرفته‌اند.» جهاد، یک بسطش جدانشدنی اسلام است. مرد

«فادیانی» و یا یک دسته از خود گامگان غیرقانونی، نمی‌توانند آن را لغو کنند و یا تغییر بدهند جهاد بر اساس اوضاع و شرایط خود مسلمانان، شکل‌های بسیاری به خود می‌گیرد. جهاد که به معنی واکنش نظامی است، آنجا ایمان‌شان جنگ منی شود و یا از سرزمین‌های‌شان رانده می‌شوند، واجب است. مسلمانانی که در این شرایط از جهاد کردن خودداری می‌کنند، مشمول مجازات دردناک خواهند بود. حتی ما حق نداریم با کسانی دوستی کنیم که از دشمن ما از تجاوز او علیه ما حمایت می‌کنند. سعودی‌ها و هم‌پیمانان‌شان می‌خواهند آن چیزی را بر ما تحمیل کنند که «سیدقطب» سی سال پیش «اسلام آمریکایی» خواند. او در ژوئن ۱۹۵۲ نوشت: «اسلامی که آمریکایی‌ها و هم‌پیمانان آنها

در خاورمیانه می‌خواهند، اسلامی نیست که در برابر امپریالیسم پایداری می‌کند، اسلامی نیست که در برابر خودکامگی پایداری می‌کند، بلکه تنها اسلامی است که در برابر کمونیسم مقاومت می‌کند. آنها نمی‌خواهند که اسلام حکومت کند، آنها نمی‌توانند تحمل کنند که اسلام حکومت کند، زیرا وقتی حکومت می‌کند حیات جدیدی را به مردم خواهد بخشید... آمریکایی‌ها و هم‌پیمانان آنها یک اسلام آمریکایی برای خاورمیانه می‌خواهند.» آمریکایی‌ها از طریق نمایندگان محلی که سعودی‌ها و سادات‌ها باشند، نمی‌توانند در عصر جدید بیداری و آگاهی ما موفق شوند، آنجا که قرن‌های سیاه و بهرحم اشغال فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، اسپانیایی‌ها، ایتالیایی‌ها و پرتغالی‌ها کاملاً شکست خورده است.



# تصمیم جدی بعثی‌ها برای اسلام و مسلمین



رژیم حزب بعث عراق، با جلوه دادن خود به عنوان «مسحی اسلام و آرمانی اعراق»، تلاشی را برای معرفی کردن خود اعمار کرده است. تاریخ رایگان ۵ میلیون نسخه از قرآن کریم در سراسر جهان و سرگزار کردن یک کفراسی اسلامی دارای مقیاس وسیع در بغداد، تنها چند بازی از بازی‌هایی است که رژیم بعثی عراق برنامه ریزی کرده است. رژیم بعثی برای سرمد تصویر رشت عراق در حضور جهانی، سرگرم برگزاری «بمایش»‌هایی در کشور خود گردید که مردم کشورهای گوناگون با بلیت‌های رایگان به آن دعوت شدند. دو تا از این هیات نمایندگی‌ها که هر یک از پانزده عضو تشکیل می‌شد، اخیراً از سری لانکا به عراق رفتند و پس از بازدید از آنجا بازگشتند.

بکات اصلی آنها این‌ها هستند: نخست آن که، مسلک بعثی، یک مسلک غیر اسلامی است و امیریهی از «ناسیونالیسم» و «سکولاریسم» است. معنی‌ها اسلام را یک ایدئولوژی درست و خود کفا نمی‌دانند. آنها مسلک غیر اسلامی خود را بر مردم عراق تحمیل کرده‌اند، بی آن که به مردم فرصتی را بدهند تا نظریات خود را در باره مسلک یاد شده ابرار کنند. بعثی‌ها این مسلک غیرمذهبی را در تمامی نظام آموزشی اشاعه دادند و مردم را واداشتند تا اعضای حزب نشوند. شعار آنها به این معنی است که «هر کس با ما نیست، علیه ماست».

● جوانانی که به مساجد می‌روند تعقیب می‌شوند.

● خطبه جمعه رانمی‌توان بابلند گو قرائت کرد، هر چند وزارت اوقاف این خطبه‌ها را سانسور و تصویب می‌کند.

● حتی قدرت استعماری انگلستان وقتی علما علیه آن شورش کردند، این گونه اعمال شروانه را مرتکب نشد

● رژیم بعثی مانند آب در سراسر جهان پول خرج می‌کند تا اعتبار ایران کنونی را مشکوک جلوه بدهد و آن را بدنام سازد

برای کسانی که در جستجوی حقیقت هستند، در زیر ما یک گزارش صحیح را درباره عراق منتشر می‌کنیم:

جنبش جدید اسلامی در عراق، به حدود سی سال پیش باز می‌گردد. این دوره‌ای است که ظهور جنبش «احوان المسلمین» را به خود دید. این جنبشی که در سال ۱۹۲۸ به دست پیشوای نهید، حس البنا، بنیاد گذاری شد. اصلش از مصر بود و به خاطر هواداری تزلزل ناپذیرش از اصول یک نظام زندگی حقیقتاً اسلامی، در سراسر جهان عرب گسترش یافت. اما به اصطلاح انقلاب چهاردهم زونیه ۱۹۵۸ عراق، اوضاع واقعی در عراق را تغییر داد. نظام جدید کشور سبب شد که کمونیست‌ها به میدان بیایند و کمونیست آغاز به ن کردند تا از موضع خود برای جلیغ درباره مسلکشان استفاده کنند. این خطر جدید که به وسیله بیرونی‌ها که آشکارا ضد اسلامی و غیر اسلامی بودند ایجاد شد، واکنش جدید مسلمانان را ایجاد می‌کرد.

شهبان در عراق بخش بزرگ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و احتمالاً به ای همین است که آنها ابتکار عمل را برای تشکیل حزبی به نام «حزب دعوت اسلامی» به دست گرفتند. رهبران حزب دعوت و اخوان المسلمین، به نحو وسیع توافق کردند که هدف تاسیس یک کشور اسلامی، بهترین برنامه همکاری میان مسلمانان شیعه و سنی را تشکیل می‌دهد.

هر دو این حزب اسلامی، سخت کوشانه، نه تنها بیداری اسلامی را در میان مردم برانگیزند و آنها بزاران تن را به صفوف افراد خرد وارد کردند. سپس رژیم بعث سراسر افتاد و کوشید آنان را با نیروی وحشی سرکوب کند، اما - چون عقاید و مسلک این احزاب اسلامی نیرومندتر بود و برادری حقیقت قرار داشت، آنها نتوانستند پایداری کنند و معزوم بایستند. جنبش، هر دم تیر مندتر شد. اکنون یک مبارزه‌وا، می میان مردم مسلمان و حزب غیر اسلامی بعث در عراق جریان دارد.

از نظر مبارزه اسلامی، عراق امروز بسیار بیش از هر کشور دیگر خاورمیانه در وضع بسیار بهتر قرار دارد. این، نتیجه سخت کاری

جنبش و خاصه درخواست آن برای وحدت مسلمانان است و این سخت کاری سه دهه است که ادامه داشته است.

بر اساس گزارشی که در آوریل گذشته در مجله عراقی «القبا» منتشر شد، شورای فرماندهی انقلاب عراق تصمیم گرفته است که هر عضو یا هوادار جنبش اسلامی، چه کسانی که قبلاً عضو یا هوادار جنبش بودند و یا اکنون عضو یا هوادار آن هستند، مشمول مجازات مرگ است. این نشان می‌دهد که بعثی‌ها تا چه اندازه از جنبش اسلامی بیم دارند. حزب بعث، چنین اقدام فوق‌العاده‌ای را علیه کمونیست‌ها که حزب به عنوان بدترین دشمنان خود تلقی می‌کرد، انجام نداد. این شرایط، ما را ناگزیر می‌سازد که درباره صحت ادعای عراقی‌ها که می‌گویند نگهبانان اسلام هستند، تردید کنیم.

در عراق قانون به هیچ حزبی جز حزب حاکمه بعث اجازه نمی‌دهد که آزادانه انجام وظیفه بکنند. از این روست که هر دو این حزب اسلامی، در زیرزمین انجام وظیفه می‌کنند.

انتخابات عمومی اخیر عراق، چیزی جز ظاهر سازی نبود. تنها نتیجه این انتخابات آن بود که مردم وادار شدند گسروهی را انتخاب کنند که از یک حزب، یک مسلک و یک مکتب فکری هواداری می‌کند.

یک سلسله از اتهامات به حکومت بعثی وارد شده است که

از نوشته‌های خارجی برگردان: و. کمالی‌نیا

حوزه دریای کارائیب، اخیراً به فهرست «مناطق بحران زده» وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا افزوده شد. اما چه کسی موجز اوضاع کنونی منطقه کارائیب است؟ تقصیر آن تنها به گردن واشینگتن است. حکومت ایالات متحده پنهان نمی‌کند که در طرح‌های «ژئوپولی‌تیک» آن، جای ویژه‌ای به حوزه کارائیب اختصاص داده شده است. افزون بر این، خود منطقه، به نحو مست و ناجور تعیین شده است.

استراتژیست‌های سیاسی و نظامی ایالات متحده معمولاً هند غربی، کوبا، ساحل شرقی آمریکای مرکزی منطقه ترعه «پاناما» و کرانه شمالی آمریکای جنوبی و خاصه ونزوئلا، کلمبیا، گویانا و سورینام را شامل منطقه می‌کنند.

قرن‌ها بود که این بخش از نیمکره غربی، حوزه تسلط استعماری انگلستان، فرانسه، هلند و اسپانیا بود. امروز اصلاً شرکتهای چند ملیتی که در آمریکا مستقرند، از منابع آن بهره‌برداری می‌کنند که بالغ بر ۸۰ درصد مصرف «بوکسیت» و ۶۰ درصد «آلمینا»، مقدار زیادی نفت و فرآورده‌های نفتی و همچنین فلزات غیر آهنی و کمیاب از کلمبیا، کیمپ را از کشورهای کارائیب برای ایالات متحده وارد می‌کنند. «بوکسیت» و «آلمینا» از جامائیکا، سورینام و گویان، نفت و فرآورده‌های نفتی از ونزوئلا، تری نیداد و توباگو، باربادوس و باهاماس و فلزات غیر آهنی و کمیاب از کلمبیا، هائیتی و جمهوری‌های آمریکای مرکزی وارد می‌شود.

فرآورده‌های کشاورزی با ارزش هم، از این منطقه وارد می‌شود که به قرار زیر است: شکر از جامائیکا، گویان، باربادوس،

باهاماس، تری نیداد و توباگو، موزامبیک جمهوری دومی نیکن، سنت لوسیا، سنت وین سنت، گرنادین دومی نی کاودیکر و دیگر. اطلاعات مقدماتی که تأیید می‌کند فلات قاره کارائیب از لحاظ مواد نفتی غنی است، علاقه واشینگتن را به این منطقه وسیع افزایش داده است. سرمایه‌گذاری مستقیم ایالات متحده در منطقه از پنج میلیارد

● اطلاعات مقدماتی که تأیید می‌کند فلات قاره کارائیب از لحاظ مواد نفتی غنی است، علاقه واشینگتن را به این منطقه وسیع افزایش داده است.

● میزان سود شرکتهای آمریکای شمالی در کارائیب، بیش از هر منطقه دیگر جهان است

● قرار است ایالات متحده بزرگ‌ترین پایگاه نظامی در کارائیب را در دیکتاتورهای هائیتی بسازد

● واشینگتن پنهان نمی‌کند که سیاست آن در کارائیب علیه کشورهایی که جهت گیری ضد امپریالیستی دارند و همچنین جنبش آزادی‌بخش در ال سالوادور هدایت شده است.

● هدف آمریکایی‌ها آن است که جریان آزادی‌بخش در کشورهای کارائیب را متوقف کنند و نیروهایی را که در این جریان شرکت می‌کنند پراکنده سازند.

● این نشانه‌ها به چشم می‌خورد که ایالات متحده دارد طرحی را تنظیم می‌کند تا بر اساس آن ضربه مستقیمی را به نیروهای ضد امپریالیستی در ال سالوادور که جنگ خانگی آن را متلاشی کرده است، وارد کند.

● واشینگتن می‌خواهد خرد خرد کشورهای منطقه را به وسیله‌ی برای بلند پروازی‌های استیلا طلبانه خود تبدیل کند، بنحوی که این کشورها علقه‌های ملی خود را فدای طرح‌های پر خاشگرانه واشینگتن کنند.

دولار فراتر می‌رود و ارزش داد و ستد با کشورهای منطقه دومیلیارد دلار است. میزان سود شرکتهای آمریکای شمالی در کارائیب، بیش از هر منطقه دیگر جهان است. در سال ۱۹۷۲، شعبه‌های محلی بانکهای آمریکایی دارای‌هایی بیش از ۱۰ میلیارد دلار داشتند. رهبران عده‌ی از کشورهای

بقیه در صفحه روبرو



رژیم در نیروی امنیتی ملی خود اداره خاصی را به نام «اداره ریشه‌کن سازی فعالیت‌های ارتجاعی مذهبی» تاسیس کرده است. منظور آنها از این موضوع، اسلام است. البته ممنوعیتی در باره وظایف اسلامی مانند نماز گزاردن، به حج رفتن و دیگر و دیگر در کار نیست، اما شریعت اسلامی را نباید در نظام آموزشی، اقتصادی، قانونی و یا سیاسی کشور به کار برد.

● لیکن در این اواخر، حتی این وظایف مذهبی هم، کمتر و کمتر تحمل می‌شود. جوانانی که به مساجد می‌روند، تعقیب می‌شوند. مساجد اجازه ندارند با بلند گو اذان بگویند، زیرا بعثی‌ها می‌گویند که «صدا» مردم را ناراحت می‌کند. به همین نحو، خطبه جمعه رانمی‌توان بابلند گو قرائت کرد، هر چند وزارت اوقاف، این خطبه‌ها را سانسور و تصویب می‌کند. این موضوع، طرز تلقی بعثی‌ها را در برابر اسلام نشان می‌دهد. رژیم مخالفان سیاسی مسلمان خود را مشمول انواع باور نکرده‌ی شکنجه‌ها می‌سازد. وحشتناک‌ترین انواع شکنجه، در عراق اعمال می‌شود. در سال ۱۹۷۲، «حسن البکر» رئیس جمهوری پیشین، به روزنامه فرانسوی «لوموند» گفت که از بیش از ۲۰۰ زندانی سیاسی در عراق خبری در دست نیست و آنها نمی‌دانند که آیا زندانیان مردماند یا زنده. «بکر» از قول

بقیه در صفحه ۲۱



# چنگال آمریکا گلوی کارائیبی‌ها را می‌فشرد

بقیه از صفحه قبل

کارائیب که در جستجوی راهمایی برای لغو تحریمات استعماری و گسترش زنجیره‌های استعمار جدید هستند، دارند قدمهایی را بر میدارند تا عملیات شرکت‌های خارجی را محدود کنند. آنها همچنین سرگرم انجام اصلاحات مترقیانه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی هستند. در درده ۱۹۷۰، جامائیکا و گویان اعلام کردند که جهت‌گیری پیشروانه ضد امپریالیستی را اختیار می‌کنند. در مارس ۱۹۷۹، اصلاحات دموکراتیک در گرنادا ابتکار گردید. در آنجا، دیکتاتوری «اریک گاپری» که هوادار امپریالیست‌ها بود، سرنگون شده بود. دگرگونی‌های مثبتی در دومی نیکاراگوئه، سنت لوسیا، سنت وین سنت‌گرنادین و عده‌ای از کشورهای انگلیسی زبان دیگر منطقه آغاز شده است. کشورهای کارائیب برای این که با تهاجم شرکت‌های خارجی مقابله شود و تماس‌های اقتصادی و سیاسی با یکدیگر و همچنین با همسایگان آمریکای لاتین آنها تقویت گردد، بازار مشترک کارائیب را تشکیل دادند و به نظام اقتصادی آمریکای لاتین پیوسته‌اند. این نظام، یک سازمان سراسری قاره‌ای است که ایالات متحده از آن دورنگار داشته می‌شود. کشورهای کارائیب بنا بر وجود اختلافات مسلکی خود، گراپی را به سوی هماهنگ کردن اقدام‌های مربوط به سیاست خارجی خود نشان می‌دهد. بسیاری از آنها یعنی کوبا، گویان، جامائیکا، پاناما، نیکاراگوئه، تری‌نیداد، توباگو، سورینام و گرنادا اعضای جنبش عدم تعهد هستند و از جهت‌گیری ضد امپریالیستی و ضد استعماری حمایت می‌کنند. در جنبش عدم تعهد، به دومی نیکاراگوئه، سنت لوسیا و باربادوس وضع ناظر اعطا شده است. در ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، بسیاری

متمم می‌شوند که دارند کشور خود را «کوبایی و روسی می‌کند». یک مبارزه پرحدا صد گرنادا از پانام سال ۱۹۷۹ تاکنون ادامه داشته است. نیروهای محافظه‌کار بار با دوس، تری نیداد، توباگو و آنتی‌گو که دریافت کنندگان اصلی کمک ایالات متحده در منطقه هستند، به این مبارزه پیوسته‌اند. رسانه‌های گروهی داستانی‌های کاذبی را که عمدتاً تحریک کننده است، در باره ایجاد یک فرودگاه روسی-کوبایی در گرنادا منتشر می‌کند و ادعا می‌کند که این فرودگاه، علقه‌های مکزیک و ونزوئلا را که سرشار از نفت و گاز هستند تهدید می‌کند. این گونه داستان‌های بدخواهانه فراوان است.

هدف این تشجیح، روشن است. هدف آن است که جریان آزادی‌بخش در کشورهای کارائیب متوقف شود و نیروهایی که در این جریان شرکت می‌کنند پراکنده گردند. سال گذشته کمک ایالات متحده به نیروهای هوادار غرب کمک کرد تا این نیروها قدرت را در سنت وین سنت، گرنادین، سنت لوسیا، آنتی‌گو، دومی نیکاراگوئه و جامائیکا به دست بگیرند. این نشانه‌ها به چشم می‌خورد که ایالات متحده دارد طرحی را تنظیم می‌کند تا بر اساس آن ضربه مستقیمی را به نیروهای ضد امپریالیستی در ال سالوادور که جنگ خانگی آن را متلاشی کرده است وارد کند. واشینگتن می‌خواهد فرد فرد کشورهای منطقه را به وسیله‌ای برای بسط پروازی‌های استیلا طلبانه خود تبدیل کند، به نحوی که این کشورها علقه‌های ملی خود را فدای طرح‌های پرحاشگرانه واشینگتن کند. این کار، صرفاً تشجیح را افزایش می‌دهد و یک محل جدید تشجیح بین‌المللی در حوزة کارائیب به وجود می‌آورد.

کشورهایی که جهت‌گیری ضد امپریالیستی دارند و همچنین جنبش آزادی‌بخش در ال سالوادور هدایت شده است. در این میان، رسانه‌های گروهی ایالات متحده دارد افسانه‌هایی را در باره «رحمة شوری» به منطقه کارائیب منتشر می‌کند و می‌کوشد ثابت کند تغییراتی که در منطقه روی می‌دهد، نتیجه سیاست کوبا و اتحاد شوروی است و نه چیزی دیگر. مثلاً، رهبران نیکاراگوئه،

در باهاماس و همچنین در منطقه سرعه پاناما تقویت گردید. برنامه‌هایی برای ایجاد پایگاه‌های جدید در دست بررسی قرار دارد. قرار است بزرگترین این پایگاه در هائیتی ساخته شود. یک سلسله از تمرین‌ها با شرکت کشتی‌ها، هواپیماها، تانک‌ها، توپ‌ها، و تفنگداران دریایی، در اکتبر ۱۹۷۰ در حوزة کارائیب انجام شد. واشینگتن پنهان می‌کند که این گونه سیاست علیه کوبا و

گویانا و گرنادا هماهنگ سار در اول اکتبر ۱۹۷۹، کج سفید تصمیمی را برای سرپا کردن مقر یک نیروی ضربتی دائمی کارائیب در «کی وست» فلوریدا و همچنین گسترش مقیاس تمرین‌های نظامی و افزایش توانایی اطلاعاتی در منطقه اتخاذ کرد. پروازهای جاسوسی ایالات متحده بر فراز کوبا از سر گرفته شد، و پایگاه‌های نظامی در «کواتانامو» «پورتوریکو»

از کشورهای کارائیب به نحو روزافزونی از سازسازی روابط اقتصادی دفاع می‌کند. روابط پارامی از کشورهای «کارائیب» با کشورهای پیشرو، یک عامل مهم در کمک به تغییرات مثبت در سیاست‌های خارجی و خانگی کشورهای کارائیب شده است. محافل حاکمه ایالات متحده که عادت دارند کارائیب را به عنوان دریای «داخلی» خود تلقی کنند، اکنون ناگزیرند میان حق کشورهای کارائیب برای استقلال و تطبیق دادن روابط خود با حقوق بین‌المللی با استفاده از قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی ایالات متحده یکی را انتخاب کند و با استفاده از این قدرت بکوشد از دگرگونی‌های اجتناب ناپذیر جلوگیری کند. در تابستان ۱۹۷۹ واشینگتن طرحی را که شورای امنیت ملی آمریکا آن را تنظیم کرد تصویب کرد که هدفش آن بود که از انتشار و سرایت ویروس کوبا و نیکاراگوئه و انحراف بیشتر به چپ در سیاست کشورهای جدید استقلال کارائیب جلوگیری شود. اقدام‌های خاص اقتصادی، نظامی، سیاسی و مسلکی پیش بینی گردید تا مواضع ایالات متحده در منطقه حفظ گردد و در دوره‌ای که در پی آمد، یک تعرض متقابل برنامه ریزی شد. تحقق این طرح به شورایی سپرده شده که از نمایندگان سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)، وزارت دفاع، شورای امنیت ملی، سازمان توسعه بین‌المللی سازمان ارتباطات بین‌المللی تشکیل می‌شد. یک گروه ویژه هم تحت نظر این شورا تشکیل گردید تا عملیات خدمات اطلاعاتی ایالات متحده را در کشورهای مانند جامائیکا،



## اقدام جدید پرتوریا برای سرکوب سیاهان

روزنامه‌های «پست» و «ساندی پست» که به وسیله رژیم پرتوریا تعطیل شدند، نماینده آرزوها و نظریات ۲۲ میلیون سیاه آفریقایی بودند و با این آرزوها و نظریات ارتباط داشتند. پرتوریا، به عنوان بخشی از استراتژی خود برای به دست آوردن «قلبها و روح‌های مردم، علیه مطبوعات خلق سیاه اقدام کرد. «پ» و «بوتاه»، نخستوزیر آفریقای جنوبی و همچنین فرمانده‌های نظامی‌اش، در تنظیم برنامه استراتژی کلی ملی خود، تاکید کرده‌اند که مبارزه برای آفریقای جنوبی، تنها نظامی نیست. این مبارزه شامل کوشش برای متقاعد کردن اکثریت جمعیت سیاه می‌شود، منب پر این که نجات آنها، در یک نظام اجتماع جدید نهفته نیست، بلکه در رژیم نژادپرستانه موجود نهفته است.

مکمل نبل به این هدف، برنامه ارائه اطلاعات نادرست به گفته کمیسیون «استین» که اخیراً برای تعلیق در باره رسانه‌های گروهی آفریقای جنوبی، بسرها شد. حکومت به یک سیاست اطلاعاتی و ارتباطاتی روشن به عنوان یک بخش لاینفک «استراتژی ملی»

خود نیاز دارد. در گزارش افروده شد که هدف «این گونه سیاست، آن خواهد بود که تهاجم تبلیغاتی علیه آفریقای جنوبی خنثی شود.»

یک کمیسیون دولتی نیز سرگرم بررسی مجدد نقش مطبوعات در آفریقای جنوبی است. اداره «اطلاعات روانشناسی» نیروی دفاعی آفریقای جنوبی، و دیگر کارشناسان دولتی، نقشی را طرح کرده‌اند که از مطبوعات انتظار

خواهد رفت برای دفاع از وضع فعلی آن را بسازی کنند. گزارش‌های مطبوعاتی در باره موضوع‌هایی که با جنبه‌های کلی «امنیت ملی» ارتباط دارد، کاملاً کنترل خواهد شد. حال آن که گزارش موضوع‌هایی که با امور دفاعی، خرابکاری، منابع انرژی، پلیس و حکومت ارتباط دارد، مشمول بازبینی و سانسور «دفاتر مطبوعاتی» حکومت خواهد بود. ممنوع کردن نشریات یا جلوگیری از کار افراد، یک واکنش

افریقا، کنگره «پان آفریکن» و سازمان‌های متعدد دیگر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین اتحادیه‌های کارگری سیاهان، «نامطلوب» اعلام شده‌اند.

ماده قانونی مربوط به کنترل نشریات به دولت اختیار می‌دهد تا انتشار و توزیع با وارد کردن همه نشریات «نامطلوب» را که در اطلاعیه حکومت ذکر شده است، ممنوع سازد. در سال ۱۹۷۸، بیش از ۱۳۳۶ حوزة، کتاب و نشریه‌های دیگر، غیرقانونی دانسته شد و مشمول این ماده قانونی گردید. حال آن که ۶۹ فصل نامه «نامطلوب» اعلام شد و انتشار شمارهای بعدی آن ممنوع گردید.

جلوگیری صریح از کار افراد، سازمان‌ها و نشریه‌ها، آشکارترین شکل مبارزه با رسانه‌های گروهی در آفریقای جنوبی را ارائه می‌کند. به هر حال، این اقدام‌ها را باید به عنوان مکمل یک سلسله بزرگتر از قوانین تلقی کرد که بی‌قدرت کردن مطبوعات آفریقای جنوبی حتم می‌کند.

بیش از ۱۰۰۰ قانون در آفریقای جنوبی وجود دارد که فشار مستقیمی را به انتشار اخبار وارد می‌کند. ذکر جزئیات آنها به کتابخانه‌هایی با ابعاد وسیع نیاز خواهد داشت.

- جلوگیری صریح از کار افراد، سازمان‌ها و نشریه‌ها، آشکارترین شکل مبارزه با رسانه‌های گروهی در آفریقای جنوبی است.
- اعمال خشونت‌آمیز و خرابکارانه‌یی که جنبش‌های آزادی‌بخش آفریقای جنوبی علیه دولت و تاسیسات آن مرتکب می‌شوند، به ندرت در اخبار ذکر می‌گردد.
- بیشتر روزنامه‌ها در آفریقای جنوبی، عقاید طبقه حاکمه را منعکس می‌کنند و این عقاید را تداوم می‌بخشند.
- مطبوعات آفریقای جنوبی را انحصارات عظیمی کنترل می‌کنند که به شرکت‌های چند ملیتی معادن و همچنین شرکت‌های مالی سفیدپوستان تعلق دارد.
- ممنوعیت انتشار روزنامه‌های «پست» و «ساندی پست» و کنترل روز افزون حکومت بر رسانه‌ها، نشانگر ضربه دیگری بر ارتباطات و بیان آزاد در آفریقای جنوبی است.

عادی رژیم در بر سر مخالفان با نفوذتر خود است حکومت از طریق یک جریان نسبتاً ساده اداری اختیار دارد که انتقاد را از دکمهای روزنامه فروش سراسر کشور حذف کند.

دستورهای مربوط به جلوگیری از کار افراد، شامل کسانی مانند «زولاخه سیولو»، «ساریمو تسوسوبرامونی»، «ماتهائاتسولودو»، «فیل منجم کولو» و «جوتولو» می‌شد.

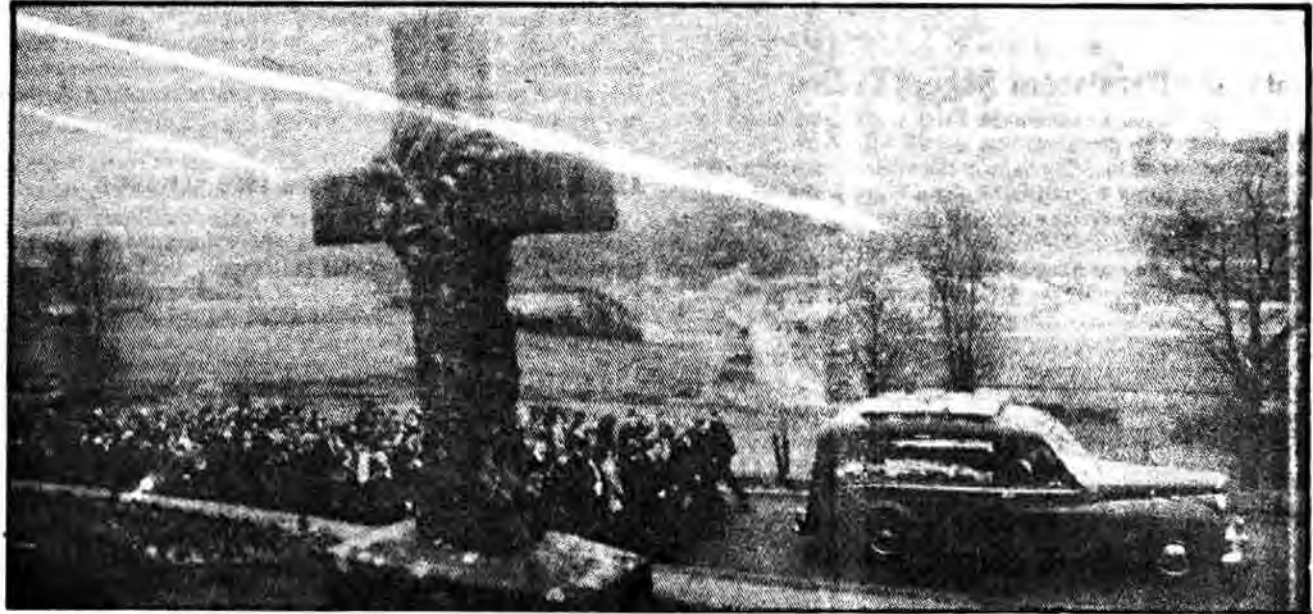
دشواری می‌توان عدد کسانی را که

بر اساس قوانین حکومتی بازداشت شدند و بنا از کارشان جلوگیری گردید برآورد کرد و این به سبب محدودیت‌هایی است که برای گزارش کردن این موضوع وجود دارد. در سال ۱۹۷۹ برآورد شد که از کار بیش از ۱۵۰ تن جلوگیری شد و بسیاری دیگر در زندان تحت بازداشت بودند.

دامه توانایی دولت برای خاموش کردن صدای مخالفان تساهل سازمان‌های غیرقانونی هم کشانده شده است. کنگره ملی



# حماسه بابی سندز



بابی ساندز، مبارز جوان ایرلندی که برای آزادی ایرلند شمالی می جنگید. سرانجام به دست حکومت انگلستان کشته شد و سحرگاه روز ششم شهریورماه در میان کلبه‌های کاتولیک ایرلند می‌دهد که کلبه‌ها به جای آن که حامی منافع ستم‌دیدگان باشد، به روال تاریخی خود، هم چنان از علقه‌های استعماری دفاع می‌کند. لازم به یاد آوری است که مبلغان مسیحی، در طول تاریخ استعماری اروپایی‌ها، پیشروان و پرچمداران استعمار در مناطقی از جهان بوده‌اند که امروز به عنوان «جهان سوم» معروف است.

بابی ساندز، یکی از چریک‌های ارتش جمهوری خواه ایرلند بود که حکومت انگلستان و هم‌تایان آن، هنوز آن را یک نیروی تروریستی و نامرد می‌کنند. این موضوع هرگز نباید مایه‌شکستگی کسی باشد، زیرا جهان غرب، همواره همه نیروهای استقلال طلب را گروه‌های تروریستی قلمداد کرده است.

پس از آن که قهرمان ایرلندی جان سپرد، افکار عمومی جهان واکنش‌هایی را در برابر این موضوع نشان داد. اما غرب، آنجا که به زینت باشد، به افکار عمومی جهان هرگز احترام نمی‌گذارد.

مقامات اجرائی، قانونی و قضایی انگلستان، خود «ساندز» را مسئول مرگ خودش می‌دانند! و حتی پاره‌هایی از اعضای حزب کارگر که مخالف حکومت است، می‌گویند حکومت را در قتل «ساندز» بیگناه و نامرد کنند. از جمله کسانی که رزمند ایرلندی را مسئول مرگ خود و نامرد می‌کنند، رهبر حزب کارگر است. او ادعا کرد که این مرگ، تصمیم خود «بابی ساندز» بوده است و لازم نبود پیش بیاید، زیرا پارلمان انگلستان هرگز تسلیم مبارزان نخواهد شد. «همسفری» و «ریور ایرلند شمالی» در گابینه انگلستان، به بیپروایی گویی پرداخت و ادعا کرد که «این گونه اعمال بی‌مورد، جنبه خود آزرده‌نورد و من امیدوارم مردم ایرلند شمالی، به بی‌نتیجه بودن این خشونت‌ها آگاه شوند و از آن دوری کنند».

همچنین «جیمی هاگینز»، یکی از اعضای حزب محافظه‌کار انگلستان، در برابر پارلمان گفت: «برای حکومت انگلستان، «بابی ساندز» عضو ارتش سربز ایرلند، یک جنایتکار است».

در این میان، پارامای از ناظران عقیده دارند که برای کاهش دادن بحران، حکومت انگلستان ممکن است درگیری‌های فرقه‌بی را که هم اکنون کم و بیش در ایرلند شمالی جریان دارد، گسترش بدهد. نباید فراموش کرد که انگلستان، در طول

تاریخ استعماری خود، از درگیری‌های فرقه‌بی استفاده کامل کرده‌است. بسیاری از کشمکش‌های قبیله‌ای، طایفه‌ای، فرقه‌ای و دیگر که هم اکنون در بسیاری از بخش‌های آفریقا و آسیا وجود دارد، ریشه در تاریخ استعماری انگلستان دارد. و ارتش انگلستان در ایرلند شمالی اعلام کرد که برای مقابله با هر نوع اوضاعی که به دنبال مرگ «ساندز» پیش بیاید، آماده است.

سرکوبی نیروهای آزادی‌بخش در ایرلند شمالی به هر قیمت، اصلی‌ترین هدف ارتش انگلستان در ایرلند است. حدود ۱۱۱۰۰ سرباز انگلیسی در ایرلند شمالی به سر می‌برند که ۷۵۰۰ سرباز محلی «هنگ دفاعی اولتر» (پروستان) و ۱۴۰۰ مأمور پلیس تمام وقت ذخیره، از سربازان حمایت می‌کنند در این میان، رسانه‌های گروهی غرب، با تمامی قوا می‌کوشند افکار عمومی جهان را در مورد فجایعی که مأموران انگلیسی در سرزمین ستمدیده به وجود می‌آورند، فریب بدهند. آنها بی‌شرمانه می‌کوشند تا اعمال ضدبشری سربازان و پلیس انگلستان را، به نحوی توجیه و یا تحریف کنند. روزنامه «دیلی تلگراف» که همواره در تحریف حقایق و واقعیات به سود امپریالیسم انگلیسی و امریکایی کوشا بوده است، ادعا می‌کند که «فن بازجویی» انگلیسی‌ها در ایرلند را نمی‌توان شکنجه تلقی کرد. روزنامه «دیلی میل» هم ادعا می‌کند که «ضمن آن که روش‌های بازجویی که اکنون از آن استفاده می‌شود، البته چندان خوشایند نیست، این روش‌ها ضروری است و مسائلی است که آنها شرمگین باشیم».

لازم به یاد آوری است که استفاده از شکنجه، یک بخش بزرگ از سیاست نظامی انگلستان در ایرلند شمالی برای کمک به «جریان آرامسازی» بوده است. سیاست آرامسازی از طریق شکنجه و سرکوب، در طول تاریخ امپراتوری انگلستان، همواره اختیار شده است. منابعی که شاید بتوان آنها را بی‌طرف یا نسبتاً بی‌طرف خواند، پیوسته گزارش‌هایی را درباره شکنجه‌هایی که مأموران امپریالیسم انگلیسی اعمال می‌کنند، مخابره می‌کنند. شکنجه‌ها، تنها شامل شکنجه‌های بدنی نمی‌شود، بلکه عذاب‌های روحی را هم دربر می‌گیرد.

حکومت «مارگارت تاچر» و حکومت‌هایی که پس از «تاچر» قدرت را به دست خواهد آورد، باید از تاریخ پند بگیرند و بدانند که اراده حلق‌هایی را که برای

مستول مرگ او شناختند. در این میان کلبه‌های کاتولیک انگلستان که اعتصاب غذای مبارز ایرلندی را «خودکشی» خوانده بود، هم چنان خاموش مانده است و این نشان می‌دهد که کلبه‌ها به جای آن که حامی منافع ستم‌دیدگان باشد، به روال تاریخی خود، هم چنان از علقه‌های استعماری دفاع می‌کند. لازم به یاد آوری است که مبلغان مسیحی، در طول تاریخ استعماری اروپایی‌ها، پیشروان و پرچمداران استعمار در مناطقی از جهان بوده‌اند که امروز به عنوان «جهان سوم» معروف است.

بابی ساندز، یکی از چریک‌های ارتش جمهوری خواه ایرلند بود که حکومت انگلستان و هم‌تایان آن، هنوز آن را یک نیروی تروریستی و نامرد می‌کنند. این موضوع هرگز نباید مایه‌شکستگی کسی باشد، زیرا جهان غرب، همواره همه نیروهای استقلال طلب را گروه‌های تروریستی قلمداد کرده است.

پس از آن که قهرمان ایرلندی جان سپرد، افکار عمومی جهان واکنش‌هایی را در برابر این موضوع نشان داد. اما غرب، آنجا که به زینت باشد، به افکار عمومی جهان هرگز احترام نمی‌گذارد.

مقامات اجرائی، قانونی و قضایی انگلستان، خود «ساندز» را مسئول مرگ خودش می‌دانند! و حتی پاره‌هایی از اعضای حزب کارگر که مخالف حکومت است، می‌گویند حکومت را در قتل «ساندز» بیگناه و نامرد کنند. از جمله کسانی که رزمند ایرلندی را مسئول مرگ خود و نامرد می‌کنند، رهبر حزب کارگر است. او ادعا کرد که این مرگ، تصمیم خود «بابی ساندز» بوده است و لازم نبود پیش بیاید، زیرا پارلمان انگلستان هرگز تسلیم مبارزان نخواهد شد. «همسفری» و «ریور ایرلند شمالی» در گابینه انگلستان، به بیپروایی گویی پرداخت و ادعا کرد که «این گونه اعمال بی‌مورد، جنبه خود آزرده‌نورد و من امیدوارم مردم ایرلند شمالی، به بی‌نتیجه بودن این خشونت‌ها آگاه شوند و از آن دوری کنند».

همچنین «جیمی هاگینز»، یکی از اعضای حزب محافظه‌کار انگلستان، در برابر پارلمان گفت: «برای حکومت انگلستان، «بابی ساندز» عضو ارتش سربز ایرلند، یک جنایتکار است».

در این میان، پارامای از ناظران عقیده دارند که برای کاهش دادن بحران، حکومت انگلستان ممکن است درگیری‌های فرقه‌بی را که هم اکنون کم و بیش در ایرلند شمالی جریان دارد، گسترش بدهد. نباید فراموش کرد که انگلستان، در طول

تاریخ استعماری خود، از درگیری‌های فرقه‌بی استفاده کامل کرده‌است. بسیاری از کشمکش‌های قبیله‌ای، طایفه‌ای، فرقه‌ای و دیگر که هم اکنون در بسیاری از بخش‌های آفریقا و آسیا وجود دارد، ریشه در تاریخ استعماری انگلستان دارد. و ارتش انگلستان در ایرلند شمالی اعلام کرد که برای مقابله با هر نوع اوضاعی که به دنبال مرگ «ساندز» پیش بیاید، آماده است.

سرکوبی نیروهای آزادی‌بخش در ایرلند شمالی به هر قیمت، اصلی‌ترین هدف ارتش انگلستان در ایرلند است. حدود ۱۱۱۰۰ سرباز انگلیسی در ایرلند شمالی به سر می‌برند که ۷۵۰۰ سرباز محلی «هنگ دفاعی اولتر» (پروستان) و ۱۴۰۰ مأمور پلیس تمام وقت ذخیره، از سربازان حمایت می‌کنند در این میان، رسانه‌های گروهی غرب، با تمامی قوا می‌کوشند افکار عمومی جهان را در مورد فجایعی که مأموران انگلیسی در سرزمین ستمدیده به وجود می‌آورند، فریب بدهند. آنها بی‌شرمانه می‌کوشند تا اعمال ضدبشری سربازان و پلیس انگلستان را، به نحوی توجیه و یا تحریف کنند. روزنامه «دیلی تلگراف» که همواره در تحریف حقایق و واقعیات به سود امپریالیسم انگلیسی و امریکایی کوشا بوده است، ادعا می‌کند که «فن بازجویی» انگلیسی‌ها در ایرلند را نمی‌توان شکنجه تلقی کرد. روزنامه «دیلی میل» هم ادعا می‌کند که «ضمن آن که روش‌های بازجویی که اکنون از آن استفاده می‌شود، البته چندان خوشایند نیست، این روش‌ها ضروری است و مسائلی است که آنها شرمگین باشیم».

لازم به یاد آوری است که استفاده از شکنجه، یک بخش بزرگ از سیاست نظامی انگلستان در ایرلند شمالی برای کمک به «جریان آرامسازی» بوده است. سیاست آرامسازی از طریق شکنجه و سرکوب، در طول تاریخ امپراتوری انگلستان، همواره اختیار شده است. منابعی که شاید بتوان آنها را بی‌طرف یا نسبتاً بی‌طرف خواند، پیوسته گزارش‌هایی را درباره شکنجه‌هایی که مأموران امپریالیسم انگلیسی اعمال می‌کنند، مخابره می‌کنند. شکنجه‌ها، تنها شامل شکنجه‌های بدنی نمی‌شود، بلکه عذاب‌های روحی را هم دربر می‌گیرد.

حکومت «مارگارت تاچر» و حکومت‌هایی که پس از «تاچر» قدرت را به دست خواهد آورد، باید از تاریخ پند بگیرند و بدانند که اراده حلق‌هایی را که برای

مستول مرگ او شناختند. در این میان کلبه‌های کاتولیک انگلستان که اعتصاب غذای مبارز ایرلندی را «خودکشی» خوانده بود، هم چنان خاموش مانده است و این نشان می‌دهد که کلبه‌ها به جای آن که حامی منافع ستم‌دیدگان باشد، به روال تاریخی خود، هم چنان از علقه‌های استعماری دفاع می‌کند. لازم به یاد آوری است که مبلغان مسیحی، در طول تاریخ استعماری اروپایی‌ها، پیشروان و پرچمداران استعمار در مناطقی از جهان بوده‌اند که امروز به عنوان «جهان سوم» معروف است.

بابی ساندز، یکی از چریک‌های ارتش جمهوری خواه ایرلند بود که حکومت انگلستان و هم‌تایان آن، هنوز آن را یک نیروی تروریستی و نامرد می‌کنند. این موضوع هرگز نباید مایه‌شکستگی کسی باشد، زیرا جهان غرب، همواره همه نیروهای استقلال طلب را گروه‌های تروریستی قلمداد کرده است.

پس از آن که قهرمان ایرلندی جان سپرد، افکار عمومی جهان واکنش‌هایی را در برابر این موضوع نشان داد. اما غرب، آنجا که به زینت باشد، به افکار عمومی جهان هرگز احترام نمی‌گذارد.

مقامات اجرائی، قانونی و قضایی انگلستان، خود «ساندز» را مسئول مرگ خودش می‌دانند! و حتی پاره‌هایی از اعضای حزب کارگر که مخالف حکومت است، می‌گویند حکومت را در قتل «ساندز» بیگناه و نامرد کنند. از جمله کسانی که رزمند ایرلندی را مسئول مرگ خود و نامرد می‌کنند، رهبر حزب کارگر است. او ادعا کرد که این مرگ، تصمیم خود «بابی ساندز» بوده است و لازم نبود پیش بیاید، زیرا پارلمان انگلستان هرگز تسلیم مبارزان نخواهد شد. «همسفری» و «ریور ایرلند شمالی» در گابینه انگلستان، به بیپروایی گویی پرداخت و ادعا کرد که «این گونه اعمال بی‌مورد، جنبه خود آزرده‌نورد و من امیدوارم مردم ایرلند شمالی، به بی‌نتیجه بودن این خشونت‌ها آگاه شوند و از آن دوری کنند».

همچنین «جیمی هاگینز»، یکی از اعضای حزب محافظه‌کار انگلستان، در برابر پارلمان گفت: «برای حکومت انگلستان، «بابی ساندز» عضو ارتش سربز ایرلند، یک جنایتکار است».

در این میان، پارامای از ناظران عقیده دارند که برای کاهش دادن بحران، حکومت انگلستان ممکن است درگیری‌های فرقه‌بی را که هم اکنون کم و بیش در ایرلند شمالی جریان دارد، گسترش بدهد. نباید فراموش کرد که انگلستان، در طول

مستول مرگ او شناختند. در این میان کلبه‌های کاتولیک انگلستان که اعتصاب غذای مبارز ایرلندی را «خودکشی» خوانده بود، هم چنان خاموش مانده است و این نشان می‌دهد که کلبه‌ها به جای آن که حامی منافع ستم‌دیدگان باشد، به روال تاریخی خود، هم چنان از علقه‌های استعماری دفاع می‌کند. لازم به یاد آوری است که مبلغان مسیحی، در طول تاریخ استعماری اروپایی‌ها، پیشروان و پرچمداران استعمار در مناطقی از جهان بوده‌اند که امروز به عنوان «جهان سوم» معروف است.

بابی ساندز، یکی از چریک‌های ارتش جمهوری خواه ایرلند بود که حکومت انگلستان و هم‌تایان آن، هنوز آن را یک نیروی تروریستی و نامرد می‌کنند. این موضوع هرگز نباید مایه‌شکستگی کسی باشد، زیرا جهان غرب، همواره همه نیروهای استقلال طلب را گروه‌های تروریستی قلمداد کرده است.

پس از آن که قهرمان ایرلندی جان سپرد، افکار عمومی جهان واکنش‌هایی را در برابر این موضوع نشان داد. اما غرب، آنجا که به زینت باشد، به افکار عمومی جهان هرگز احترام نمی‌گذارد.

مقامات اجرائی، قانونی و قضایی انگلستان، خود «ساندز» را مسئول مرگ خودش می‌دانند! و حتی پاره‌هایی از اعضای حزب کارگر که مخالف حکومت است، می‌گویند حکومت را در قتل «ساندز» بیگناه و نامرد کنند. از جمله کسانی که رزمند ایرلندی را مسئول مرگ خود و نامرد می‌کنند، رهبر حزب کارگر است. او ادعا کرد که این مرگ، تصمیم خود «بابی ساندز» بوده است و لازم نبود پیش بیاید، زیرا پارلمان انگلستان هرگز تسلیم مبارزان نخواهد شد. «همسفری» و «ریور ایرلند شمالی» در گابینه انگلستان، به بیپروایی گویی پرداخت و ادعا کرد که «این گونه اعمال بی‌مورد، جنبه خود آزرده‌نورد و من امیدوارم مردم ایرلند شمالی، به بی‌نتیجه بودن این خشونت‌ها آگاه شوند و از آن دوری کنند».

همچنین «جیمی هاگینز»، یکی از اعضای حزب محافظه‌کار انگلستان، در برابر پارلمان گفت: «برای حکومت انگلستان، «بابی ساندز» عضو ارتش سربز ایرلند، یک جنایتکار است».

در این میان، پارامای از ناظران عقیده دارند که برای کاهش دادن بحران، حکومت انگلستان ممکن است درگیری‌های فرقه‌بی را که هم اکنون کم و بیش در ایرلند شمالی جریان دارد، گسترش بدهد. نباید فراموش کرد که انگلستان، در طول

● مرگ «بابی ساندز» نشان داد که ایرلندی‌های میهن‌پرست، حتی تا آخرین دم زندگی، آماده‌اند با انگلیسی‌ها دست و پنجه نرم کنند.

● عمل واتیگان نشان داد که این دستگاه به جای آن که حامی منافع ستم‌دیدگان باشد، به روال تاریخی خود، هم چنان از علقه‌های استعماری دفاع می‌کند.

● حکومت انگلستان و هم‌تایان آن هنوز ارتش جمهوری خواه ایرلند را یک نیروی تروریستی و نامرد می‌کنند. این شگفت‌آور نیست، زیرا جهان غرب، همواره همه نیروهای استقلال طلب را گروه‌های تروریستی قلمداد کرده است.

● انگلستان برای کاهش دادن بحران ممکن است درگیری‌های فرقه‌بی را گسترش بدهد

● همواره گزارش‌هایی درباره شکنجه زندانیان در ایرلند می‌رسد و شکنجه‌ها تنها شامل شکنجه‌های بدنی نمی‌شود، بلکه عذاب‌های روحی را هم دربر می‌گیرد.

● «بابی ساندز» اوقات خود را در زندان به نوشتن اشعار درباره زندگی خود می‌گذراند و مقالاتی را برای انتشار در یک روزنامه جمهوری خواه روی قطعات کاغذ توالی می‌نوشت. در دسامبر ۱۹۸۰، هفت تن از زندانیان ایرلندی برای آن که حقوقی مساوی با حقوق زندانیان سیاسی به دست بیاورند، اعتصاب غذا کردند. «بابی ساندز» به‌عنوان «فرمانده» زندانیان ایرلندی، برای پایان دادن به اعتصاب، با مقامات زندان گفت و گو کرد، اما این گفت و گوها بی نتیجه بود.

● پاره‌هایی از ایرانی‌های مقیم انگلستان برای «بابی ساندز» نامه فرستادند و اعلام کردند که خون او پایمال نخواهد شد و مرگ جنبشی را ایجاد خواهد کرد. و پیکارجوی ایرلندی گفت «این در حالی است که پاپ به من می‌گوید که تو داری انتحار می‌کنی»

«ساندز» به نوبه خود در اول ماه مارس به اتفاق سه تن دیگر اعتصاب غذا کرد و اعتصاب خود را تا دم مرگ ادامه داد. او در نیمه آوریل در حالی که در زندان به سر می‌برد، در انتخابات قانونگزاری فرعی در «سوت‌تیرون» پیروز شد و بدین سان، یکی از اعضای ارتش جمهوری خواه ایرلند که در زندان در حال اعتصاب بود، به نمایندگی مجلس عوام انتخاب گردید. اما زنده نماند تا بتواند کرسی خود را در پارلمان انگلستان اشغال کند.

«بابی ساندز» در زندان اوقات خود را به نوشتن اشعار درباره زندگی خود می‌گذراند و مقالاتی را برای انتشار در یک روزنامه جمهوری خواه روی قطعات کاغذ توالی می‌نوشت. در دسامبر ۱۹۸۰، هفت تن از زندانیان ایرلندی برای آن که حقوقی مساوی با حقوق زندانیان سیاسی به دست بیاورند، اعتصاب غذا کردند. «بابی ساندز» به‌عنوان «فرمانده» زندانیان ایرلندی، برای پایان دادن به اعتصاب، با مقامات زندان گفت و گو کرد، اما این گفت و گوها بی نتیجه بود.



در این اعتصاب، ۴۵۰ تن دیگر شرکت کردند و به خاطر آن که اعتصاب کنندگان از شستشوی بدن و استحمام خودداری می‌کردند، اعتصاب، یک «اعتصاب بهداشتی» خوانده شد.



# انتخاب میتران: آغاز یک پایان

از: مهندس افکن



عادلانه و مقتضی خواهد بود. مساعی لازم را در جهت حل این مسئله، حمایت و کمک خواهد کرد. آنچه در آینده میتواند این خطوط اساسی را روشن کند، فقط و فقط عملکرد میتران و حکومت اوست و این آزمون است سرگ که در پیش روی میتران قرار دارد.

آیا میتران در این آزمون موفق خواهد بود؟ محافل سیاسی در جواب به این سؤال ششما میگویند که انتخاب او آغاز یک پایان است! آیا این پایان، پایان شیاتن دژارویست است؟ یا قدرت طلبی و استیلاجویی او، یا حکومت محافظه کاران بر او، یا پایان عمر سیاست خارجی فرانسه؟ ناظران نظرات گوناگونی در این زمینه ارائه کرده اند.

**گذشته میتران:** میتران سال ۱۹۱۶ در «شاتوشی نون» متولد شد و در ۳۰ سالگی بوزارت رسید. در ۱۹۵۸ وی از سیاستمداری بود که در برابر دوگنل ایستاد و این شیوه را همچنان حفظ نمود.

او حزب سوسیال دمکرات فرانسه را از فراموشی نجات و آنرا صورت حزب سوسیالیست کمونی فرانسه سازمان داد و عملی رزم فشارها و مشکلات در اواسط دهه ۱۹۷۳ توانست اعضای حزب خود را به پذیرش برنامه های مشترک با حزب کمونیست متقاعد کند. که ائتلاف احزاب او راه تارهای را برای مردم فرانسه گشود.

میتران از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۷ در چهارمین جمهوری فرانسه علاوه بر رهبری حزب چپ میابرو یک پست وزارتی را نیز در کابینه سعهده داشت.

زمانیکه شارل دوگنل در ۱۹۵۸ بقدرت رسید حزب سوسیالیست حمایت خود را از وی اعلام داشت اما میتران در درجه مخالفین درآمد. از ابتدا مخالفت وی سادوگنل بپهوده نظر میرسد، اما در دراز مدت پس از سریدن سوسیالیستها از ژنرال دوگنل، اقدام میتران موجب شد که موقعیتش برای رهبری چپهای غیر کمونیست مستحکم شود. در همین حال مخالفت وی موجب گردید تا گلیستها ساری دشمن گردند.

در ۱۹۶۵ میتران تنها کاندید چپگر بود که توانست به دور دوم انتخابات راه یابد.

در ماه مه ۱۹۶۸ زمانیکه قیام دانشجویی و اعتصابات عمومی جمهوری پنجم در معرض خطر قرارداد میتران آمادگی خود را برای انجام وظیفه رهبری کشور بکمک چپ گرایان دیگر اعلام داشت. در ۱۹۷۱ برنامه های مشترکی را با کمونیستها و یک حزب چپ میانه امضاء کرد.

در سال ۱۹۷۴ پس از مرگ پمپیدو، میتران بعنوان کاندید چپ گرایان با والرئ زیسکار دست وارد مبارزات انتخاباتی شد.

در ۱۹۷۷ اتحاد سوسیالیستها با کمونیستها از هم پاشید و کمونیستها میتران را مسته به راست گرانی نمودند. به ادعای خود میتران، او شخص جاه طلبی است و نیز میگوید که این جاه طلبی به مفهوم شخصی است و بدان معنی نیست که مرد فرصت طلبی باشم.

رای دهندگان نسبت به عراق را در کمر کرده است و اگر مشاهده می کنیم میتران در مبارزات انتخابی خود علناً قول می دهد که در صورت پیروزی ارسال اسلحه برای ارتش بعثت را قطع خواهد کرد. بار سبب دلیل است. آیا انتخاب میتران و شکست دستن باید برای ما شادی آور باشد؟ البته شکست دومی حاتی فراح برای شغف باقی میگردد. اما انتخاب اولی هرگز.

آنجا که فرانسو میتران، هوادار صهیونیست بوده، مدافع و دوست صمیمی اسرائیل است، برای ما وسایر کشورهای اسلامی، آینده روابط با فرانسه در زیر زمامداری اودچار اتهام میباشد زیرا مهمترین مسئله ای که امروز جهان اسلام و بویژه کشورهای اسلامی خاورمیانه دارند، وجود دولت غیرقانونی رژیم اشغالگر قدس و تعدیهای آن بر حدود و شغور اماکن اسلامی در سرزمین قدس است.

قدس بعنوان بهترین معیار روابط جهان اسلام و مسلمانی با سایر قدرتها شناخته میشود و اگر فرانسو میتران و حزب سوسیالیست او که در برنامه سیاسی اش حمایت از رژیم اشغالگر قدس بعنوان یک اصل پذیرفته شده، به همین سیاست و همین شیوه با قضاای خاورمیانه برخورد کند، چاره ای جز این نخواهد بود که علیه او سیاست او موضع گیری نصالحیم و هرگاه میتران دولت آینده سوسیالیست اود را این موضع خویش تجدید نظر کرده و با آنچه در خاورمیانه میگردد، برخورد عادلانه نماید، عملانشان خواهد داد که او دولت آینده فرانسه، حقایق سیاسی خاورمیانه را در کمر کرده و در راه حل قضیه فلسطین و رهائی قدس از اشغال رژیم اشغالگر قدس، دست به اقدامات

برای نمونه، در دور اول انتخابات اخیر نتایج چنین بوده است: طرفداران سرمایه داری: والرئ زیسکار دستن ۲۸۱۰۳ در صد. ژاک شیراک شهردار ۱۸۱۰۲۳ در صد. طرفداران طبقه متوسط فرانسو میتران سوسیالیست ۳۶۱۰۱ در صد. ژرژ ماشه از حزب کمونیست ۱۵۱۳۵ در صد.

و این در حالی بود که قریب ۲ میلیون سیکار فرانسوی از احزاب مجدد زیسکار دس سگوار چند. یکی دیگر از موضوعاتی که در انتخابات اخیر فرانسه مورد توجه طبقه متوسط و محروم جامعه فرانسه قرار داشت نگرانیهای این دو قشر در مورد سیاست خارجی بسیار زشتی بود در طول ۷ سال اشغال کاخ البیره پیش گرفته بود. نقش استیلاجویانه فرانسه در آفریقا، دستن این کشور نبوده و نیست و این مطلب را از مندرجات جراید آزاد آن کشور می توان دریافت، نیروی پرخرجی که دستن برای عهدداری و طلیفه و زاندارم آفریقا ایجاد کرده است برای فرانسویها سوالات بسیاری را بوجود آورده بود. چرا فرانسه طرح تحریم اقتصادی آفریقای جنوبی در قبال اشغال نامی بیا را وتو کرد؟ این

پرسش برای بسیاری از رای دهندگانی که روز یکشنبه پای صندوقهای رای رفتند مطرح بود. و بالاخره (و از همه مهمتر) برای مردم پاریس و نیس و لئون و نیل و ماریسی و... معنی حمایت دولتمدانشان از حکومت فاشیستی صدام حسین مشخص نبود، و نیست اگر می بینیم که با فرارسیدن موعود انتخابات دستن به یکباره و بدون مقدمه موضعی خصمانه نسبت به عراق می گیرد، علت آن است که او احسانات مسلمو از نفست

سراجام پس از گذشت بیست دوره از انتخابات فرانسه، فرانسو میتران، دبیر کل حزب سوسیالیست- اروپائی فرانسه، بریاست جمهوری این کشور بر گزیده شد. و بدینال این جریان پیامهای تریک از سوی روسای جمهوری و سران جهانی از هرسو سرازیر گردید. عکس العمل شوروی عادی و احتیاط آمیز بود در حالیکه مقامات آمریکائی بگفته خودشان شوکه شده اند، اما گرمترین و صمیمانه ترین تبریکات را خانم تاچر و مناخیم بگین ابراز داشتند. و این بدان سبب است که فرانسه همتای انگلستان در اروپا، و میتران بقول بسیاری از آگاهان یک صهیونیست است. تا جائیکه مناخیم بگین گفته است، آن دوران تاریک فرانسه و اسرائیل با انتخاب میتران پایان گرفت. این دومین بار است که سوسیالیستها در فرانسه بر سر کار می آیند، گرچه دوره قبل، که پیش از جنگ جهانی دوم بود با ائتلاف کمونیستها قدرت را بدست گرفتند و چون نتوانستند به قولهایشان عمل کنند سقوط کردند.

بهر حال از نظر آگاهان اجتماعی این انتخاب مجدد نوعی «رفورم مصلحتی» است. ناگفته نماند که میتران در دوره قبل با ائتلاف ۴۲۴۱۰۰۰ رأی از بین ۳۰ میلیون کل آراء رای دهندگان، در مقابل زیسکار دستن شکست خورده بود.

**موقعیت میتران:** با توجه به وضع اقتصادی- اجتماعی فرانسه، با رقمی حدود دویلمیون بیکار و نیز اعتصابات اخیر این کشور درباره نرخ تورم و در نواست اضافه دستمزدها بخصوص پرداخت حقوق بازنشستگان، چنانچه میتران واقعا به وعده های عمل کند، جای پای محکمی خواهد داشت.

میتران در نطق های تبلیغاتی اش گفته بود: وقت آن رسیده که از ثروتمندان بالاترین میزان مالیات را گرفت. او همچنین قول مگی کردن کارخانجات و موسسات سرمایه داری سهم را داده است، که در صورت اجراء ۵۰ درصد کسب سرمایه گذارهای فرانسه را شامل میگردد. و طبق حشرهای جدید، سنس سانکها و اقدامات شدید در برها برای جلوگیری از خروج آرز از فرار معلوم در جهت چسپن مسطورهائی صورت گرفته است.

## انتخابات در فرانسه: در فرانسه همواره رقابتهای انتخاباتی بین سرمایه داران و اشراف از یکسو و لبرالها

و طبقه متوسط از سوی دیگر وجود داشته که طبقات پایین اجتماع نیز نقش قشری را داشته اند که این دو گروه برای انتخاب خود آنها وسیله و مورد استفاده قرار داده اند. اما این برآستی برای اولین بار است که لبرالها و قشر متوسط به پیروزی واقعی میرسند، که میتواند تاحدی مورد قبول طبقه پایین اجتماع قرار گیرد.

در کلیه انتخابات فرانسه اغلب ۸ تا ۱۰ کاندیدا شرکت میکنند که جز ع کاندیدا بقیه سیاهی لشکر هستند و از این ع کاندیدا نیز پس از برگزاری دور اول انتخابات ۳ کاندیدا به دفع آندوی دیگر کنار میروند و سراجام در بین ایندویکی بریاست جمهوری انتخاب میگردد.

با چشم دیدم. چون بار کوچکم مرا، روحی بودرها که باهولنا کترین دارو ساکت نمی شود. در ضمن، «ساندز» همچنان که از پنجره زندان به آسمان زمستانی چشم دوخته بسود چنبن نوشت: «هسوا بسیار سرد است، می توانم مقابل پنجره میخکوب شوم. خیره به جنگلی از سفیدی و رنگ، در سیم خاردار. یا می توانم، در کنج مقربام، در غار کوچکم بخزم، چشم بدوزم به کابوسی از سایه های بی قواره تیره و تار که دیوارهای کثیف دوروبرم، ترسیم میکنند. سرداغ کیهایی از عفونت و مدفوع و اشغال که برگ نشسته است.

یکی دیگر از اشعار «بانی ساندز» عصر جدید نام دارد. او این شعر را در سال ۱۹۷۹ وقتی در زندان انگلیسی ها بود سرود. متن این شعر آن است: «گفتند، عصر، عصر جدیدی است سال متمدن یک، نه، هفت، نه، اما جدید در اطراف آنچه هست: درد و شکنجه و نفاق عصر جدید، عصر مردن اطفال نورس است...»

از فرط گرسنگی اما، گراست پروای بازخواست؟ بی جامه ای به تن، دخترکان فریاد می کنند هر سودان، شانه بر سرشان بارش ناپالم خود کامگان چاق، بر سرایر خود تکیه می زنند، آن سوی دگر، اطفال خردسال، در خاک می کنند استخوان پدر و مادرانشان.

مأمور مخفی پلیس، در مرگبار شب، پنهان ز دیده ها، در بیکر زن برهنه می دواند جریان برق را، آنجا که معدن سیاه ترین نفت عالم است، اسفالت سرخ می شود، او خلق گشته بود تا زندگی کند ولی، بود و مرد بی اختیار خویش امشب که خدیمی کریم، بر چهرهای شمشیر کنندشان نقش می زند متخصصین، رؤسا، کاردانه ها، از قلب مقبره فریاد می زنند، زندانی اسیر، فردا، محروم سالها، رحم مادر خود را ترک می کند، با بی سندی ۱۹۷۹

با آن پرندۀ بدبخت همدردم، حالم سوا ی یک سدی عادی است، من زندانی سیاسی هستم، رزمنده رهایی، همچون چکاوک، سهم برای رستن خود جنگ کرده ام، تنها نام آب و برق حق باخته بیرون بدمم، اینجا که ما در وطنم در اسارت است، گرفتارم مرا و به سدم کشیده اند، ولی چون چکاوک، از لای ترمه ها، منمهم بیرون قفس راه



نامه فرستادند و اعلام کردند که خون او پایمال خواهد شد و مرگش جنبشی را ایجاد خواهد کرد. و بیکار جوی ایرلندی گفت «این درحالی است که پاپ به من می گوید که تو داری انتحار می کنی.» نوشته های «بانی ساندز» یک جزوه ۳۵ صفحه ای است که در مناطق کاتولیک نشین ایرلند شمالی از قرار هر جلد یک دلار و دسنت فروخته می شود. اعتصاب غذای «ساندز» و سرانجام مرگ او، نوشته های او را به پر فروش ترین اثر ادبی تبدیل کرده است.

نوشته های چریک جوان، مجموعه ای از دوشعر و ده مقاله است که در فاصله تیرماه ۵۷ تا فروردین ۵۸ روی کاغذهای نوالت نوشته شده و به نحو سری به خارج زندان فرستاده شده است. آثار «ساندز» نخستین بار با نام خواهرش «مارسلا» در هفته نامه «اخبار جمهوری خواهان»، ارگان ارتش جمهوری خواه ایرلند، منتشر شد. یک سخنوی «سن فیلد» که شاخه سیاسی و تبلیغاتی ارتش جمهوری خواه ایرلند است، چنین گفت: «ما در دوهفته اخیر، پنج شش هزار نسخه فروش کردیم.» تفرات مبارز ایرلندی از زندانبان و مجادله روحی او با ستهایی و افسردگی، متن اصلی مقاله ها را تشکیل می دهد. «ساندز» شعری را درباره نقش چکاوک به عنوان نمادی از آزادی سروده است.

قطعه «چکاوک و رزمندۀ آزادی» در بیش از یکسال پیش منتشر شد. در این قطعه «ساندز» داستانی را از قول پدر بزرگش تصویر می کند، این داستان، مربوط به چکاوکی است که میل نداشت به دستور صاحب خود آواز خوانی بکند و سرانجام در قفس خود در اثر شکنجه جان سپرد. او می نویسد:

با آن پرندۀ بدبخت همدردم، حالم سوا ی یک سدی عادی است، من زندانی سیاسی هستم، رزمنده رهایی، همچون چکاوک، سهم برای رستن خود جنگ کرده ام، تنها نام آب و برق حق باخته بیرون بدمم، اینجا که ما در وطنم در اسارت است، گرفتارم مرا و به سدم کشیده اند، ولی چون چکاوک، از لای ترمه ها، منمهم بیرون قفس راه



## چند حکایت از زبان سرخ «مدرس» گویند:

در جریان استیضاح دولت توسط مدرس روزی رضاخان پالانی برای پاسخگویی، به مجلس آمد و پیش از تشکیل جلسه در ایوان ایستاد تا صدای «زنده باد» و «مردم باد» مزدوران خود را بشنود در همین اثنا مدرس سر رسید.

مامورین فریاد زدند: زنده باد سردار سپه مدرس با بی‌اعتنائی عصای خود را بر زمین زد و گردنش را کج کرد که مثلاً باشد چه میشود! مزدوران صدا درآوردند که «مردم باد مدرس» در اینجا مدرس قدی علم کرده مستوجه مردم اطراف مجلس شد و عصا را رو به آنها کرد و گفت مردم بگوئید زنده باد مدرس همه فریاد زدند زنده باد مدرس... مجدداً رو به جمعیت آورده گفت مردم بگوئید مرده باد سردار سپه همه فریاد کشیدند مرده باد سردار سپه...

سپس مدرس از پله‌های مجلس بالا رفت و در بالکن یقه سردار سپه را گرفته رو به مردم کرد و گفت صد بار مرده باد سردار سپه، صد بار زنده باد مدرس جمعیت از رشادت و دلیری سید به هیجان آمده همانطور فریاد زدند صد بار مرده باد سردار سپه، صد بار زنده باد مدرس به سبب این حرکت سید، سردار سپه با حال خشم از مجلس رفت جریان را به رئیس مجلس اطلاع دادند مؤتمن الملک گفت: پس معلوم میشود آقای رئیس‌الوزراء استعفا داده و حاضر برای استیضاح نیستند.

### گویند:

شب هنگام «یزدان پناه» از جانب رضاخان ده هزار تومان پول آورد که «بگیر و ساکت باش» پاسخ شنید: بگذار زیر تشک و برو به اربابت بگو تا دینار آخر خرج نابودی تو خواهد شد. اگر رضاخان رضا داد که هیچ و گرنه بسا و از همانجا پول را بردار و برو.

### نقل کنند:

روزی از مجلس به خانه‌اش میرفت و عده‌ای همراه او بودند در راه برای تهیه غذا از بقال سرکوهشان میخواست ما ست بخورد ضمن اینکه «مشهدی عبدالکریم بقال» مشغول تهیه ماست برای آقا بود سید شروع کرد به تعریف از جریانات مجلس و گفت امروز آنچنان با او لطماتوم روسیه مخالفت کردم که همه نمایندگان جرئت رو کردن آنرا پیدا کردند یکی از اطرافیان گفت آقا، اینکه درست نیست شما سیاست مملکت را برای مشهدی عبدالکریم بقال بگوئید مدرس پاسخ میدهد، اینها بمن رای داده‌اند و موکلین من هستند باید بدانند که چه کاری میکنم.

### نقل کنند:

سید حسن مدرس تا نیمه‌های شب نامه‌های رسیده از طرف مردم را میخواند، بعد چند ساعتی میخوابید و سپس به مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) میرفت بعد به مجلس و بعلت مشاغل فراوان توجه زیادی به اهل و عیال نداشت از او پرسیدند چرا به بچه‌هایتان نمی‌رسید؟ پاسخ میدهد.

تمام بچه‌های ایران بچه‌های من هستند و من اگر کاری برای آنها بکنم برای اینها هم کرده‌ام.

تاجامه بردگی بپوشید سیاه  
از جام زمانه زهر نوشید سیاه  
گلبنانگ رهایی چو زایران بشنید:  
با مشت گره کرده خروشید، سیاه

با خون شهید بیعتی تازه کنیم  
در حق طلبی جهان پرآوازه کنیم  
آشفته ورق‌های کتاب وحدت:  
برخیز که این کتاب شیرازه کنیم

آنان که ندای حق شنیدند همه  
باشوق بسوی حق دویدند همه  
بر تن کفنی زاطلس خون کردند:  
در سنگر سرخ، آرمیدند همه!

درون برکه ای از خون شناور  
صدا زد پاسدار از ژرف سنگر  
زماگرشط خون جاری شود باز  
بماند جاودان «الله اکبر»

دریده سینه شب خنجر ماه  
کسی با خون نوشته برگذراگه  
که می‌جنگیم ما با چنگ و دندان:  
برای کسب استقلال والله!

پرداز صخره‌ها گوئی پلنگ است  
به سنگر زاده و فرزند جنگ است  
جهیز دختر رزمنده قدس:  
کلام الله و یک قبضه تفنگ است

الافغانی مانده به زنجیر  
که تنها حربه ات گلبنانگ تکبیر  
چه بیمت از هجوم ارتش سرخ  
که خون پیروز خواهد شد به شمشیر

سیمای افق گرفته از لکه خون  
بشکفته چو گل به صخره‌ها چکه خون  
یاران خمینی همه ایثار کنند  
در راه خدای خویشتن سکه خون

پوشیده دلاوران به تن شربه خون  
آشفته سپاه خصم از حربه خون  
در سنگر حق و باطل هنگام نبرد  
شمشیر ستم شکسته از ضربه خون

غلتیده بروی خاکها باشه خون  
افتاده بروی صخره‌ها لاشه خون  
در سنگر حق برادر سربازم  
انگشت شرف نهاده بر ماشه خون



محمد رضا نهرابی نژاد

## مرگ هزار فاخته گریان

تنها نگاه تو بیدار بود و دید  
تنها نگاه ارغوانی بیتابیت...  
تنها نگاه.. تو

اینک بدون تو  
ای مهربان..  
دیگر کتیبه پاک کدام چشم  
فصل زلال آینه‌ها و شکوفه و شبنم را  
تقریر می‌کند؟؟

اندیشناک خسته،  
چه می‌خوانی؟؟  
بنگر،!!

فصلی گذشت  
آبی دوباره از سر این جوی و دشت رفت،  
اما... هنوز  
چشمی به‌زمزمه می‌خواند...  
تصویر گمشده‌ای را که دیده بود...  
آن چشمهای خوب  
و مرگ هزار فاخته گریان.  
تهران - محمدحسین همافر

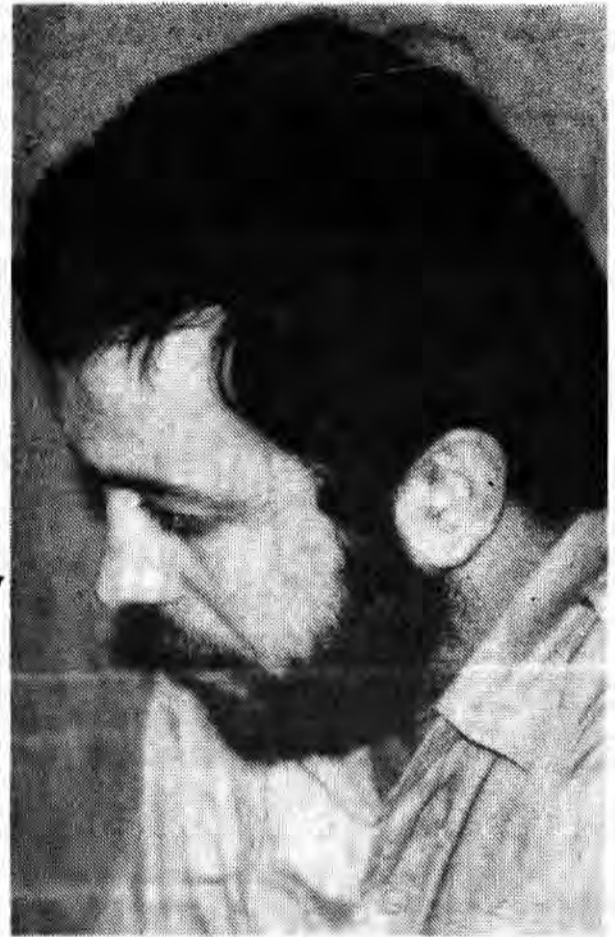
آن چشمهای خسته  
آن چشمهای خوب  
یادت هست؟؟  
و گریه تلخ هزار فاخته غمگین؟؟  
هیچ آن غروب خسته ابری را  
از یاد می‌بری؟؟  
و کوچه بن‌بست مه و..  
و پروانه‌های جزائر بیخواب؟؟  
ای مهربان:  
ای اطلس سپیدسحر  
بر رواق شب،  
چشمان این قبیله نمی‌داند  
تصویر گمشده‌ای را که می‌سرودی  
\*\*\*  
آن چشم ارغوانی غمگین،  
تا صبح

بر مویه‌های باد  
نظرافکنند  
اما دریغ...  
بی‌لاله و شکوفه... ما را رشط جوانه‌ها  
شبانه گذر دادند...



# چند و چون با دستان شاعر

## پاسداران



سیدحسین حسینی

این طرفه دلیران و مجاهد مردان  
تعبیر کتابند و حدید و میزبان  
تندیس نبرد واسوه ایمانند  
یک دست تفنگ و دست دیگر قرآن

این شب شکنان که در طواف فلق‌اند  
سیمرغ دلند و اهل قاف فلق‌اند  
زخمی شده از همتشان ظلمت قرن  
چون خنجر تیز شب شکاف فلق‌اند

خشم شب تا ر و پاسدار سحرند  
شیران حریم بیشه زار سحرند  
با حنجره‌شان سرود سرخ فلق‌اند  
فریاد بلند آبشار سحرند

سبزیم که از نسا، بهاران هستیم  
پاکیم که از تبار باران هستیم  
دور است زما تن به مذلت دادن  
ما وارث خون سربداران هستیم

چون سیل در این بادیه جاری شده‌اند  
چون با دروان سوی صحاری شده‌اند  
خورشید دلند و خفاش خفاش دلان  
از برق تفنگشان فرای شده‌اند

گهواره عشق، تاب خون میخواهد  
پیمانه حق شراب خون میخواهد  
ایدوست مسلسلی که ایمان بخداست  
باروت شرف، خشاب خون میخواهد

جماعت سلامی چوبوی خوش آشنائی.

مدتی این چند و چون تاخیر شد و همه وعده‌های حقیر خلاف از آب درآمد و نتوانستم خدمتی نه چندان شایسته حتی انجام دهم- وزن رفت و قافیه رفت و ردیف رفت اما چون تنگنای وقت همه عمر ما را بر آن میدارد که یا حسرت گذشته را قوت روح کرده یا امید فردا را غذای جان ساخته تا حال را فراموش کنیم... چه میگویم پس فراموش نکنیم.

یاران هفته نامه از شکلی به شکلی دیگر تغییر یافت تا عاقبت به آن قطع و تعداد صفحات رسید که دیدید- اینک در این اجاره نشینی- سخن کوتاه باید گفت که برادران دیگر را نیز مجال باشد که همه کار شعر و شاعری و درد و سوز و آشنائی با اهل و عجد و یاران نجد نیست اگر دیگران نیز بپذیرند که همه کار سیاست نیست.

یاران از این پس اگر گفتگویی باشد این فضول را- همه در این سه چهار سطر است- شاید بتوان بی جرئت از خویش و با جرئت دوست این حرف را بر قلم راند که: مطمئن باشید هیچ نامهای بی پاسخ نخواهد ماند.

و هیچ شعری که وعده چاپ آن رفته باشد. مشمول خلاف وعده نخواهد شد یاران- در این تنگنا مجال چاپ کار ضعیف نیست هر چند در آنجا بود (که بود و رفت) ضعفا به چاپ کار متوسط قناعت کنند و اهل وسط به چاپ کارهای بهتر و آنان که سخن خود را بسط دهند

وقوه دوست چندان قوت بخشیدماند نیز توقع مطرح شدن از طرف این فقیر را کمتر خواهند داشت گر چه این فضول همیشه در خدمت یاران حاضر خدمت بوده‌ام سخن را مجال نیست به نامه‌ها به پردازیم:

تهران - برادر محمدرضا مهدی نیکو- عجیب- شعر هفته قبل تو هیچ اشکال وزنی نداشت و حال آنکه چند مصرع اول این شعر یا مصرعهای آخر همخوانی ندارند قتل:

بی‌ذکر خدا گردش ایام مباد  
چون قفل گشا نام تو هر بسته دری شد  
گر چه هر دو در یک بحرند اما در یک وزن نیستند و نیز...  
ما را فراموش مکن-

اهواز- برادر م- گویر- جوانمرد چند بارت نصیحت کنم که اگر میتوانی بیشتر بخوان در اینراه همه کار خواندنست و همه کار نگفتنی- مگوی و میخوان- اگر مراد تو شاعر شدن است- شاعر نخواهی شد- درد بجوی تا مرد راه شوی- منتظر نامه‌های تو هستیم

سمنان- برادر محمد مهدی سیستانی- شعر ارسالی چاپ خواهد شد- موفق باشید

رشت- برادر عبدالوهاب آزاد- شعر ارسالی چاپ خواهد شد- قدری بر مطالعه بیفزای- خوش دارم تا تو را از نزدیک زیارت کنم

نجف‌آباد- برادر علی یزدانی نجف‌آبادی- شعر ارسالی شما هر چند خطاب بود اما عتابی که در خطاب بکار گرفته شده بود فاقد شعریت لازم و بنابراین مفهوم قلب و... الخ

چشماتان- فتنه‌گاه فتنه ناباوران  
قلبهاتان، پایگاه کینه عصیانگران-  
علی جان مطالعه حافظ و دیوان شمس امثال ذالک را فراموش مکن

بانف- برادر طاهری شعر شما حکایت از عشق و ارادت میکرد نسبت به آن عارف بزرگوار و آن پیر طریقت- اما فاقد انسجام لازم بود- حتی الامکان مطالعه کارهای عارفان بزرگ ما را مدنظر قرار دهید موفق باشید.

تهران- برادر سید کمال سجادی- شعر ارسالی چاپ خواهد شد در وزن و سواست بیشتری بخرج بدهید-

زواره- خواهر فاطمه نساجی- شعر بی مطالعه گفتن ممکن نیست. شما فکر کنید از شعر شاعران چه خوانداید؟ چند دیوان و دفتر را به دقت مطالعه کرده‌اید؟ چه مقدار سیاه مشق کرده‌اید؟ شاعری طبع روان میخواهد. هم معانی بیان میخواهد باز هم برای صفحه چند چون نامه بفرستید.

کلاچای- خواهر سیمین فرزاد- نقد شما بر نقدهای مادرست است اما اگر بنا را بر این بگذاریم که هر شاعری هر جور که دلش خواست حرف بزند و خودش بفهمد و لاغیر- و اما شما میتوانید بر راه شعر ادامه

بدهیدلکن با مطالعه شعر گذشتگان مابطور دقیق و تمرین زیاد در فرم کهن و از آن پس اختیار باشماست که چه راهی را برگزینید- نوگرایی را یا شعر اصیل را-

رشت- برادر ع-س- شاهد- شعر ارسالی شما لطف و تازگی خاصی داشت- اما نشان میداد که شاعر بساید مطالعه شعر کهن ما را وجهه همت خود قرار بدهد و بر مطالعات دیگر خود نیز بیفزاید و همواره برای این حقیر نامه بفرستد و سیاه مشق را فراموش ننماید و برای چاپ نیز عجلای نداشته باشد.

جبهه حق و آرزو- برادر حجبت

سلیماندرابی- غزل تو موزون بود اما قوت غزل کهن و معاصر را نداشت- ترکیبها اکثرا فاقد معنی بودند- توحید انفجاران- دلیران سربداران- و... که اولی فاقد مفهوم و دومی غلط است بعلت جمع هردو واژه و درست این است- دلیران سربداران- و نیز سپاه مظلوم بی شک طلاهدارانست- غلط و نامفهوم و سخیف است و علت آن این است که زحمت مطالعه شعر بزرگان ما را بر خود هموار نمیکنی و ایضا نفوس در مصرع بیت مقطع سرپای مفهوم راعکس میکنند- از رباعی‌های تو دو تا انتخاب خواهد شد- در انتخاب قوافی دقت کن و نیز در بیان مطلب- پیروز باشی.

تهران- م-ب- بارها گفتم و بار دیگر میگویم- وقتی اسم و آدرس مشخص نباشد جواب نخواهد بود

مشهد- برادر ح وق و پ یعنی حسن قمصری- بیشتر از اینها باید بخوانید- مردم از بس که گفتم بخوانید- بخوانید- بخوانید و از خراب کردن شعرهای حافظ و... مثل این مصرع دست بردارید- حافظ گفته است:

ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی  
شما فرموده‌اید:

ای که از دفتر عشق آیت حق آموزی  
پیروز باشید-

قم- ا- ت- نامه شما بعلت عدم ذکر اسم و آدرس جواب ندارد- در ضمن شقایق بو ندارد یابوی آن برای آدمیزاد محسوس نیست.

تهران- برادر حسن منزوی- با اینکه تازه شروع کرده‌ای اما امکان پیشرفت تو فراوان است- عکس ارسالی را میگذاریم برای وقتی که شعرهای تو حال و هوای شاعرانه بیشتری پیدا کنند- از شعرهای معلوم بود که حافظ میخوانی- بیشتر بخوان و شعر دیگران را نیز- سلام تمام یاران هفته نامه را بپذیر- و بازم برای حقیر نامه بفرست-

یا علی-م- آمین



# آمزش سینما

از حجت‌الله شمشیری

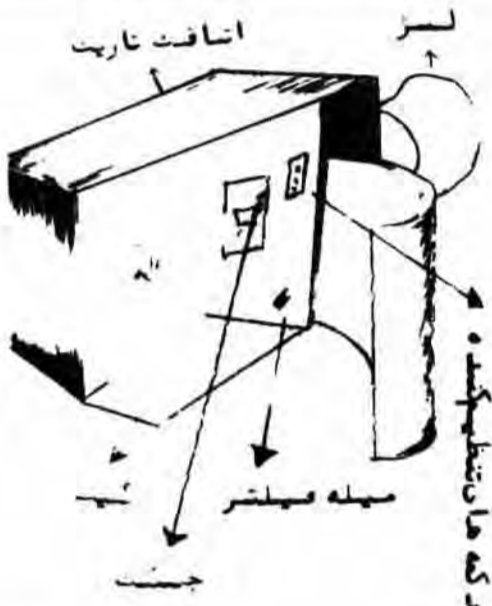


## ساخته‌مان دوربینهای سوپر ۸

موتور دوربین با چاند باطری کار میکند که حرکت فیلم را در دوربین ساعت مسی شود و میتواند سرعت فیلم را کم یا زیاد کرد اما سرعت ثابتی نیز دارند که در تمام دوربینهای حرفه‌ای ۸ میلیمتری و ۲۴ فریم در ثانیه است، که حرکت را بطور کامل و طبیعی ضبط میکند باطری دوربینهای حرفه‌ای توسط برق شارژ میشود.

ساخته‌مان یک دوربین عسارت است از یک جعبه پاناکس که فیلم در آن صورت حلقه‌های ۵۰ فوتی (در حدود ۱۵/۲۵ متر) کاست قرار میگیرد که کاست بودن فیلم، برای فیلم ساز کار راساده کرده است

- قسمتهای دیگر دوربین:
- ۱- موتور سرعت ۲- لزر ۳-
  - ۴- دیافراگم ۵- گیت
  - ۶- چنگک



### لنز

لنز دوربین قسمت حساس و دقیقی است که از چندین عدسی تشکیل شده و دارای فاصله کانونی مختلفی است و باید نرمال و تله فتوی یا ابزکتیو است و لنز دوربین ۱۰۱۴ واید آن  $F=7.0M$  و تله فتو آن  $F=7.0M$  میباشد هر نوع دوربین فیلمبرداری دارای یک نوع لنز مخصوص هستند و چون دارای یک لنز با فاصله کانونی مختلف است کار فیلمساز راحت کرده است و در موقع فیلمبرداری

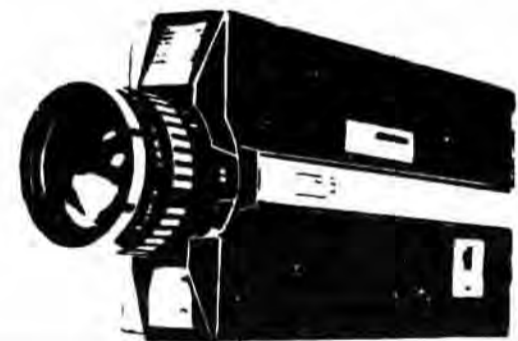


میتواند هر نوع لنزی انتخاب کند و یا اینکه با حرکت در آوردن اهرمی و یا فشار دادن به دکمه‌های W و T پرسوناژ یا شیئی مورد نظر را از نقطه دور به نزدیک آورد (زوم) و تصویر درشتی از آن فیلمبرداری کند.

### فیلتر

۱- ۸۰۸ برنگ آبی ۲- ۸۵ را تن (Wrozh) برنگ نارنجی روشن در دوربین دو نوع فیلتر برای تبدیل کردن کلون نور مصنوعی به طبیعی است که برنگ آبی است (فیلتر ۸۰۸) و در موقع فیلمبرداری در فضای آزاد بانور خورشید از فیلتر ۸۵ را تن که به رنگ نارنجی روشن است استفاده میکنیم. این در فیلتر در دوربین ۸ میلیمتری قرار دارند و در موقع فیلمبرداری به هنگام و بانور مصنوعی کافی است تبدیل آن را تنظیم کنیم (در بخش فیلترها توضیح داده میشود) تنظیم حساسیت فیلم (A.S.A)

در دوربین ۸ میلیمتری: در داخل بدنه دوربین دکمه‌هایی وجود دارد که در موقع قرار دادن کاست فیلم در دوربین و به علت بریدگی در جدار کاست میباشد بادگمه‌ها حساسیت برخورد کرده و خود بخود تنظیم میشود. فوکس و اوتسافوکس (واضع و محو) در خلال یک صحنه متحرک، مرکز دقت بایستی دائماً فوکس باشد. و هر حرکتی قبلاً تعیین گردد و فاصله دوربین و موضوع در هر یک از نقطه‌ها که موضوع قرار میگیرد، اندازه‌گیری شود. و این وظیفه معاون فیلمبرداری (آسیستان فیلمبردار) است که در ضمن فیلمبرداری از صحنه حلقه فوکوس که روی عدسی نصب



# الشطیات

در لغت و استعمال شطخسختی را گویند که ظاهر آن راست نبود اما حالی که آن سخن نتیجه آن حال است به حق باشد، سخنهای شطخسختی که از ایسایزدست و از بعضی مشایخ روایت کرده‌اند آن از غمیه حال و قوت سکروافرونی وجدیه ظهور آمده است، آن را نی قبول باید کردن و نی ردشاید کردن.

ادنی مراتب انبیا علیهم السلام حیرت است که از ابتدای فطرت و معرفت با ایشان همراهست جهت آنکه هرگز نبوده است که ارواح انبیا هم عیان معرفت حق نبوده است و اقوی مراتب اولیا مستی و حیرت است. الاتعاقوت آن است که حیرت انبیا علیهم السلام در طریق است و

حیرت و سکرت اولیا عندالمرتل است، و این طایفه درد نیا زیستند و هیچ چیز ایشان را از خدای مشمول نگردانید و در آخرت نیز چون محشور شوند، هیچ چیز ایشان را از خدای محبوب نگرداند..... و دیگر بدان ای مریدسالک، که حیرت درمستی شراب محبت، به منزله غفلت و حیرت است درمستی خمر و از خوردن شراب، مقصود مستی نیست بلکه مقصود انس و نشاط است، پس انبیا را علیهم السلام انس و نشاط به شراب محبت دایم حاصل است، و از مستی محفوظند «کرامه من الله تعالی» که ایشان امام امتند و مقتدای خلقند اما غیر انبیا را این کرامت نیست که به حکم درین باب متابعت ایشان کنند بلکه دیبگران

در مقام بندگی و متابعتند، چنانکه انبیا در مقام مهتری و مقتدانی اند پس این سرکه به شراب محبت برایشان جایزست و هر چه در این انواع سرکه از اولیاء الله در وجود آید آن را انکار نباید کردن و اقتدا هم نشاید کردن.....

آنانکه باعان راهند، به خلاف معهود و غیر از جاده سلوک از ایشان چیزی صادر نشده است و هیچ آفریده‌ای را از اهل آسمان و زمین از ملائکه مقرب و انبیای مرسل این نرسد که گویند اله را کماهی شناختم و دانسته بلک همه در ترس و خوف بوده‌اند از بهر آنکه جمله گویندگان در گفته‌های خود و مقربان در قرب خود و عارفان در عرفان خود از که خدای حقیقت توحید احد و عظمت تعظیم عظیم محجوبند و هر کس را که مرتبه‌ای به و چوسی سری بدو کشف کردند و او آن سر را از غلبه حال وضع بنیت ظاهر گرداند آن پسندیده نیستند: افشاء سر الربوبیه کفر

بی‌مجنون‌ترین صحراهای زمین سلام بر شما، دبست و پا زدن‌های

بی‌شمر عشق، خسته بی‌اشاید زرده‌ترین ارواح پناه برده به غارهای فراموشی! با بهبودترین تمناهای ناشناخته احساس خوش باشاید! بلندترین پروازهای خرسیده در تنگ‌ترین سوراخها، از آنسوی مغناطیس بهبودگی به شما درود می‌گویم! زیباترین نغمه‌های موسیقی درون که گرفتار میهم بسیرویند و اشک تاساف از حنقه تنهائیتان می‌تراود، پیکرتیر خورده را که در کویر بندهاو زهر خندا افتاده است، حلال کنید!

عاشقانه‌ترین غزلهایی که پرلیان عارفانه‌ترین لحظه‌های بشر سایه افکنده است، و گنون به زرفی تیرترین معاکه‌های وحشی‌ترین و تنهاترین کسوهها افتاده‌اند، بی‌شیرین‌ترین لحظات فرهاد را نثار خاموشی غمناک‌ترین دقایقتان میکنم! این چه فغدترین غدی است که از فراز سترون‌ترین ستبر، جیغ میکشد، و موسی بر همه اندام‌های حیات می‌لرزد، تشنه‌ترین التماس‌های دور افتاده‌ترین کسویرهای پیامبرانه‌ترین اندیشه‌ها! شوریده‌ترین بیض‌های برآمده از بیقرارترین گلوها، فیر یادگر

محصورترین و غریب‌ترین عزلهایان باد! شورانگیزترین نغمه‌های زخمی‌ترین زخمه‌های خنیاگرتین باربدان بارگاه بسند درون، ظریف‌ترین لزره‌های درمانده‌ترین دره‌های دورترین داغهای نشسته به نازک‌ترین نقاط وجود را در بی‌فضای اندوهناک‌ترین خلوت‌های اندوده به پاک‌ترین خلوص‌ها، بنوازید!

و گلی در گلخانه می‌پژمرد، سکوت بر سر راهست، هجوم، محض نمونه نیست، و خروس خوابیده است، و اختلال در حافظه سحر افتاده است، و مهابت شب بر تمام کوههاست و نقص فنی خورشید چاره پذیر نیست، و تنش ستاره بر سردست کهکشانهاست و تا چشم کار میکند، حروف سیاه است، و در نگاه بوازش نیست، و اتصالی احساسات و با خیال بخاری گرم میشوند، و اجاق در خود می‌سوزد، و بیر پکر است و پلسنگ پیچ میخورد، و شیر برای شیر نیست، و مگس احساس قناری میکند و هیچ گفتم، و خندیدند، و خندیدند، و هیچ نگفتم، و پژمردگی گندید، کتاب در جلد سبز غرق شده است، و قاری، از قرائت خود کیف میکند، و

ابلیس فلسفه سجده درس میدهد. و پای تفکر آساس کرده است، و ماشین تایپ شعر میگوید، و رخسار رسید، و رستم از نبرد عسکوت شکست خورد، و زال ره ره ترک شد. و پس از سازش سیاه و سرح، انقلاب سفیدی در اندیشه افراسیاب پدید آمد، و چک سیمرغ بر گشت خورد، و هوای قاف بارانیت، و بیداری خوابید و گوسفند پیچ و مهره میچرد، و روزی هزار مرغ اعدام میشوند، و روباه عینک میزند، و شغال مشغول شخم مزرعه است، و کبوتر کبوتر شد و قوای متجاوز اسفند، نوار مرزی اردبیهشت را به توپ گرفتند، و قسمتی از عشق در اشغال تردید است، و اجر آخر بنا چکش است، و تیر از اتهام قتل تیرگه شد و فرهاد فسرو افتاد و خسرو خندید و شیرین شرم نکرد.

و آشتی، قهر کرد و رفت، و پشت سر پیچک پیچ می‌کنند و مسیح مصلوب شد و یهود آنجیل چاپ میکنند، و یزید عزادار عاشورا است. و جمعه امام ندارد و امام بی‌جمعه است. و علی در اطراف غدیر گم شده است، و قم سوهان خوبی دارد، و



# یک نامه بسم الله الرحمن الرحيم تقدیم به ولین راهنمای زندگی ام پاک نیا

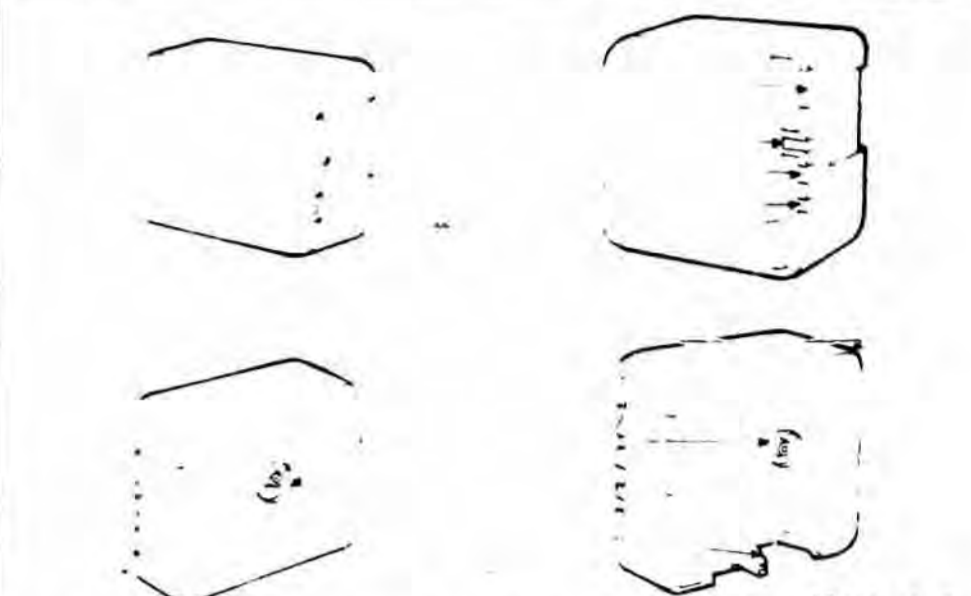
بسمه تعالی

تقدیم به برادران پاسدار،  
سریاز، بسیج  
برادرم، سرورم  
زندگی سراسر مبارزه است و این  
همان محل امتحان

بتاریخ نگاه کن سراسر مبارزه  
میان حق و باطل، که اگر این مبارزه  
نبرد تاریخ نبوده به آسمان نگاه کن به  
ستارها و به ماه که اگر اینها نبودند  
آسمان نبود نظری بر جبهه حق و  
باطل افکن، هابیل را ببین و عیسی و  
موسی را، ابراهیم را ببین که با تسبیح  
بجان بست و بنتها افتاده است عشق  
خدا را در او بنگر که حتی فرزندش  
را هم به مسلخ برای قربانی در راه  
خدا میبرد، محمد (ص) را ببین که  
برای رساندن پیام خدا چه رنجها و  
عذابها که نمی بیند. علی (ع) را بنگر  
که چگونه شمشیر کوششش را برای  
اجرای احکام خدا بر فرق کفر و  
باطل فرود می آورد. حسین (ع) را  
نگاه کن که چه مردانه در مقابل  
لشکر کفر ایستاده است و چه عاشقانه  
به پیشواز شهادت می رود و سرانجام  
حمیمی را ببین که چه مردانه  
می خروشد و می خروشد و طومار کفر  
و الحاد را در هم می پیچد به بدر  
واحد و صمیم و کر بلا بنگر به خوسین  
شهر و آبادان به کربلای غرب و  
جوب نظری افکن خود را در پاب  
که دریافتی و در جبهه حق چه  
مردانه میخروشی و میرمی همانا که شما  
شما تاریخ ساز انیدر همانا که شما  
ستاره های آسمان تاریک و نورشان  
این اجتماعید خروش الله و اکبر  
هر چه رستار فریاد زیند که خدا با  
شماست و وعده خدا حق است که  
عاقبت حق بر باطل پیروز است  
بجنگید بستیرید که خمینی با  
شماست و ما امت خمینی رهرو شما،  
و شما همانا پیشگامانید درود بر شما  
والسلام.

علی اصغر یعقوبی

همواره طنین صدایش در  
افکارم موج میزند که میگفت:  
هیچگاه غرور خود را نشکنید و به  
خاطر مسائلی کوچک خوار  
نشوید و چه خوب میگفت همواره  
برای اینکه از او تشکر کنم قدم  
جلو میگذارم اما انگار قدرتی مرا  
به عقب فراموش میخواند  
از او تشکر کنم اما می دیدم در  
جواب تشکر بچه های دیگر  
میگفت: بهترین راه تشکر از  
درس خواندن شماست. او بهترین  
معلم من در تمام زندگی ام بود  
وقت کلاس تنها صرف درسهای  
کتاب نمیکرد، هر وقت می دید  
شاگردی ناراحت است از درد او  
جواب میداد و آنقدر در قلب بچه ها  
رسوخ کرده بود که همه او را  
مانند مادری مهربان می دانستند.  
هنگامی که به شاگردان نگاه  
میکرد با نگاهش چیزی به آنها  
میگفت که فقط شاگردان  
می توانستند آن را درک کنند با  
نگاههایش با ما صحبت میکرد و  
هیچوقت وقت کلاس را فسادی  
مسائل خانوادگی نمیکرد او تنها  
کسی بود که به من مطالبی  
می آموخت که در طول عمرم از  
آنها اطلاعی نداشتم او همچون  
مادری مهربان، معلمی دانشموز  
چون کوه عظیم و با عزمی راسخ و  
مسلمانی با عظمت بود او یک  
ایرانی یک شیرزن بود وقتی  
صحبت میکرد و می گفت حاضریم  
خانواده ام را رها کنم و به میدان  
نبرد بروم و برای دفاع از اسلام  
جانم را فدا کنم هر چند که برای  
یک زن پرورش فرزندان مهمترین  
کار است و به شاگردانی که با  
گرفته ای او در درون خود انقلابی  
بها کردند و خود را از متعجب  
فساد بیرون کشیدند و آنها هم  
که نمی خواستند خود را تغییر  
دهند از او شرم میکردند چه  
در سها که به دانش آموزان آموخت



تصویر بدون لرزش ثبت شود.  
توضیح در مورد بستن شاتر  
در حرکات سریع: همانطور که  
در بالا اشاره شد در موقع  
فیلمبرداری از موضوعات بسا  
حرکت سریع اگر شاتر را به حالت  
معمولی قرار دهیم و فیلمبرداری  
کنیم تصویری که روی فیلم ضبط  
شده اگر صحنه از مسابقات  
دوومیدانی یا دوچرخه سواری یا  
موتور سواری باشد تصویر از  
کیفیت خوبی برخوردار نخواهد  
وجود دارد که شاتر نامیده  
میشود. شاتر تشکیل شده است  
از دو تیغه فلزی که در مقابل  
گیت دوربین قرار گرفته و نسبت  
به یکدیگر زاویه ۱۶۵ درجه  
تشکیل میدهند که این زاویه در  
موارد مختلف بوسیله پیچی تغییر  
پیدا میکند. بود زیرا حرکات در  
هم و نامنظم و سایه های متوالی  
نیز خواهد داشت و اگر با دوربین  
حرکت بصورت افقی (پان) انجام  
دهیم تصویر پر پر خواهد زد  
مانند اینکه پرنده نمایش را باد  
تکان میدهد و تصویر بصورت  
قطع و بریده خواهد بود.

لذا برای چنین کاری از تصویر  
فوکس کامل سوزها استفاده  
میکند. (حلقه فوکس شکل  
صفحه ۱۴).  
**شاتر**  
در بعضی موارد لازم است که  
از موضوعهای در حال حرکت  
فیلمبرداری کنیم پس از فیلم  
برداری و ظاهر شدن فیلم  
مشاهده میکنیم که موضوع مورد  
نظر در کادر حالت لرزش و پرپر  
زدن بخود گرفته اند. در  
دوربین های فیلمبرداری  
فیلمبرداری برای جبران این  
تقصیه سیستمی  
هرگاه شاتر را تنظیم کنیم یک  
فریم دیرتر نور خواهد دید در  
نتیجه این عمل باعث میشود که

میکند، و او را در تنهایی کلانتر  
قرار میدهد. (صحنه آخر که  
کلانتر تنها در وسط خیابان شهر  
دیده میشود.) پس برای  
برخورداری از یک عمق میدان  
کامل و خوب در تصویر رابطه بین  
تماشاگر و فیلم را تشدید میکند

حساستر است.  
و برای سهولت کار.  
کارگردان باید حداقل سعی کند  
صحنه فیلم را طوری طرح ریزی  
کند که بتواند از عدسی های  
بازاویه باز (فاصله کانونی کم و  
ایدونرمال) استفاده نماید. زیرا  
این نوع عدسی (واید انگل که  
زاویه دید باز دارند) نسبت به  
فاصله حساسیت کمتر را دارا  
هستند.  
هرچقدر تصویر از فوکس  
کامل برخوردار باشد به زندگی  
نزدیکتر و احساس بیشتر را  
برمی انگیزاند و وقتی فرد زینمان  
از این تکنیک در فیلم جدال در  
نیمروز استفاده میکند این  
احساس را به تماشاگرش القا

شده است (که دارای فاصله  
حدائق تا بینهایت میباشد) با  
حرکت موضوع به چرخاندن سا  
تصویر در تمام جهات فوکوس  
باشد و هر چقدر فاصله کانونی  
(f) بیشتر از زاویه باشد عدسی  
نسبت فوکوس و اوت فوکوس

نرگس را ملاحظه کنید و «تقوی» از  
دست رفته فناری را بیاد آرید، و  
جویبار به سلام پونه عادت کرده  
است، و سنگریزه با لجن میانه ندارد  
و معدن ماه، پر از نقره است و افتخار  
از رشادت شمشاد مسریزد، و  
بوسه های هوسناک گنجشک را بر  
تاول لبهای انار ببینید، و آن  
یکسکد بخوانید، و نیمروز است، و  
خورشید ذوب میشود و غوک در  
لطافت ابریشمین آب میغلطد و از  
تماس نرگس بیمار با نسیم بهرار  
نقاقت اندیشه انیام میگردد، و تولید  
بوی خوش، از برخورد باد و نارنج  
است و رگها ترانه خون میخوانند و  
بلبل است که میخواند و گل است که  
میگرید، و بوی پنیر از بیخ بز بلند  
شده است  
و تخم خیال مرغ شدن دارد و مرغ  
مردود تخم است، و آشوب دائمی از  
نان تازه است، و سنگ پشته، پشت به  
بحث بین مورچه و دانه در گرفت و  
شیطان چه نسبت دوری دارد، و دریا  
و قطره، نسبت من با حداست، و  
عازفی سر گلبرگ، هو کشید، و  
کافری در برابر کاربیر توبه کرد، و  
عقل به خود اعتقاد ندارد، و عجه از  
کتاب عیبت، و دل بدیده عاشق  
میشود و هر چه حاکم در تصور خود

با خدا گفتم  
بقیه از صفحه ۲۰  
پدران و مادران سود امیاشما این  
دانش آموزان و فرزندانشما هم  
مسئولیت سنگین دارید، شما  
نوجوانان و جوانان مسلمان در قبال  
خون شهدا که باعث اراد شدن و رشد  
استعدادها شده باید بیاد آرید  
زمانی را که بر علیه طاعت تظاهرات  
و مبارزه میکردید و خواستار آزادی  
و استقلال تحت لواء جمهوری  
اسلامی بودید و نگارید عده ای فریب  
خورده بنام و عیوان های مختلف  
از کلمه آزادی سواستفاده کنند  
و در مدارس شما عقاید پست و دون  
خود را تبلیغ و ترویج کنند و شما  
زاد همان اقلیت مظلوم سابق نگ  
دارند، ای فرزندان و جوانان دختر  
و پسر بخدا قسم شما هم مسئولید  
نگارید شیاطین محیط مدرسه را  
الوده کنند و از هدف اصلی  
بازدارند.  
... باید جوانهای ما، کودکان  
مادرست چشم و گوش خودشان  
را باز کنند که شیاطین اغوا نکنند  
آنها را... والان که شما جوانهای  
عزیز و همه دبیرستانها و همه  
دانشگاهها میخواهید گشور  
خودتان دست خودتان باشد  
استقلالش محفوظ باشد آزادی  
داشته باشید، طریق انسانیت  
را طی بکنید و بسکمال انسانی  
برسید و آنچه یکه انسان برای آن  
خلق شده است و بسا و برسد  
شیاطین بدست و بیافتادند که  
شما را منحرف کنند، آنها تیکه  
در مدارس می آید و بیاتلیفات  
سوتشان جوانهای نوس ما  
را اودار میکند به یک مسائلی که  
بساتصمیم آنها مخالف است  
و نمیخواهد ایضا تحصیل  
کنند... شما باید هر جا که  
هستید توجهتان توجه زیاد شما  
بر این مسائل باشد که مبادا یک  
وقت چشم بپوشید و ببینید گول  
خوردهاید. (ترجمان امام خمینی)  
روزی امام محنتی حرس  
علی (ع) فرماد و برادران خود  
را فراخواند و به آنان فرمود  
شما امروز کودکان اجتماعید  
و امید می رود در آینده بزرگان  
اجتماع باشید. در کسب علم و  
دانش بکوشید و هر کدامتان که  
حافظه قوی ندارید و نمیتوانید  
مطلب علمی را در خاطر خود  
صیقل کنید آنها را بسویسد و  
بوشتمند را در منزل نگهداری  
نمایند تا در موقع احتیاج از آن  
استفاده کنید (سخنار الانوار)  
والسلام

سوره های آخر حیات را نگاه کنید،  
شاهت عجبی به مظلومهای من  
دارند، از آنها که مور میبارد به این  
کتاب بنگرید، و دانه، فلسفه  
سارنیت.  
و عشق عادت شاهین است، و قبر،  
تحلیل تسلیحت، و دود، و هم  
سیاهیست، و فسق اشک و آب در  
انسانست، و چشمه قسمت سیال  
زندگیست و بار دیگر اقبانوس از  
تلاطم میایستد و ابرها از اطراف ماه  
میرسد و گلها و گیاهان گوش به  
زنگ درای درون میشوند، همه چیز  
از هبوط حکایت میکند، و هراس  
آشمتشان از جبین خاک هویدا است،  
و در افکته نبل، خاطره سیلی موسی  
موج میرد، و فلک حرا پر از تشویس  
وحی است، و از چه روست که امام  
میگوید و امر میگوید؟  
که ما مجسمهای خودیم، و در  
نمایش خود کف میریم و رنگ در  
تصاویر رنگی ماست و عمرها قانع  
کند، و اشک را با اراده آشتی دهید  
و بر فراز قله بایستید، تا رابط خاک  
و خدا بشاید که خون عسرامت  
میخواهد، و دستهای بریده نکان  
می خورند و چشمهای درآمده  
میگرید و آواز آرامگاه شهید می  
بر میخورد.

جمع بندی وجود غلط باشد، خزما  
بر چشم رویدادند، چه آسمانیت  
که پرند در آن پر نمیزند، و دو  
چشم که از ابتدا با هم بوده اند بویی  
احساس بیدلیل تو هستند و سوگند  
به سوگند و قسم به قسم، که سبزه  
بیتو سیاهست و لفظها لالند و خون  
ثانیه میریزد، و بوز که بیهوش آیم و  
بنتاب که بر خیزم، و شمع در موسم  
خویش مدفون است و نبض زنجیرها  
هراسان میرند و میلهها میلرزند و در  
نگاه برگس چیست؟ که زنبور را  
متواضع میکند و من سرریش دارم و  
باد بیهوده شتاب میکند، و مزاحم تبر  
نشود که خود خواهم افتاد، اگر او  
هدایتم نکند و درود بر مرگ و مرگ  
بر درود اگر که مجال لمس واقعیت  
تا کجا در احساس سسل و بیاس  
غوطه باید خورد و در چه زمانی  
بنفشه جزء هویت انسان خواهد شد؟  
و پرواز برزاقعات بلند اندوه،  
چه مهیب است که پره های پیرترین  
سیمرغا میریزد، و احساس حران  
باعث پژمردگیست و کی عمل پیوند  
لاله و یائیز با موفقیت انجام خواهد  
شد؟  
و فصلها را بهم بریزید، محجون  
متناسی از سیر بدست میآید، و

دارد، سبز است و گاه گاه لکه  
سرخیت و احتمال تصادف نیست،  
و او عجیب بزرگست، و طوق گردن  
من را بیایزید که «طوقی» شوم، و  
شوق قطره قطره چکیده و گونه من تر  
شد، و فوج درختان ترانه میخوانند و  
من در برابر کدام زیندم؟ سرو یا  
بلوط؟  
از سفر کویر بر گشتمام و از  
اینروست که طراوت در نگاه نیست  
و چه مرگهایی تولد یافتند، در آنجا  
که نیاز پدید آمد و زنجیر زمین به  
دست و پای سرو بود و آب تسیرته  
گشت وقتی که شکوفهها خندیدند،  
از کجا آغاز شد آن پایان بزرگ، و در  
کجای شب شکاف افتاد که آن لکه  
نور درخشید، مغز از محاسبه میترسد  
و سایه برگ بر خوشه تنهایی افتاده  
است شبی که شاخه تردید شکست  
در کجای فصل بود؟ و چه آشنای  
غریبیت؟ آن چهره بورانی که از  
تموج چهار رنگ اصلی پدید میآید، و  
خاطرات عمیقند و لیز میخورد  
احساس و تمام حواس من به  
برگهای ما کم میشود.  
تمام غلتها معلولند جز یک علت  
که از اتم جاودانگی است و بردبان از  
خودش پائین میآید، اگر که

سرد آب گریخت، و پروانهها در  
اقسون سبز دشت شناور شدند و  
عسل در فرارس خرس است، و  
بو قلمون حرص میخورد، و سگ به  
استخوانندی روزگار اعتراض کرد، و  
کوه، شیشه شیدای اسب را جواب  
داد، و سنگ از آرامشی به آرامش  
دیگر پناه برد و لشکر پیروز برگ بر  
فراز قلعه توت است، و براف از حالت  
خورشید آب شد و جویبار سیلی  
سخت به صخره زد، و برگه از ازدحام  
بنفشه عصیانیت، و من در ابتدای  
سایه خود هستم، و استنجد در کف  
دستم نماز میخواند، و شایعه میوه در  
دهان گلابیست، و زایمان زنبق، با  
نظارت زنبور است، و سکوت، سین  
آخست، و وصف حال ندارد و کشف  
در دوران است، و دارکوب به گوش  
درخت چه میخواند؟ عجب حکایت  
خیسیت بین ساقه و چالیز؟ و هر چه  
پاد سخن گفت لاله سر تکان میداد و  
بحث بین مورچه و دانه در گرفت و  
شیطان چه نسبت دوری دارد، و دریا  
و قطره، نسبت من با حداست، و  
عازفی سر گلبرگ، هو کشید، و  
کافری در برابر کاربیر توبه کرد، و  
عقل به خود اعتقاد ندارد، و عجه از  
کتاب عیبت، و دل بدیده عاشق  
میشود و هر چه حاکم در تصور خود

بودا تا جگاری کرد، و ترس بیم بر  
لب لفظهاست، و اشک عبیرت  
نمیگرید، و سلامتی بیمار شد، و نعره  
پشیمان است و در کویر، خاطره  
گردباد بچار میشود، و می در بساط  
ساقی نیست، و ساعر، لاغر شده  
است، و مولانا مشنوی میباید، و  
شمس فراریست و حافظ حافظه  
ندارد، و حافظه بی حافظ است، و  
عبیدزاکانی بوحه میخواند، و فرصت  
شیرازی از دست وصال شیرازی  
گرفته شد، و سنگ، عزل معجزه  
میکند، و هفت شهر عشق را دوچرخه  
دور زد، و عرق سگی اهل عرفان  
است، و ماده، تبصره ندارد، و معنی  
مفهوم نمیشود، و مگس مزاحم اوقات  
است، و زوره زوره میسکند، و دو  
قورت و نیم غروب باقیست، و روزنامه  
هارت و پورت میکند، و خوشبو با  
گلاب بهم زد، و گلهای پارچه پژمرده  
شدند، و قسط بر سر برج ایستاده  
است و نور میافشاند، و قمر در عقرب  
است، و بر روی پیکر اندیشه جای  
زخم سکوت است.

پس از ۲۲ بهمن  
سازگاری سایهها و سارها را  
ببینید، و به حکمت پدیدهها ایمان  
بیاورید، «تخصص» عابد عربی



واقعیتی است که با طرح خیالی آمیخته شده آنچه که مسلم است اینکه این هفت تن به این شکل جان دادند....

داستان مقبره داستان عجیبی نیست، اما سرچوردنهای آن ناساورانه جلوه میکند و گناه از حسرتی ناپاورانه خیر میدهد که مشکل میتوان باور کرد. داستان مقبره را تنها آنهایی باور میکنند که در این ماجرا قربانی شدند و چهرهای عرب و کاملاً ناشناخته را به حس خود دیدند.

داستان مقبره را تنها آنهایی باور میکنند که حشاش فراتر از عقل کورشان است و آجر ایسکه داستان مقبره داستان حرکات ناشناخته است. داستان سکوت مرموز و عجیبی است، داستان ششاعت عمیقی است در آنهایی که در این افسانه مرموز جان دادند و قربانی حس عظیم و مرموز و ناگهانی خود که به ناگاه، درون خویش یافتند شدند.

داستان مقبره را آنهایی باور میکنند که حشاش از آسمانهای دیگر اسرار مرموز و هول انگیز بودن را توسط نیروهای ناشناخته درون بسرعت و پرفرقت به سمت خود جذب میکند و این عده سحرآمیز میدانند که داستان مقبره داستان حس است ناگهانی که در خود حس خواهیم کرد.

داستان مقبره اصلاً عجیب نیست جریانی است که به گشت و فداکاری تعبیر میشود اما معلوم نیست که تا چه حدود بایستی در این کلمات توقف کرد و احساسات یکدیگر را در برابر هم قرار داد.

این واقعه در زمانی رخ داده است که بنا بر قدرت بر خاک و اهالی آن حاکم بود و به هر شکل که میخواست میزیست و حاکمها و اهالی آن را پرور میساخت. این جریان اصلاً رطبی به یاد ندارد.

باد تنها مثل موجودی پر قدرت و پر-تلفه این جریان را پدیدداشت کرد.

و... مکانهای دیگر متعلق مییازد.

جریان بدین قرار است که آریایی بود جنوبوار، که از هیچکس نمیگذاشت به عبارت دیگر گذشت در حس او جای میگرفت و شناختی بدان نداشت اما کور کورانه از بعضی جریانات و وقایع و گناه از بعضی مال و استقادهای و شهوسهای در گذر باد پراحتی میگذاشت. این آریاب چند منطقه عظیم را زیر فرمان خود داشت و از هر کسی که در منطقه او زندگی میکرد باج میگرفت و قدرتش رفته رفته با یاد برابری میکرد.

باد گاه بگاه به عظمت قدرت او میاندیشید اما خیلی مطمئن بود که او را از پای درخواهد آورد. این آریاب به کسی رحم نمیکرد هر کس در برابرش میایستاد حال خود را از دست میداد اهالی این مناطق بقدری ضعیف بودند که انتظار چنین جراتی از این عده نبود و این تصور معلوم نبود چگونه در بین سه نفر، در میان فکر آریاب جای خود را باز نموده که آن چنان گستاخی کرد.

هیچکس باور نمیکرد که با با گوراب چنین پسرانی داشته باشد.

با با گوراب هفت پسر داشت که همه مطیع او بودند.

چهار پسر برتر همانند پدر بموقع به آریاب باج و خراج میدادند و سه پسر کوچکتر که هر یک مانند بقیه مشغول به کار بودند ابتدا به ایر کار تن دادند اما عاقبت این تصور عجیب و مرموز در سرشان نشست که...

میانگه باج نمیدادند هرچی میخواهد بشد. با با گوراب به وحشت افتاد چهار پسر دیگرش بجای این سه تن به وحشت افتاده بودند.

وقتی خبر در گوش آریاب پیچید یکدفعه در سرش ناسرایی شسید و لحظه ای در خود به بی خودی خود بی برد یکدفعه به چشم آمد و فرمان داد که آن سه تن را بکشند. هر سه پسر با با گوراب گریختند. از ده خود به ده دیگر، یاران آریاب همه جا بدنبال آنها بودند. این سه پسر تصمیم داشتند که از منطقه این آریاب جویند و مالخواه خارج شوند پیوسته در این تصور میوختند

آریاب تمامی آن منطقه بود این وجود نامرئی بود و این سه تن اصلاً خبر نداشتند که در درون هیکل دوم آریاب در حال گریز هستند و راه گریزی نیست و اصلاً کسی چه میداند شاید آن حشرات نیز که بساگاه در این سه ظهور کرد از فکر آریاب به آنها رسیده بود.

هر سه در لاسلای کوچکی میگریختند این خیالی بود که آنها کرده بودند اما ایسبار با وحشت بیشتر به این دلیل که... راه گریز مسدود بود.

سواران به شتاب از پی آنها در کوچکی می آمدند و زمین زیر پای آنها می لرزید. هیچکس نبود که بگوید شما چرا ایجا هستید و چرا

بن بست بود. یک بیابان در برابر خود دیدند، هر سه ندرت حرکت میکردند اما دیگر فایده نداشت سواران آریاب به شتاب به آخر کوچه میرسیدند. یکدفعه چشمان آن سه تن به یک مزرعه گندم برخورد کرد. بدان سوستافتند. یاد همچنان در اندیشه بود که چه بکند و به کدام سمت حرکت نماید.

اما آن سه بدان سو شتافتند. در این مزرعه چهار مرد مشغول کار بودند.

چهار مرد مشغول کار بودند. هر سه وقتی شتاب این سه تن را دیدند، دست از کار کشیدند و



بسم الله الرحمن الرحيم

داستان مقبره

نوشته: ح- خادم

باید به این سرعت حرکت کنید و چرا باید بدنبال آنها بروید. اما همه آزاد بودند که نگاه کنند و در درون خود با آنها بجنگند، جنگی که بعدها برایشان نوعی وسواس میشد و عاقبت به سر یکدیگر میزدند. هر سه میگریختند، اما گویا ایسبار نفسها به آخر رسیده بود. اگر چه راه گریز باز بود

راهی به فراخی بک سیابان، اما در واقع به کوچکی رسیدند که

به آنها حیره شدند. هر سه خود را به آنان رساندند... و نفس زبان شروع به التماس کردند. خواهش می کنیم به ما جا بدهید مارو پنهون کنید سوارهای آریاب دنبال ما هستند به کاری بکنید. چی شده، چکار کردید؟

چی سرفت کردید، دزدهای بی شرم و حیا. - الانی به حق خودتون میرسید. - نه گوش کنید بپشیمان ماکاری.

نگردیم، مانم نخواهیم باج بدیم! خواهش میکنم، اینها میخوان مارو بکشند، به ما جا بدهید. - راست میگه فرصت خیلی کمه. - شما کی هستید؟ - ما پسرهای با با گوراب هستیم. - با با گوراب؟ - من می شناسمش. - مال دوتاده بالاتره. - زود باشید اونو رسیدند.

در این لحظه آنچه که باعث شد به آنها کمک کنند چه چیزی میتوانست باشد؟ یک گذشت! یک نوع آشنایی دور پایک نوع راز عجیب که توانسته بود بدان شکل تجسم یابد، آیا برآستی واقعیت داشت تصمیم آنها؟ آیا آنها تصمیم خود را گرفتند؟

یا خود را به تصمیمی ناگهانی سپردند که معلوم نبود از کجا به سمت آنان هجوم آورد. شاید به دلیل هیجان و کمی وقت بود که آنها خود را چون این سه یافتند که شاید باید با هم یکی میشدند و این نوع آشنایی مرموز و ناشناخته ای بود که هرگز هیچکدام به آن پی نبردند اما عاقبت یکی شدند یکی از آنها چهار تن گفت:

زود باشید مثل ما مشغول کار

بشید. - گول میخورند، مسرین زود باشید.

- اومدند. هر هفت نفر شروع به کار کردند سواران در برابر آنها توقف کردند. یکی از سواران چنین گفت:

به دقیقه صبر کنید، همتون به من نگاه بکنید.

هر هفت نفر یکی پس از دیگری صورت خود را در برابر آنها قرار دادند، سواران آنها را از نظر گذراندند و یکی از آن سواران چنین گفت:

سه نفر همین الان اومدند به سمت شما.

هر سه نفر خودشان بیان بیرون. زود باشید، ما از طرف آریاب پیغام و دستور داریم.

همه در سکوت زیر آفتاب بدنبال وورش بسازد بگریخت. حرف برید، اون سه نفر کدام یک از شماها هستند.

باد در حرکت و آفتاب در تابیدن و آنها در وحشت مانده بودند.

که ایستور، فقط مدت کمی به شما فرصت میدهم، اگه به امر ما توجه نکنید هر چی دیدید از دستور آریاب دیده اید.

هر هفت نفر به یکدیگر نگاه کردند.

یکی از آنها گفت:

- درباره چی حرف میزنید.

یکی از سواران چنین گفت:

- معلوم شد دروغ میگی ما از دور خوب دیدیم که اون سه تا اومدند بین شما، برای ما مشخصه که دروغ میگی، و فسایده نداره، زود باشید.

هیچکس حرف نمیزد.

پسران با با گوراب باورشان میشد گذشت و این حالت عظیم و غریب را که چگونه هیچکس نبود که آنها را لو بدهد. نه باد رونده و نه آفتاب که با همه آشنا بود حتی آن چهار نفر احمق. اما ایسبار عمل آنها از حماقت نبود سخن از گذشت و جریانی مرموز بود که برای هیچیک از آن جمع تازگی نداشت و همه آن جمع در برابر این امر مرموز و ناپاورانه هیچگونه شناختی نداشتند.

و معلوم بود که این واقعه برای چه رخ داد آیا کسی غیر از این عده در آن جمع بود که درسی بیاموزد؟

- فرصتون نموم شه.

- کسی حرفی نداره.

هیچکس حرفی نداشت و سواران کار خود را کردند. آنها از اسبها پیاده شدند و داخل گندمها رفتند اما از آن نخوردند، و تنها با خنجرهای خود سر از تن آن هفت نفر جدا ساختند و تن هایشان را در خاک غلطاندند.

که چه وحشتناک انجام دادند.

که چه بی اعتراض سر دادند و تن نگاه داشتند.

سواران بشتاب سرها را بسا خود بردند تا دلیلی بر انجام وظایف خود داشته باشند. عاقبت هر سه سر پسران گوراب شناسایی شد و تحویل با با گوراب شد.

چهار پسر دیگر گوراب وقتی این چنین دیدند با خود اندیشیدند که هرگز چنین جرات و تصوری در آنها بروز نخواهد کرد که روزی از فرمان آریاب سرپیچی کنند اما ایسبار این چنین دیدند با با گوراب هیچی نگفت زیرا دیوانه شده بود.

پس ارهشت روز حتی حرکتی هم نکرد زیرا مرده بود.

هر هفت سر را به باد دادند، تا راز این حماقت ویا راز این شجاعت و فداکاری و گذشت را بیابد. اما باد با ناپاورانه خود راحرکت میداد و تنها ذرات خاک را با هوا مخلوط می نمود و خود را در هر جا جای میداد زیرا نمی توانست به این جریانات این چنین پیاندیشد که عده ای بوده اند که سکوت مرموزی را خلق نمسودند و هیچکس نبود که این حالتها را بشناسد.

هر هفت تن را درون همان ده به خاک سپردند.

همه را در کنار یکدیگر، در کنار مزرعه گندم، دور از قبرستان، بعدها قبر این هفت تن یک مقبره شده. اکنون چندین قرن است که از این جریان عجیب و این گذشت مرموز و ناپاورانه میگذرد. با اینکه این موضوع کاملاً فراموش شده اما چند موضوع دیگر باقی مانده که باز میتوان عجیب باشد. یکی ایسکه خدمه این مقبره که اکنون یک زیارتگاه کوچک است می پندارد که هیچکس داستان این هفت نفر را نمی داند و به این حرف بقدری ایمان دارد که ما به دنیا و اطرافمان.

اما هر که خدمه مقبره این داستان را بازگو نکرده بود.

دوم ایسکه چرا بایستی این چنین گذشتی رخ دهد و چرا باید این چنین حس کرد که آنکه می میرد و آنکه جان می سپارد دیگری است؟

سوم آنکه چه دستی بود که وجود این هفت تن را به هم رساند و این چنین افکارشان را از تن هایشان قطع نمود. اینها چه رابطهای با یکدیگر داشتند، که این چنین در چند لحظه که ظاهراً استثنائی بود اما تفاوتی با لحظاتی دیگر نداشت حس عجیبی را یافتند و در آن ماندند و سر دادند؟ آیا چه کسی باید بداند که با ایسکه سرها صدها کیلومتر از تنها جدا مانده بودند اما تارهای عظیم و نامرئی زبانی این قطعه های فراموش شده را به یکدیگر متصل باقی گذاشته بود. و هر چقدر که از هم بیشتر فاصله می گرفتند ریشه این پیوند برای یک موجود نامرئی روشن تر میشد؟

دنیا با حرکات و اشکال و اجسام عظیم و کوچک و عجیب و عادی خود همه را گنج و منجر ساخته و معلوم نیست موضوع از چه قرار است.

هیچکس نمیداند که باد از کدام طرف آمده است.

اما همه دیگر میدانند که آن هفت تن یک تن شده است و بساد افکارش را بسرفت برده است و سعی میکند در خرابهای دور از آدمیزادها در لای تخته سنگی پنهان سازد.

تا زیر پای سواران آریاب لگد مال نشود.

با د عاشقانه عمل میکند. چونکه میدانند در جنگال طوفان اسیر است.

در خانه با با گوراب چهار هیکل گنده و باج ده و احمق جای گرفتند که اصلاً نمیدانند سه برادر داشتند که با با گورابان را پنهان ساخته.

روزی بر آریاب بنامه اما نه عاشقانه که بیرحمانه و این را افکار آن هفت تن از لای تخته سنگ در گوش باد خوانده است.

داستان مقبره



# اجرای تازه‌ای از نمایشنامه شب آخر در کاشان

نمایشنامه «شب آخر» هفته گذشته در سالن پرورشی فرهنگیان کاشان به روی صحنه رفت. این اجرا ظاهراً دومین اجرای نمایشنامه «شب آخر» است. که اولین اجرای آن توسط گروه تئاتر خوره اندیشه و هنر اسلامی در دانشگاه هنرهای دراماتیک صورت گرفت. نمایشنامه «شب آخر» را «محسن محملمی» نوشته و دکتر کتائب مجموعه نمایشنامه سوره بچاپ رسیده است.

در کاشان نمایشنامه توسط گروه تئاتر فجر به کارگردانی محمدعلی اشرفی به روی صحنه رفته است. بازیگران و سایر کوشندگان این اجرا عبارتند از: حمید کریمی سلول یک مصطفی خادمی سلول دو محمدعلی اشرفی سلول سه محمود هدایتیان ایاز وحید خسروی سلول پنج اصغر خادمی نگهبان امیر کریمی نگهبان رضا محمدی سرنگهبان ایرج خادمی سلمانی

**دکور و تهیه: خادمی نور و صدا: اصغر وطنخواه طراح و گریم: محمدعلی اشرفی**

با آرزوی موفقیت برای گروه تئاتر فجر و دیگر گروههای هنری مسلمان متعدد. در انتظار کارهای تازه تر گروه فجر هستیم.

**از بروشور نمایشنامه**

شب آخر، شب محک درجه ایمان، شب نلرزیدن، لرزیدن، شب آخر، شب چسبیدن به خاک از وحشت هدف، شب پرواز و اوج بسوی هدف.

«عما زده» شب آخر را آخر «وداند» و با هدف شب آخر را شب اول.

شب آخر، شب به سوچی رسیدن، شب همه معنی را یافتن، شب انتخاب صحیح و دقیق هدف

سلول ۳ میدانند مرگ پایان نیست - پله اول است، قرار از قالب است.

«ایما تکونوا یسدر کحکم الموت و لو کنتم فی بروج مشیده» (هر جا باشید، دریابد، شما را مرگ، و اگر چه در دژهای استوار باشید)

اعتقاد به حیات اخروی انسان را مقاومت میسازد.

ولی سلول ۲ نمیداند چیست او بر خویشتن حاکم نیست. نسنجیده مبارزه کردن، فقط مبارزه، مبارزه برای چه هدفی؟ لذت بردن از عمل ولذا به پوچی عمل ردگی رسیدن، که دردی است گذشته و مسردن «خود» شناختن. چه اگر «خود» شناختن و با نفس جنگیدن پروازی به ملکوت خواهد آغازید.

و بالاخره شب آخر شب به نه سلول چسبیدن، شب پرواز از لابلای میلههای زندان خویشتن، هر آنکس انگوبه میمیرد که میزید

## مکملی نشریه

### نامه نور

نامه نور از جمله ماهنامه‌هایی است که به کوشش فرهنگسرای نیاوران تهیه میشود و تاکنون یازده شماره از آن انتشار یافته، آخرین شماره آن که مجموعه شماره‌های دهم و یازدهم در یک جلد می‌باشد به بازار آمده است. بخش عمده این شماره به فرهنگ و هنر اصیل بویراحمد و کهگیلویه که مضمون تسهیه شده است اختصاص یافته. ضمناً یک خاطره از علی‌اکبر دهخدا به زبان خودش در این مجموعه جای دارد که بازگوکننده گوشه‌ای از سزارتهای این مرد سخت‌کوش است در پایان به معرفی یک سینماگر از جهان سوم اکتفا شده که این کار شاید گشایشی باشد برای شناساندن چهره‌های هنرمندان ملل تحت ستم.

این شماره در ۳۳۶ صفحه به بهاء یکصدریال عرضه شده است. ضمناً دو جلد جزء سوم و چهارم برگردان واژه به واژه قرآن مجید به زبان پارسی نیز از همین فرهنگسرا دریافت داشتیم.

انگوسه که گفتفاند این برگردانها تا ۳۴ جلد ادامه خواهد داشت که با نازلترین بها در دسترس هموطنان عزیز مسلمان قرار خواهد گرفت و انشاء... در فرصتهای آتی حرف و آنددی در باب این برگردانها داشته باشیم.

توفیق روزافزون فرهنگسرای نیاوران را در باروری هر چه بیشتر فرهنگ و هنر اصیل اسلامی خواهانیم.

این هفته نشریات امور پرورشی منطقه ۱۲ آموزش و پرورش به سرویس فرهنگی و هنری رسیده این نشریات از ابتدا سال تحصیلی ۵۹-۶۰ تاکنون از طریق انتشارات امور پرورشی این ناحیه منتشر شده است. این نشریات عبارت است از:

- ۱- حساب: تفسیری بر لزوم حجاب با احادیث و روایات
- ۲- سیاه چاکهای بی‌خبره و سواحب نفسی بر دورنمای مسرورموانع رژیم فاشیستی سادات
- ۳- کودکان فلسطینی در زیر چکمه‌های دژحسبان-نگرشی بر زندگی پرتشویش و سرگبار کودکان این سرزمین
- ۴- چهره رسام؛ پسرگزیدن زندگی ساهداف به زبان ساده (زیبتهای غیر ضروری صفحات از کیفیت حروه کاسته است)
- ۵- نودهای هسا، حسانان سرخ: سروریت بر عملکردهای ایس حزب از سال ۱۳۳۲ تاکنون..... و حسانان سرخ عنوان مناسبی است!
- ۶- روش تربیتی کودک، جزوه کوناهست در پیوند با عنوانش در انتظار حرکتهای فلسفی هر چه بیشتر امور پرورشی منطقه

۱۲



## نامه‌ای از مکاتیب محی ابن قطب

بسم الله الرحمن الرحيم

آدمی در دنیا یا در آفتی واقع است یا در مغفقت آفتی، آمن در این جهان آفریده نشده و چون آمن نیست می توان گفت که هیچ خیر نیست! اکنون وظیفه مسافران آدام چیست؟ باین محنت و عذاب و غصه واضطراب بسازیم و مامنی ۲ نجوئیم؟ نی نی صاحب همت بخود ایسن نپسندد و بکوشد تا مامنی برای خود بجوید چون در این جهان بستمحقق دانسته که مامنی نیست (البته) در جهانی دیگر (خواهد بود) چه ما یقین دانیم که بنای کار نشاید که بر محنت و اضطراب باشد چه محنت مقصود با لذات نمی باشد یقین اگر محنتی باشد آن مقدمه محنتی ۳ خواهد بود و اگر اضطرابی باشد آن برای آرامشی تواند بود، اما تا آن اضطراب که کند و آن آرامش که یابد ما جستی کنیم باشد که آرام نصیب ما گردد اضطراب برعه هر که باشد گو برای، این کار دولتست کخون تا که را رسده ای ولی من و ای حبیب من دولت ترا پیش آمده از خود بازگردان بدست و دندان آترا محکم گیر (ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم) ای ولی من وعده (بدا الاسلام غریبا وسیمود غریبا کمابدا) پرتوی افکنده لاجرم اهل حق که بحقیقت آن متحقق باشد همراهان و موافقان کم داشته باشد از این تنهایی متوحش شو و این روش که آغاز کرده از دست مگذار و دامن حق از دست مده که عاقبت کار متقیان سرافراز باشند و فاجران در سوز و گداز.

اگر دو روزی فجار را اعلام ۷ منصوب باشد و اتقیار را رایات ۹ مکبوب ۱۰ باک نباید داشت و نظر در عاقبت کار یابد گمشاقت ای ولی من و ای حبیب من غافلان چندین سخناترا افسانه دانند و بان فسوس آرنند! اما در پندار غلطاند حق جز این سخنان نیست و آن سخنان که ایشان گویند افسانه است برای آنکه این سخنان باقیه است که جاوید خواهد ماند؟ و سخنان ایشان و آنچه ایشان از آن سخن میسرانند تسایع شهوات فانیه است که با زوال آن شهوات زایل شود و بر صاحب خویش ظلمت و عذاب گردد! اما گمراه کرده خدا پراه نتوان آورد و خود صبر باید کرد که خدای حکیم است و والله یهدی من یشاه الی صراط مستقیم ۱۱.

«من عبدالله قطب الی فی نفسی و الی اخوانی التائبین العابدین الحامدین»

بسم الله الرحمن الرحيم

«فاعظم الله اجرنا فی الاخ الالهی الحبیبا لتایب مولیانمعین الملة والدين خلیل الله»، هان بیائید یاران تانیاساکیم وازیای نشینیم و برای آن مصرع که این برادر الهی را پیش آمد کار کنیم و تا این عقبه صعبه رادر قفانما فکنیم نان نخوریم و آب نیاشامیم یعنی آب و نانی که تناول آن بقصد تلذذ و تمتع باشد، تلذذ و تمتع بادا آخرت اندازیم چون برحمت خدای بجوار خدای رسیم و دوستان در آن بسوستان جمع شویم و

دیدار فایض الانوار پیغمبر خویش صلی الله علیه و اله به بینیم و دیدگان بر خاک قدم مبارکش بمالیم، و اخوان خویش را که سابق شده اند بر ما بایمان بساز بینیم. و در زمره ایشان مندرج گردیم آنگاه بدیدار دوستان طعام خوریم و شراب آشامیم و داد خود از کامرانی بستانیم که نفس آنجا الهی شده و راضیه مرضیه بخدای خویش راجع گشته هر لذت که باورسد خشنودی خدای عزوجل در آن باشد و وسیله مزید قربت اوبخدای عزوجل شود، هان عیش برای آتروز باز گذارید و امروز پسر زانوی محنت و مجاهده و مشقت و سهر و جوع و عطش و نامرادی و ناگامی نشینید که بس کام در عقب دارید «والعاقبة للتقوی» والسلام علیکم.

عمر بغایت عزیز و گرانبهاست و مال نیز بمشقت تمام بدست می آید، ندانم مردمان را چه افتاده که عمر و مال خویش صرف می کنند در چیزی که با ایشان باقی نمی ماند، عجب بیصرفه و نادانند، و آنچه با مردمان باقی نمی ماند چیست؟ حظوظ عاجل است هر چه در آن صرف کنند و اگر چه اندکی باشد اسراف است (انه لا یحب المسرفین) و هر چه برای خدا صرف کنند و در آن نیستی الهی داشته باشند غبطه است و اگر چه بسیار باشد (ان الله لا یضیع اجر المحسنین) ای حبیب من هر چه برای خدا کنی بکن و مترس و اگر چه بذل نفس باشد بسکون فا و هر چه نه برای خدا کنی مکن و اگر چه بذل نفسی باشد بفتح فا، بدانکه اکثر مردمان عکس این افتاده اند بسیاری که در راه هوی صرف کنند اندک شمارند و اندکی که در راه خدا صرف کنند بسیار دانند، اکثر خلق در ضلال اند بگواهی خدای عزوجل که (وان تطع اکثر من فی الارض یضلوك من سبیل الله) و جای دیگر می فرماید (ولکن اکثر الناس لا یعلمون) و بگواهی داود (ع) که فرمود (الالذین آمنوا و عملوا الصالحات وقلیل ما هم) ای حبیب من امیدوارم که تو و جماعت اخوان مگر از آن قلیل باشید، اما خواست من چه سود مگر شما خود خواهید و خواست من و شما چه سود مگر خدا خواهد ای اخوان اگر دل این راه رفتن دارید بتنها روی دل بنهید که این راهی است که سالکان آن قلیل اند و کمیاب:

روی در روی خود آرای عشق کیش نیست ای مفتون تراجز خویش خویش ای اخوان بوعده‌های خدا دل شاد دارید و بنشاط آن این راه میروید (ان الله لا یخلف المیعاد) بخدای شما سوگند که تا پیغمبران صفت عالم الهی کرده اند نان و آب جهان بر کام من تلخ شده و عیش این عالم بر من منغص شده، دلم درسینه طپان است برای آن همچون مرغ در قفس، نان و آب و خورد و خواب بر من حرام تا خود را با آنجا رسانم، و شما برادران الهی نیز همین عزیزیم مصمم دارید چنانچه هیچ شما را از آن باز نتواند داشت و یارویاور رفیق و هم درد باشید تا این را بپایان رسانیم بتوفیق خدای سبحانه والسلام.



# بازار

رساله دلگشای عربی:  
روزی مردی کوتاه قد  
بسداد خواهی پیش  
انوشیروان رفت و فریاد زد  
که من مظلومم.  
کسری گفت: کسی  
نمی‌تواند به کوتاه قامتان  
ظلم کند.  
مرد گفت: کسی که  
بر من ظلم کرده کوتاهتر از  
من است.  
«حجی» برای خرید  
خری به بازار میرفت.  
مردی پا او برخورد کرد.  
پرسید کجا می‌روی؟  
گفت: به بازار، برای  
اینکه خری بخرم.  
مرد گفت: بگو انشاءالله.  
«حجی» گفت: انشاءالله  
برای چه؟! خر در بازار است  
و «درهما» در آستین من  
چون به بازار وارد شد دزد  
به او زد و درهما را سرقت  
کرد، هنگام برگشتن همان

مرد از او پرسید از کجا  
می‌آئی.  
گفت: از بازار انشاءالله.  
پولهایم را دزدیدند  
انشاءالله. خر نخیریدم  
انشاءالله برگشتم مایوس  
ومتضرر بسوی خانه  
انشاءالله.  
کسی مردی را دید که  
بر خری مردنی سوار است  
گفت: کجا روی ایفلان.  
گفت: به نماز جمعه.  
گفت: وای بر تو امروز  
روز سهشنبه است.  
گفت: بهشت از آن من  
است اگر این خر مرا روز  
شنبه به «مسجد جامع  
برساند.  
روپاه را گفتند: چه حیل‌های  
می‌دانی برای رهائی  
از دست سگ.  
گفت: بیشتر از هزار حیل

وبهترین آنها آنست که نه او  
را بینم و نه او مرا ببند.  
اعرابی با پنج انگشت  
غذا می‌خورد. او را گفتند:  
چرا با پنج انگشت غذا  
می‌خوری.  
گفت: چه کنم بیش‌تر از  
اینها ندارم.  
زنی بیمار شد به  
شوهرش گفت وای بر تو چه  
کار میکنی اگر بمیرم؟  
گفت: اگر نمیری چه کار  
بکنم؟  
گر آنجانی به عیادت  
میریزی رفقت  
و بسیار بنشست. بیمار  
گفت:  
در عذابم از بسکه بر من  
وارد می‌شوند.  
مرد گفت: برخیزم و در  
را ببندم!  
بیمار گفت: بله اما از  
بیرون.  
گر آنجانی به بیماری  
گفت: دلت چه می‌خواهد؟

گفت: اینکه تو را نه بینم؟  
مردی زشتروی درآینه  
نگاه کرد و گفت خدا را  
شکر که مرا خلق کرد و  
صورتم را زیبا ساخت. غلام  
او ایستاده بود و می‌شنید  
چون از نزد او بیرون آمد.  
مردی پرسید ارباب تو  
در خانه باچه کسی صحبت  
میکند؟ گفت: تنها او  
در خانه است و به خدا دروغ  
می‌بندد.  
اعرابی به حج رفت و به  
مکه وارد شد پیش از مردم  
و به پرده کعبه آویزان شد و  
گفت:  
خدایا مرا بیمارز قبل  
از اینکه مردم مزاحم تو  
شوند.  
مردی ادعای خدائی  
میکرد. خلیفه دستور داد او  
را زندانی کنند. کسی براو  
وارد شد و گفت: خدا در  
زندانت است؟  
گفت: خدا در همه جا  
هست.

**تفسیر سوره یوسف:**  
مصطفی صلی‌الله علیه و  
آله روزی بحجره فاطمه  
رضی‌الله عنها رفت. علی را  
رضی‌الله عنه دید که از  
یکسو می‌گریست و فاطمه  
از یکسو می‌گریست.  
سید گفت: این جزع و  
زاری شما از بهر چیست؟  
گفتند:  
- امروز سه روز است  
تاسایل بدرخانه ما گذشته  
است.  
در شهر مرو زاهدی بود  
برسر کوهی صومعه‌ای  
ساخته بود و از خلق عزلت  
گرفته بود. شصت سال  
مجاور آن صومعه بود، قایم  
اللیل و صایم النهار بود.  
یک روز از آن صومعه  
بدرآمد بوضو ساختن.  
ابلیس بیچاره بر آن صومعه  
بگذشت آن بوی صفا بمشام  
او رسید از آن حالت  
خویش یاد آمد. در آن

صومعه رفت و در از پس  
بست و تسبیح آن زاهد  
برگرفت و در دل و دیده  
می‌مالید و زار می‌گریست.  
آن زاهد وضو بکرد و  
باز آمد. در صومعه بسته  
دید. گفت: مگر یکی از  
میریدان او در آنجا رفته  
است. در بگفت. ابلیس  
آواز داد کی کیست؟  
گفت: منم. همچنین  
تاسه بار. پس آتش فرقت  
در دلش ۱۸ الف عالم  
گرفت. از جا بگشت و در  
صومعه بگشاد و بیرون آمد  
و خود را در آن صورت  
بی‌نوری و مهجوری بدو  
نمود. گفت:  
- ای مرد نگر، تانگوئی  
کی من. تانگردی همچون  
من. هفتصد هزار سال  
همین راه رفتم که تو  
میروی، یکبار همین گفتم  
کی تو گفتی، گفتم «من»  
درویشی بخانه رابعه رفت و  
سؤال کرد کی: پاره‌ای  
نامم بده کی گرسنه‌ام و از  
درویشانم، رابعه گفت:

## برگزاری یک دوره مسابقات هنری

برگزاری مسابقات هنری فرصتی است تا هنرمندان آزاد در زمینه فعالیتهای هنری خویش آزمونی داشته باشند. در فصل هنری سال جاری دو مسابقه از سوی بنیاد هنر مستضعفین در ایران برگزار میشود. یک مسابقه در زمینه فیلمنامه نویسی و دیگری در زمینه نمایشنامه نویسی. این فرصتی است برای کلیه هنرمندانی که در رشته‌های فوق فعالیت دارند. با امید که این نحو مسابقات گشایشی باشد در تحرک هرچه بیشتر هنر اصیل اسلامی عزیز در ایران عزیز.

### الف: فیلمنامه

بخش فرهنگی بنیاد مستضعفان از کلیه هنرمندانی که در زمینه سناریو نویسی اثری آثاری آماده ویا در دست تهیه دارند دعوت مینماید تا در ارتباط با مسئولیت عظیمی که در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و فرهنگ اصیل اسلامی اجتماعی، سیاسی دارند در مسابقه انتخاب بهترین فیلمنامه شرکت نمایند، برای این مسابقه جوایزی به شرح زیر در نظر گرفته شده است که به برندگان تقدیم خواهد شد.  
مقام اول ۲۵۰/۰۰۰  
مقام دوم ۱۵۰/۰۰۰  
مقام سوم ۱۰۰/۰۰۰

### شرایط

۱- فیلمنامه‌ها باید دربرگیرنده جنبه یا جنبه‌هایی از انقلاب اسلامی، فرهنگ اسلامی، زندگانی مردان و زنان بزرگ تاریخ اسلام وایران، مسائل مربوط به جنگ تحمیلی، سیاست نه شرقی نه غربی، نقش رهبری در انقلاب اسلامی ایران و تاریخ مبارزات اسلامی در زمان اخیر و مفاهیم اجتماعی، سیاسی مناسب جامعه باشد.  
۲- فیلمنامه‌ها میتوانند، داستانی، مستند و عروسکی باشند و مدت آن

### نمایشنامه

بخش فرهنگی بنیاد مستضعفان از کلیه نمایشنامه نویسان در رابطه با مسئولیت عظیمی که در راه حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و فرهنگ اصیل اسلامی، اجتماعی، سیاسی، ادبی دارند دعوت می‌نماید در مسابقه نمایشنامه نویسی شرکت نمایند.  
جوایز این مسابقه بشرح زیر در نظر گرفته شده است که به برندگان تقدیم می‌گردد.

### ب: شرایط

۱- خط کلی و محتوای نمایشنامه‌ها باید یکی از موضوعات انقلاب اسلامی، فرهنگ اسلامی، زندگانی مردان و زنان بزرگ تاریخ اسلام و ایران، سیاست نه شرقی نه غربی، نقش رهبری در انقلاب اسلامی ایران و تاریخ مبارزات اسلامی در زمان اخیر، جنگ تحمیلی و مفاهیم اجتماعی، سیاسی، ادبی و اخلاقی مناسب جامعه امروز ایران باشد و به رشد فرهنگی و فکری کمک نماید.  
۲- کلیه نمایشنامه‌ها باید حداکثر تا تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۶۰ با پست سفارشی به بخش فرهنگی بنیاد مستضعفان واقع در عباس‌آباد جنب سینما شهر فرنگ و یا بطور مستقیم به دفتر مدیریت تولید تحویل داده شود.  
ضمناً این بخش در جهت تربیت و جذب عناصر علاقمند و متعهد به هنر انقلابی اسلامی اقدام به ایجاد کلاسهای در زمینه (تئاتر و بازیگری سناریو نویسی و کارگردانی و فیلمبرداری) نموده است علاقه مندان به شرکت در کلاسهای مذکور میتوانند از ساعت ۹ الی ۱۴ تا تاریخ ۶۰/۲/۳۰ به آدرس ذکر شده در بالا مراجعه نمایند. و با شماره تلفنهای ۶۲۳۸۴۱ تماس بگیرند.

### بخش فرهنگی بنیاد مستضعفان

## تصمیم

از میان قصه‌های رسیده  
نیم ساعت از زندگی اول گذشته بود که در کلاس باز شد، و مریم دوست قدیمی من وارد کلاس شد چشم‌های قرمز و رنگ پریده‌اش حکایت از خستگی او میکرد مریم آن دختر سر حال همیشگی نبود صدائی بیج بیج از ته کلاس بلند شد بچه‌ها مات و مبهوت چهره غم گین اورانگاه میگردند مریم دستش را بلند کرد و اجازه خواست بنشینید معلم با تکان دادن سراجسازه داد، وقتی مریم نشست من که کنار دست او مینشینم، گفتم: مریم جان، چرا اینقدر ناراحتی؟ گفت چیزی نیست این حرف را که زد من فهمیدم بیشتر از این نباید چیزی بپرسم. معلم درس را که داد طبق معمول همیشگی گفت ۵ دقیقه استراحت بچه‌ها کتابها را بسته دور مریم جمع شدند همه میخواستند ببینند چه شده است، چه اتفاقی افتاده است که او آنقدر گرفته و خرد شده است، مریم به هیچکدام از بچه‌ها جواب نمیداد، سرش را روی میز گذاشته بسود و در عالم خود غوطه ور بود، کلاس خیلی شلوغ شده بود، معلم وقتی دید که بچه‌ها یکجا جمع شده‌اند خطاب به بچه‌ها گفت: چه خبره؟ چرا دور مریم جمع شدین، مگه تا حالا اونو ندیدین، با صدای خانم معلم

همه بچه‌ها سر جایشان نشستند، معلم جلو آمد و روبه مریم گفت مریم حالت خوبه؟ مریم گفت بله، خانم معلم گفت قیافه‌ات که اینچنین نشون نمیده، مریم با صدائی که انگار از ته چاه بر میخواست گفت نه خانم، نه چیزی نیست. خانم معلم گفت اگر مشکلی داری به ما بگو تا با کمک بچه‌ها آنرا برطرف کنیم، ماهمه خواهران نوشته میترا بهادری  
تو هستیم، نمیتوانیم ببینیم که تو اینقدر ناراحت باشی، از معلم اصرار و از مریم انکار. بالاخره در حالی که اشک در چشمان مریم جمع شده بود نامهای را از جیبش در آورد و به معلم نشان داد، خانم معلم نامه را گرفت و شروع به خواندن کرد، هنگامیکه سرش را از روی نامه برداشت همه توانستیم چشمان پراز اشک او را ببینیم، بچه‌ها منتظر بودند.  
معلم با صدای گرفتاری گفت مریم عزیز به تو، تبریک و تسلیت میگم، خواهرت گفت مریم عزیز به تو تبریک و تسلیت میگم، خواهرت سعادت و لیاقت شهادت را داشت خوشا به سعادتش... هنوز حرفهای معلم تمام نشده بود که در یک لحظه تمام صحنه‌هایی که با



دروغ مگویی کسی گرسنگی سری است از اسرار حق تعالی، آنرا درسینه محض نهاد کی نگاه دارد، نه درسینه مفسدی که بعرض گاه آرد. ابودردا سه شب بحواب دید کی ملک تعالی او را سه دعا اجابت خواهد کردن. بیامد بنزدیک مصطفی صلی الله علیه وآله و قصه او را بگفت. سید گفت: بخواه تاجه میخواهی؟ گفت: یارسول الله آنچه تو خواهی مرا بهتر بود از آنچه من خود را خواهم. سید گفت: بخواست من رضا دادی تا آنچه بهتر بود می بخوای؟ گفت: بلی یارسول الله. گفت: اکنون تو آمین گوی تا من دعا گویم. آنکه سید دست مبارک بدعا برداشت و گفت: ملکا این ابوالدردا را چاشت روز وشام بهم مده. ابوالدردا گفت: دیگر گفت: بار خدایا

هرگز تن او را از اندک مایه درد خالی مدار. ابوالدردا گفت: آمین. سید گفت: بار خدایا فردای قیامت در هر مقامی که من باشم او را رارس جدامکن. \* \* \* ابراهیم شبیان رحمه الله علیه گوید کی: بااستاد خویش عبدالله مغربی بصحرا بیرون شدیم، تا ساعتی نظاره آثار و صنایع کنیم. ابراهیم گوید: من دست فرو کردم و گیاهی از زمین برکندم و ساعتی در دست بگردانیدم، پس بینداختم. استاد مرا گفت: ای ابراهیم نه سزاوار این بودی کی کردی، کی پنج خط ازین یک فعل تو دیدید آمد. - گفت: کدام است؟ گفت: یکی آنک تن خود را در هوس و بسازی برگماشتی- دیگر که مسیحی را ازت مسیح بازداشتی، وان من شی الایسیح بحمده- سیم

دیگران را راه درمثال معامله گشادی- چهارم بی حاجتی بر گزفتی- پنجم، بی حاجتی فرو نهادی- بر خیز از من جدا شو- آن کسی که در ضمن یک فعل او پنج خط باشد، اونه باب صحبت مایاشد. \* \* \* ابراهیم شبیان رحمه الله علیه گوید کی: بااستاد خویش عبدالله مغربی بصحرا بیرون شدیم، تا ساعتی نظاره آثار و صنایع کنیم. ابراهیم گوید: من دست فرو کردم و گیاهی از زمین برکندم و ساعتی در دست بگردانیدم، پس بینداختم. استاد مرا گفت: ای ابراهیم نه سزاوار این بودی کی کردی، کی پنج خط ازین یک فعل تو دیدید آمد. - گفت: کدام است؟ گفت: یکی آنک تن خود را در هوس و بسازی برگماشتی- دیگر که مسیحی را ازت مسیح بازداشتی، وان من شی الایسیح بحمده- سیم

درد و بلا را راحت بیند. \* \* \* ای پسر، اگر شاعر باشی جهد کن تا سخن تو سهیل مستمع باشد و بسپرهیز از سخن غامض و بیچیزی که تو دانی و دیگری نداند که بشرح حاجب افتد مگویی، که این شعر از بهر مردمان گویند- نه از بهر خویش و بوزن و وقایف قناعت مکن و بی صناعتی و تربیتی شعر مگویی، که شعر راست ناخوش بود. \* \* \* اگر طالب علمی باشی پرهیز گار و قانع باش و علم دوست و دنیا دشمن و بردبار و خفیف روح و دیرخواب و زودخیز و حریص بکتابت و متواضع و ناملول از کار و حافظ و مکرر کلام و متفحص سیر و مستجس اسرار و عالم دوست و باحرمت و اندر آموختن حریص و بی شرم و حق شناس استاد خود- \* \* \* چنان شوندم که مردی

سحرگاه بتاریکی از خانه بیرون آمد تا بگرمايه رود، در راه دوستی را از آن خویش بدید. گفت: موافقت کنی بامن تا بگرمايه رویم.- دوست گفت: تا بدر گرمايه باتو همراهی کنم، لیکن در گرمايه نتوانم آمد که شغلی دارم. \* \* \* تا بنزدیک گرمايه با وی برفت، بسر دوراهی رسید و این دوست پیش از آنکه دوست را خبر دهد بازگشت و براهی دیگر برفت، اتفاق را طراری از پس این مرد همی آمد. از قضا این مرد باز نگرست طرار را دید و هنوز تاریک بود، پندداشت که آن دوست اوست، صد دینار در آستین داشت، بر دستارچه بسته، از آستین بیرون کرد و بدان طرار داد و گفت: ای برادر این امانت است بگیر تا من از گرمايه برآیم

بمن بازدهی، طرار زر از وی بستد و هم آنجا مقام کرد، تا وی از گرمايه برآمد، روشن شده بود. جامه پوشید و راست برفت، طرار او را باز خواند و گفت: ای جوانمرد، زر خویش بازستان و پس برو، که امروز من از شغل خویش بازماندم از جهت امانت تو. مرد گفت: - این امانت چیست و تو چه بودی؟ طرار گفت: من مردی طرارم و تو این زر بمن دادی تا از گرمايه برآی. مرد گفت: اگر طراری چرا زر من نبردی؟ طرار گفت: اگر بضاعت خویش بر دمی اگر ای حرار دینار بودی نه اندیشیدمی از تو و یک حو باز ندادمی، ولیکن تو برینهار بمن سپردی و در جوانمردی نباشد که برینهار بمن آسندی، من بر تو ناخواهم مردی کردمی شرط مروت نبودی.

**«حدیث روز»**  
بقیه از صفحه ۲۰

میمنی عوامل دشمن شروع میکند به محاشی و احیاناً مشت ناری اوقفت است که عدای از همه جا بی حد دعوی حقیقی را شروع میکند و احتمال دارد عدای در این بین رحمی شوند، آیا عوامل دشمن هم که این غائله را بنا کرده اند هنوز هم آنجا هستند؟ نه آنان در نقطه دیگری در حال بر پا کردن غائله دیگری هستند.

می پرسیم ایضا چه کسی زیان میکند و چه چیز پایمال میشود؟ مسلماً ریانش را ملت مسلمان ایران میبرد و خون شهدا نیز پایمال میشود، ایست که باید سخت هوشیار باشیم.

انشاء... که ما هوشیاری ملت مسلمان ایران همچنان که تاکنون بوده دشمنان اسلام و ایران این آرزو را باید بگور ببرند همواره به هنگام نماز و دعا بخوایم که (خدایا ما را به راه راست هدایت کن) و چون از سر صدق حواسیم او نیز بخشنده است.

**سلام و رحمت خدا بر شما**

# از جنگ تا جنگ

تاریخ نشان داده است که تنها در سایه اسلام و خط راستین امامت و ولایت فقیه و رهبری اصم که میوتان از دستاوردهای انقلاب پاسداری نمود، او میگفت شماها باید باهم متحد شوید و نگذارید گروهکهای آمریکائی و منافق در بین شماها رخنه کنند، صدای معلم مرا به خود آورد، به مریم گفت تو که حالت خوب نیست چرا به مدرسه آمدی؟ بیشتر بچهها گریه میکردند، حتی بیستفوتها، مریم اشکهایش را پاک کرد و گفت: نه من نباید مدرسه را رها کنم، من به فاطمه و حسین قول دادهام، حتی اگر خبر شهادتشان را شنیدم این سنگر را رها نکنم، تا دشمن چشمش کور شود، و در صدد برنیاید که در مدرسه توطئهچینی کند، حرفهایش را نیمه تمام گذاشت و در میان بهت و انتظار معلم و شاگردان رفت که دست و رویش را بشوید.

**«والسلام»**

**نامههای شما رسید:**

میان... عزت... یگانه قم- جواد محدثی در فول-م- کوی شیراز- احد دهبزرگی زاهدان- ادریس داودی قم- حسین عسنادان سمنان- محمد مهدی سیستانی تهران- حسین حق پناه تهران- پیرویز وکیلی تهران- محمدراد مردانی یزد- مهریز-

دقیقا یکماه به جنگ مانده بود که به آبادان رفتم، شهر شلوغ و پر جمعیت بود، مردم رنگی عادی خود را داشتند. کمی در حیابانهای آن قدم زدم، به بازار رفتم و از نقاط مرکزی شهر دیدن کردم در دیوار شهر با شعارهای مختلف رنگی شده بود، شعار روی شعار، خطوط در هم و برهمی را روی دیوار شان میداد. در این میان بیش از همه شعارهای چپی و خلقی بود که نظر هر بینندهای را بخود جلب میکرد. کلمه های «محمک است»، «نابود است» مرگ بر... «باید گرده» و از این قبیل بیشتر خلوی چشم صد

آرائی میکردند. همه این جملهای آب و رنگ دارو خوش خط و خال در ابتدا تحرک و تلاش این گروهها را برای خلق پیام انداخت و وقتی به اطراف دارائی زیر سیما رکتس و سیما شیرین رسیدم، چهره های سیل در رفته و قیافه های نامنوس را دیدم که هر کدام ساط گروه خود را پهن کرده و با نگاههای تند و خصمانه که حاکی از نگرانی آنها از عکس العمل خلق بود به آنها می نگرستند اصحا خلق هم با نگاههایی که حاکی از برآری از بازار آنهاست از کنار آنها می گذشت اما بعضی که بیگار بودند می ایستادند، چون کمی هم دیدی و تماتاتی بود. عکس داس و چکشها و قیافه های سویر دولوکس دخترهایی که توی بقیه می تولیدند کتابهای حبسی، روسی، آمریکائی، آلبانی، آلمانی... عکسهای حراشیده و تراشیده های با ریش و پشمهای فراوان و سیلهای چمقایی با اسامی قلمبه و سمنه پسوند و پیشوند دار، واژه ها و اصطلاحات دهان پرکن وارداتی، هر کدام نوع تازه ای به مفر که داده بود و جادبه ماندن را بیشتر میکرد. من از روی خوش باوری پیش خود گفتم: که اگر یک روزی امپریالیسم به ایران حمله کند این پیشگامان خلق جلوتر

فاطمه شهید و مریم بودم به یاد آوردم. آری، آنها همسایه قدیمی ما بودند، وقتی که دست چپ و راست خود را شناخته بودم، فاطمه چهار سال از ما بزرگتر بود و دو سال بود که دیلم خود را گرفته بود، از اول انقلاب فعالیت او و برادرش حسین چشمگیر بود وقتی هم جنگ شروع شد حسین در بسیج تعلیم دید و عازم جبهه شد و فاطمه با اجازه کتبی از پدر و مادر و سپردن تعهد به گروه امداد پیوست و پس از تعلیم یکماه بعد از حسین به جبهه رفت و در یکی از بیمارستانهای آبادان شروع به فعالیت کرد، در طی دو ماه که رفته بود یک بار آمد و چند روز در اینجا ماند در طی مسافرتش به شهرش دوبار او را ملاقات کردم یکبار با پدر و مادرم همراه بودم و دفعه بعد تنها رفتم من و مریم را به اتاقش برد و ما را از وضع جبهه با اطلاع کرد، او از بیمارستانی که در آن بود

از اینکه چند نفر زخمی را مداوا کرده، از فداکاریهای دوستانش و بالاخره از حماسه آفرینیهای برادران و خواهران که در جبهه می جنگیدند و یا به مداوای زخمیها میپرداختند، در آخر سخنانش ما را نصیحت کرد که در سمان را بخوانیم و کوشش کنیم که مدرسه را به سگری مستحکم تبدیل کنیم. او میگفت تجربه







تصمیم جدی یعنی ها....

توسعه دانش در عراق دریافت کرد، به خاطر ابراز تمهید پایدار انماش در برابر اسلام، روز سه شنبه هیجدهم دسامبر ۱۹۷۹ به مرگ محکوم شد.

تاریخ بعث در عراق، تاریخ خونریزی و کشتار علما و محققان است، حتی قدرت استعماری انگلستان وقتی علما علیه آن شورش کردند، این گونه اعمال شرورانه را مرتکب نشد.

در اوایل سال ۱۹۷۴ نیز، یعنی پنج عالم برجسته را اصلاً به هیچ دلیلی جز آن که آنها به خاطر اسلام ایستادگی می کردند، کشتند. این علما به قرار زیرند: شیخ عارف البصری، شیخ عمادالدین تبریزی، سیدعزالدین القبانچی، سیدنورالدین تواما و سیداحمد علی جولوخان، پیش از آنها، قتل وحشتناک شیخ عبدالعزیز البدری در زندان روی داد.

جنبش اسلامی در عراق، برای تأسیس یک حکومت اسلامی می کوشد. پس از آن که یک دولت اسلامی در ایران بر اساس قوانین شریعت تشکیل شد، وضع عراق بسیار خطرناک شده است. با نفوذ انقلاب اسلامی ایران، رژیم بعث عراق خطری را که در برابر آن قرار دارد، آشکارا پیش بینی کرده است. از این روست که این رژیم تبلیغات سازمان یافته ای را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است و اتهاماتی را بر این اساس وارد کرده است که انقلاب ایران، ویژگی اسلامی ندارد، بلکه یک انقلاب ایرانی است رژیم بعث عراق بدین سان صحنه پرستی جنون آمیز اعراب را تشویق کرده است. رژیم بعثی مسانده آب در سراسر جهان پول خرج می کند تا اعتبار ایران کنونی را مشکوک جلوه بدهد و آن را بدنام سازد. اخیراً عراق جنگ اعلام نشده ای را علیه ایران آغاز انجام داده است و بدین سان مقاصد شرورانه و طرح های نفرت انگیز خود را ثابت کرده است.

بقیه از صفحه ۸  
«ناظم گزار» رئیس وقت سازمان امنیت، گفت که او نوعی وسیله شکنجه را به کار می برد که هیچ کس نمی تواند تصور آن را بکند. او «گزار» گفت این وسایل، حتی مردگان را وا می دارد تا سخن بگویند.

یعنی با نگاهداری زندانیان اعتقاد ندارند و آنها زندانیان را می کشتند. با این همه، پاره ای از گزارش ها و از جمله گزارش «بین الملل عفو»، شمار زندانیان را دست کم ۲۰۰۰ تن بر آورد کرد. بر اساس اطلاعات موثقی که منابع داخلی ارائه کرده اند، بین پانزدهم و بیست و ششم مارس، آنها ۲۰۰ تن را اعدام کردند و ۴۰۰ تن در انتظار کشته شدن هستند، یعنی «به نحو قانونی رژیم عراق همیشه از این که به سازمان های حقوق بشر اجازه دهد از زندان هایش بازدید کنند، سرباز زده است.

ناجوانمرده ترین و وحشیانه ترین رفتار، با آیت الله باقر صدر شده است که یکی از برجسته ترین علمای عراق بود. او کتاب های محققانه بسیاری مانند «اقتصادهای ماء و فلسفه ماء» نوشته بود که برتری اسلام و طریز تفکر اسلامی را به عنوان یک راه کامل زندگی ثابت می کند. آشکار است که اینها به عنوان یک خطر جدی برای مسلک بعث تلقی شده بود.

آیت الله صدر از اوت ۱۹۷۹ در خانه تحت نظر قرار داشت. نه ماه بود که هیچ کس نمی توانست با او دیدار کند و او نیز نمی توانست کسی را ببیند. او در روز شنبه پنجم آوریل برده شد و چهارشنبه آینده اعدام گردید. چنین می نماید که تنها هدف رژیم آن بوده است که به مردم نشان بدهد که می تواند بهر چه باشند. دکتر «حسین شهرستانی»، درخشان ترین دانشمند اتمی که در سال ۱۹۷۶ جایزه ریاست جمهوری را برای کمک خود به

فوتبال در جهان

هلند:

تیم فوتبال آزد ۶۷ با وجود اینکه مسابقات قهرمانی باشگاه های هلند به پایان نرسیده از پیش با کسب ۵۷ امتیاز از ۲۸ بازی به مقام قهرمانی رسیده است.

تیم آزد ۶۷ در آخرین دیدار خود ۵ بر یک توانست از سد تیم فاینورد بگذرد.

رده بندی: آزد ۵۱، ۶۷ امتیاز ۲- اوترشت ۴۰ امتیاز ۳- فاینورد ۳۹ امتیاز ۴- آزاکس و ایندسون ۳۸ امتیاز ۶- توئنت افشد ۳۵ امتیاز.

برزیل:

تیم فوتبال گرمیو با شکست دادن تیم ساکوپولو تیم سرشناس و محبوب برزیلی توانست به مقام قهرمانی جام طلائی ۱۹۸۱ برسد گرمیو در دیدار رفت در مقابل ساکوپولو با نتیجه ۲ بر یک پیروز شد و در دیدار برگشت نیز توانست یک بر صفر این تیم را شکست بدهد تنها گل این دیدار سرتوشتماز توسط بالتاز به ثمر رسید.

ایتالیا: در این هفته تیم فوتبال اینترانتربیلان در خانه خود مغلوب اسکولی شد و در مقابل ۱۸ هزار تماشاگر با شکست ۲ بر یک در مقام چهارم باقی ماند اما با بازی هایی که در پیش دارد وضعی نگران کننده پیدا کرده است.

رده بندی: ۱- یوونتوس ۲۹ امتیاز ۲- رم ۳۸ امتیاز ۳- ناپل ۳۶ امتیاز ۴- اینترانتربیلان ۳۱ امتیاز ۵- فیورنتینا ۲۸ امتیاز ۶- بولونی و کاتانزارو ۲۷ امتیاز.

انگلستان:

تیم فوتبال آستون ویلا پس از ۷۱ سال انتظار توانست بر سکوی قهرمانی باشگاه های انگلستان بایستد آستون ویلا با ۶۰ امتیاز که کسب کرده بود با شکست ۲ بر صفر مقابل آرسنال بازم به مقام قهرمانی رسید. رده بندی: ۱- آستون ویلا ۶۰ امتیاز ۲- ایپسویچ ۵۶ امتیاز ۳- آرسنال ۵۳ امتیاز ۴- وست برومیچ ۵۱ امتیاز ۵- ناتینگهام ۵۰ امتیاز ۶- ایورپول ۴۹ امتیاز

بدنیست بدانیم که:

● طبق آزمایشی که از طرف فدراسیون بین المللی فوتبال بر روی ۱۴۰۰ حادثه برخورد در فوتبال انجام گرفت ۱۵٪ این حوادث مربوط به سر و ناحیه بالاتر از گردن، ۱۰٪ مربوط به حوالی سینه و ۷۵٪ بقیه مربوط به اندام های پائین تر بودند.

● اسکیت (چرخدار) برای اولین بار در سال ۱۸۱۵ توسط یک فرانسوی بنام (گارسین) ابداع شد. انگیزه این کار پیدا کردن راه حلی برای انقطاع و وقفه در ورزش (اسکیت روی یخ) در فصل تابستان بود.

● ایسلند، با دویست و نوزده هزار نفر جمعیت جمعا ۱۵۵ زمین بازی و دوازده مرکز ورزشی دارد و حدود سی درصد جمعیت آن ورزشکارند.

● کمیته ملی المپیک کویت رسماً خود را کاندیدای برگزاری دهمین دوره بازیهای آسیائی ۱۹۸۶ نموده است.

رکوردهای رسمی المپیک مسکو ۱۹۸۰

دو و میدانی (زنان)  
۱۰۰ متر (صد متر)

- ۱- لود میلان کوندراپتوا (شوروی) ۱۱/۰۶
- ۲- مارلیر گور (آلمان شرقی) ۱۱/۰۷
- ۳- اینگریداورس والد (آلمان شرقی) ۱۱/۰۱۴
- ۲۰۰ متر (دویست متر)
- ۱- باربل ووکل (آلمان شرقی) ۲۲/۰۳
- ۲- ناتالیا بوجینا (شوروی) ۲۲/۱۹
- ۳- مرلین اونی (جامائیکا) ۲۲/۲۰
- ۴۰۰ متر (چهارصد متر)
- ۱- مارینا کوخ (آلمان شرقی) ۴۸/۸۸
- ۲- حارمیلکو اتوچویلووا (چکسلواکی) ۴۹/۴۶
- ۳- در، ستینا لاتن (آلمان شرقی) ۴۹/۶۶
- ۸۰۰ متر (هشتصد متر)
- ۱- نادزدا اولیزارنکو (شوروی) ۱/۵۳/۵
- ۲- اولکاسینوا (شوروی) ۱/۵۴/۹
- ۳- تاتینا ناپروویدو کتیا (شوروی) ۱/۵۵/۵
- ۱۵۰۰ متر
- ۱- تاتینا ناکازا نکینا (شوروی) ۳/۵۶/۶
- ۲- کریستین وارتن برگ (آلمان شرقی) ۳/۵۷/۸
- ۳- نادزدا اولیزارنکو (شوروی) ۳/۵۹/۶
- ۱۰۰۰ متر (بامانح صفا)
- ۱- ورا کومیسروا (شوروی) ۱۲/۵۶
- ۲- حووانا (آلمان شرقی) ۱۲/۶۳
- ۳- لوجینا لنگر (لهستان) ۱۲/۶
- ۴۰۰۰ متر (چهارصدمتر)

- ۱- روسی مولر - باربل ووکل - اینگرید بورس والد - مارلیر گور (آلمان شرقی) ۴/۱۶/۰
- ۲- ورا کومیسووا - لودمیلاناسالا کواوا - ورا آنی سیمووا - ناتالیا ووچینا (شوروی) ۴/۲۱/۰
- ۳- هیتوهانت - کاترین اسمالوود - بیورلی گودارد - سویلا لاسامس (بریتانیا) ۴/۲۴/۳

یوگسلاوی قهرمان بسکتبال معلولین شد



تیم بسکتبال معلولین ایران که در مسابقات بین المللی بسکتبال معلولین در کشور یوگسلاوی برگزار شد شرکت نمود و پس از انجام چهار بازی به مقام هفتم این دوره از مسابقات رسید در این تورنمنت ۷ تیم شرکت داشتند که فرانسه و یوگسلاوی هر کدام دو تیم و سوئیس - اتریش - ایران با یک تیم شرکت کرده بودند. این مسابقات در سطح بسیار بالائی برگزار شد. فینال این مسابقات را دو تیم فرانسه و یوگسلاوی برگزار نمودند که در پایان تیم یوگسلاوی توانست با نتیجه ۳۳ بر ۲۹ از سد تیم مولوز بگذرد و به مقام قهرمانی این دوره از مسابقات برسد لازم به تذکر است که تیم معلولین یوگسلاوی صاحب عنوان سوم جهان است در این بازیها تیم ایران با ۱۰ ورزشکار و ۸ همراه شرکت نمود که از جانب مسئولین ورزش کشور یوگسلاوی و تماشاگران تیم ایران مورد استقبال فراوان قرار گرفت بازیکنان معلول ایران در روز افتتاحیه با عکس امام روزه رفتند و با این عمل تحسین تماشاگران را برانگیختند.



جمعه ۲۵ اردیبهشت  
(۱۰ اردیبهشت، ۱۵ مه ۱۹۸۱)

۱۹۵ هـ ق: حضرت حواد  
الانمه، امام محمد تقی (ع)  
نهمین پیشوای مسلمانان  
جهان چشم بجهان گشود.  
امام جواد که تا سال ۲۲۰ هـ ق  
حیات داشت در مرثیه‌نامه ما  
«صغیر السن و کبیر القدر»  
توصیف شده و فقط ۲۵ سال  
در شرایطی زندگی کردند که  
جامعه اسلامی در اثر سیاست  
بازپهای ضد اسلامی حکام  
عباسی، دستخوش آشوب  
«سیاست تمکیک فریق  
اسلامی» بود. امام در کمال  
فصاحت و بلاغت و در اوج  
دانش و فقاقت بشر و تبلیغ  
اسلام پرداخت و حتی در سن  
دهسالگی در یکی از سفرهای  
حج به سی هزار مساله مشکل  
فقهی مسلمانان پاسخ دادند.  
۱۲۷۰ هـ ش: امتیاز تباکو به  
فتوای آیت الله میرزا حسن  
شیرازی لغو شد. روحانیت مبارز  
یکبار دیگر قدرت الهی و  
نامحدود خویش را برای بسیج  
توده‌های عظیم میلیونی  
مسلمانان علیه استبداد داخلی و  
استعمار به نمایش گذاشت و  
پیروز شد.  
۱۰۶۴ هـ ش (۱۶۶۸ م): امپراتور  
مستبد و مستکبر اتریش لئوپولد  
اول، بیدادگاه معروف «پیری» را  
در هنگری (مجارستان امروزی)  
برای سرکوب انقلاب شجاع  
تشکیل داد این بیدادگاه که در  
تاریخ سیاه حسابات مستکبران  
اروپائی به «قصابی پیری»  
معروف است بیش از ۸۰۰۰  
نفر را در مدت ششماه توسط  
سی جلا اعدام کرد.

۵۱۹۹ ش (۱۸۲۲ م)  
جمهوریخواهان پرتغال علیه نظام  
سلطنتی قیام کردند. نتیجه این  
انقلاب خونین فرار پادشاه پرتغال  
به برزیل و اعلام جمهوری در  
کشور پرتغال بود.  
۵۱۲۴۰ ش (۱۸۶۳ م)  
نخستین کنفرانس بین‌المللی  
ژنو برای ایجاد یک سازمان  
خبریه جهانی در اثر پیشنهاد  
«هاری دونان» و دو شخصیت  
دیگر و با شرکت ۱۶ نماینده از  
کشورهای اروپائی تشکیل شد.  
«سازمان صلیب سرخ جهانی»  
در نتیجه این گرد همائی تأسیس  
شد.  
۱۲۰۶ هـ ش (۱۸۲۹ م):  
روستائیان شجاع و استقلال  
طلب ایرلندی که توسط  
ملاکین انگلیسی از زمینهای  
خود رانده شده بودند، در یک  
سازمان سیاسی گرد آمدند که  
«جمعیت آزادیخواهان ایرلند»  
موسوم بود و توسط «پارنل»  
سیاستمدار و مسیهدوست  
ایرلندی تأسیس شده بود.  
آنچه امروز در سرزمین ایرلند  
میگذرد ادامه همین قیام  
مکرر آزادیخواهان ایرلندی  
است که پیوسته توسط  
استکبار و استعمار پیرانگلیس  
سرکوب شده‌اند.  
۵۱۳۲۵ ش (۱۹۴۸ م):  
صهیونیسم جهانی به کمک  
استعمار و امپریالیسم سرزمین  
پاک فلسطین را اشغال کرد و  
صدها هزار فلسطینی مسلمان و  
مسیحی را از کاشانه‌های شان  
آواره ساخت و فاجعه‌ای را بوجود

## از آدینه تا آدینه در بستر تاریخ



میرزای شیرازی، رهبر جنبش تباکو

آورد که هرروز بر ابعاد آن افزوده  
میشود و کانون اصلی بحران  
های منطقه خاورمیانه را تشکیل  
میدهد.  
۵۱۳۳۲ ش (۱۹۵۵ م):  
کشور جمهوری اتریش،  
بعنوان یک کشور «بیطرف»  
استقلال خویش را مجدداً اعلام  
کرد. بعد از جنگ جهانی دوم  
کشورهای متفق (روسیه، آمریکا،  
انگلیس و فرانسه) اتریش را بجزم  
کمک سیاسی به آلمان نازی  
اشغال کرده بودند.  
شنبه ۲۶ اردیبهشت  
(۱۱ اردیبهشت، ۱۶ مه)  
۱۳۵۶ هـ ش. معلم شهید،  
دکتر علی شریعتی که برای  
مستندسازی سوی عوامل رژیم  
منحوس و وابسته گذشته تحت  
نظر بود، و از هرگونه فعالیت  
سیاسی و فرهنگی منع می‌شد.  
بلاخره با استفاده از نام علی  
مزینائی توانست به خارج از  
کشور هجرت کند. او در نظر  
داشت در دوران هجرت خویش  
فصلی تازه در زندگی سیاسی  
خود و نیز ملت مسلمان ایران  
بگشاید. اما اجل فرصت نداد.  
شریعتی پس از آنکه یک ماه از  
عمر نازنین خود را در تدارک  
مقدمات کارش گذارند، پناگاه  
بدست ایادی شاه در ۲۹ خرداد  
همان سال شهید شد. خدای او را  
رحمت کند، و من یخرج من بیته  
مهاجر الی الله و رسوله ثم یدر که  
الموت فقد وقع اجره علی الله.  
۸۲۶ هـ ش (۱۴۴۹ م): امیر  
علیشیر نوائی ادیب و سیاستمدار  
معروف عصر تیموریان در  
خانواده‌های ادب دوست چشم

بجهان گشود. نوائی که در زمان  
سلطنت حسین بایقرا بوزارت  
رسید. آثار منظوم و منثور  
فراوانی بجا گذاشته است.  
۸۷۹ هـ ش (۱۵۰۲ م):  
سرزمین هند و راس، در آمریکای  
مرکزی که باصطلاح توسط  
کریستف کلمب، «کشف» شده  
بود، عملاً در قلمرو تصرفات  
آمریکائی اسپانیا شامل ساخته  
شد. و بدین ترتیب دوران سلطه  
۳۱۳ ساله این کشور استعماری  
بر سرزمین هند و راس آغاز شد.  
۱۱۸۹ هـ ش (۱۸۱۲ م):  
سلطان محمود دوم امپراتور  
عثمانی باتزار الکساندر اول،  
قرارداد معروف «بخارست» را  
امضاء کردند. این قرار داد یک  
«قرارداد صلح» بین روسیه و  
عثمانی بود که روسیه مجبور بود  
برای بسیج نیروهای خود علیه  
ناپلئون که بروسیه حمله کرده  
بود، با عثمانی صلح کند.  
۱۲۹۳ هـ ش (۱۹۱۶ م):  
قرار داد تقسیم کشورهای رسی  
بین فرانسه و انگلیس، دو کشور  
استعمارگر اروپائی، بنام  
«قرارداد سایکس-پیکو» امضاء  
شد. در نتیجه این قرارداد این  
دو کشور کشورهای عربی را  
مانند میراث بابابین خود تقسیم  
کردند و سرزمین فلسطین را  
بی‌سرنوشت گذاشتند تا توسط  
یک «دستگاه بین‌المللی» اداره  
شود.  
یکشنبه ۲۷ اردیبهشت  
(۱۲ اردیبهشت، ۱۷ مه)  
۱۰۳۹ هـ ش (۱۶۶۲ م):  
«حمله ۱۰۰ هزار نفری» دولت  
عثمانی به سرزمین هنگری  
(مجارستان) آغاز شد و ارتش  
در آلمان هنگری جزء متصرفات  
اتریش بود.  
۱۱۸۰ هـ ش (۱۸۰۳ م):  
بقیه در صفحه روبرو

پرخرج و احتمال اعتراض سوریه  
و ترکیه نیز وجود دارد. راههای  
دیگر هم مانند (شیرین‌سازی آب  
در عقبه) حتی پرخرج‌تر از اولی  
هستند، زیرا این راهها نمیتوانند  
دردراز مدت احتیاجات اردن را  
مرتفع سازند. راه حل اردن بطور  
وضوح در گروه‌همکاری بهتر با  
همسایگانش میباشد، اما  
در حال حاضر با جوحاکم این امر  
بعید بنظر میرسد.  
عدم هماهنگی، بی‌نظمی،  
نارسائی همکاریهای فی‌مابین  
در ناحیه و ضرورت کمبود منابع  
آب از جمله مشکلات کشورهای  
عربی است، کشورهای عربی  
سرانجام باید همکاریهای  
فی‌مابین را بهبود بخشند، تا بر  
مشکلی که بیشترین فشار را  
بر آنها وارد می‌آورد (اسرائیل)  
فاقق آیند.  
اسرائیل علی‌رغم  
طرح‌ریزی‌های ملی حساب شده و  
مؤثرش و تکنولوژی پیشرفته‌اش و  
بهره‌برداری از منابع آبی که از  
همسایگان مجاور خود بزور  
غضب کرده است، هنوز با کسری  
آب سالانه حدود ۳۰۰ میلیون  
متر مکعب روبرو است و این  
در حالی است که تا سال ۱۹۸۵  
این کسری به بالغ بر ۵۰۰  
میلیون متر مکعب خواهد رسید.  
مدتها پیش از آنکه اسرائیل  
در ناحیه استقرار یابد (۱۹۴۸)  
بقیه در صفحه روبرو

## سیاست آبها-۳

کار مشترک: تیم کن. ساراونیل، یان میدو. وجودیت پر را

بامضاء برسد، اولاً جهت تصمیم  
به تقسیم کردن آبهای پارموک و  
ثانیاً نحوه سهم بودن در تولید  
برق آن که حدود ۲۲ مگاوات  
میباشد، که البته این ایستگاه برق  
هنوز ساخته نشده است.  
شدت تیرگی روابط سوریه با  
اردن در سال پیش، بیان گرانست  
که هیچگونه تصمیم‌گیری روی  
این موضوع امکان پذیر نیست، و  
در حال حاضر این طرح کاملاً  
متوقف شده است. با درخواست  
اسرائیل برای آب پارموک  
وضعیت غامض‌تر شده است بویژه  
اینکه تعدادی از کشورهای که به  
اردن کمک اقتصادی برای حل  
این مسائل (بخصوص Usaid)  
می‌کنند اصرار دارند که اسرائیل  
میبایستی در مشاورات شرکت  
جویده بدین سبب، اردن بدنبال  
راههای دیگری است. روابط  
حسنه اخیرش با عراق، این امکان  
را افزایش داده، که از طریق  
صحرای الواله کشتی از فرات آب  
بگیرد. بهر حال این راه بسیار

خوب نیست. تنها مقامات دره  
اردن نسبتاً برای کنترل و تامین  
آب (جستجو و تقسیم آن) بسا  
قدرت عمل می‌کنند.  
تامین آب از هرچائی و توزیع  
آن، مستلزم رفت و آمدهای اداری  
بسیار است، که از جانب  
ارگانهای مختلف اداری میباشد.  
برای افزایش و تامین آب  
اردن، طرحهای زیادی وجود  
دارد، که پیشرفته‌ترین آن  
ساختن سد ماکارین بر روی رود  
پارموک میباشد. که قادر است  
سالانه حدود ۱۲۰ میلیون متر  
مکعب حاصل آب داشته باشد.  
کلیه عملیات مقدماتی و کارهای  
پایهای آن انجام گرفته اما مسائل  
سیاسی طرح مذکور را کاملاً  
متوقف ساخته در واقع، بزرگترین  
مانع این است که، سرچشمه  
پارموک در خاک سوریه است. و  
احتمالاً مخزنهای اصلی این رود  
در خاک سوریه میباشد. بنابراین  
لازم است قبلاً قرار دادهائی

زیرزمینی. قبلاً از این آبگیرها در  
بالاترین سطح بهره‌برداری شده  
است، و در حال حاضر رو به شور  
شدن و آلودگی گذارده است.  
هم اکنون مقداری آب از  
چشمه‌های «ارزق» آورده  
میشود، اما این آب برای نوشیدن  
بسیار شور است، و باید با آب  
خالص مخلوط گردد. نقشه  
آوردن آب از سد «شاه تلال» بر  
رود زرگا نیز معلق ماند، زیرا این  
آب نیز بسیار شور بود.  
بعلاوه طی چند سالی، مشکلات  
اثر خود را در سراسر کشور نشان  
خواهد داد. تقاضای آب برای  
سال ۱۹۸۵ حدود ۸۷۲ میلیون  
متر مکعب تخمین زده میشود  
و برای سال ۲۰۰۰ در حدود  
۱۰۰۹ میلیون متر مکعب. در  
نتیجه سهل انگاری اولیاء امور،  
جهت طرح آب مرکزی فکری  
در این باره نشده. البته  
سازمانهای مختلفی وجود دارند،  
که هماهنگی بین آنان اصلاً

شد.  
این تصمیم‌گیری به شیمها  
امکان داد تا از راه پسرانمانی  
سازمان امل را تشکیل دهند. که  
حداقل بانها قدرت بخشیده تا  
خود را نشان دهند، در واقع  
تقاضا و درخواستهای آنان اکنون  
میتواند حالت جدی‌تری بخود  
بگیرد.  
البته ابالاتی که منابع آبشان  
واقفاً کم است، با مشکلات  
دیگری نیز مواجه هستند. اردن،  
گرچه یک سیستم رودخانه‌ای  
وسیع دارد، از قبل با یک نوع  
کمبود آب مزمن و همیشگی،  
خصوصاً در امان یعنی جالبیکه  
نیمی از کل جمعیت در آنجا  
ساکن هستند، روبرو بوده است.  
اردن آب مورد نیاز خود را از  
کل منابع اصلی‌اش که شامل بر  
۸۴۱ میلیون متر مکعب میباشد،  
تامین می‌کند. حال آنکه تنها ۶  
درصد از این مقدار در نزدیکی  
امان است، آنهم در آبگیرهای

رود لیطانی در لبنان  
نمونه‌ایست برحسب که چگونه  
اغتشاش سیاسی و بی‌نظمی در  
امور داخلی و بیرون‌گیمهای  
قبیله‌ای راه را برای بهره‌جویی  
همسایه دشمن بازگردانیده.  
جلسه حاکم رودخانه  
لیطانی در سال ۱۹۵۴ برای  
اجرای یک برنامه آبرسانی و  
طرح انتقال برق برای لیطانی و  
جنوب لبنان تشکیل شد. برنامه  
انتقال برق در واقع پس از ۱۱  
سال به نتیجه رسید، اما طرح  
آبرسانی تاکنون مسکوت مانده  
است تا جائیکه بفراموشی سپرده  
شده. گرچه سیاستون لبنان  
بر اجرای این طرح اصرار دارند،  
اما ترس از یورش اسرائیل مانع  
این کار شده. دلیل واقعی این  
ترس عدم وجود قدرت سیاسی  
در جنوب لبنان است.  
شیمهای لبنان که بطور کلی  
در جنوب زندگی می‌کنند،  
بزرگترین جمعیت لبنان را  
تشکیل میدهند. اما هیچگونه  
قدرت سیاسی در حکومت لبنان  
ندارند. نادیده گرفتن آبرسانی  
به جنوب لبنان یک مسئله قدیمی  
و ریشمدار است که همواره باعث  
رنج و مرارت شیمهای لبنان بوده  
است. که این مسئله در سال  
۱۹۷۴ (در اجلاس آب لیطانی به  
بیروت) وقتیکه طرحها مورد بحث  
قرار گرفت) مشخص و رسماً تأیید







### از شایعات بین‌المللی

#### نماینده پاپ به نیابت ساندز غذا خورد!

مرگ شجاعانه بابی ساندز که در پی ۶۵ روز اعتصاب غذا اتفاق افتاد - باعث شد تا بسیاری «چیزها» افشاء شود. مثلاً سیاست غیرانسانی دولت محافظه‌کار و ضد انقلابی مارگارت تاچر و سکوت مزورانه امپریالیسم بین‌المللی و ایادیش که همیشه از حقوق بشر دم میزنند و نیز موضعگیری واتیکان در زمینه این مبارزه انسانی و رها تخیلش...

شایع‌سازان در ارتباط با ملاقات نماینده پاپ اعظم با بابی ساندز به نکته جالبی برخوردند که خواندن آن برای نثار یک نیشخند میارزد. شایع‌سازان میگویند که نماینده پاپ با پیشداوری خویش از نتیجه ملاقات - یک وعده غذایی بابی ساندز را از مدیر زندان گرفت و وارد سلول تنگ و تاریک او شد و در مقابل ساندز زانو زد و به نصیحت‌های «پدرانه»

پرداخت و فرمایشات دوپهلوی پاپ را باو «تبلیغ» کرد، و با ایما و اشارهای پی در پی به سینی غذا او را دعوت به شکستن «اعتصاب غذا» نمود. هرچه اصرار میکرد بیشتر بی‌اعتنائی می‌دید سرانجام حوصله‌اش سر رفت، شروع کرد به خواندن دعا و شکرگزاری از «نعماتی» که در داخل سینی اشتهاش را تحریک کرده بودند. در مقابل دیدگان متحیر و بیحال بابی ساندز شروع کرد به «لقمه‌زدن» و گاز گرفتن گوشتها و مکیدن استخوانها در پایان بار دیگر دعا کرد و با کشیدن صلیب بر روی سینه سینی غذای ساندز را برداشت و از سلول بیرون رفت و یکسره راه واتیکان را پیش گرفت.

شایع‌سازان معتقدند که همین نوع کارهاست که باعث دوری روحانیت کاتولیک از مردم شده است.



#### ریگان «ممنوع السرفه» شد

در اتاق‌های در بسته کاخ سفید و در کریدورهای آن صحبت از نخستین سخنرانی رونالد ریگان است. مهمترین مشکلی که در ارتباط سخنرانی ریگان بوجود آمده است بدون تردید انتخاب سوژه داغ و تبلیغاتی نیست بلکه «سرفه»های بدون ترمز و غیر ارادی رئیس جمهور زخمی آمریکا است که تمام محاسبات تبلیغاتی‌های حرفه‌ای کاخ سفید را برهم میزنند. بحث‌ها و فحش‌های کارشناسان در مورد «ممنوع السرفه» شدن ریگان ادامه دارد ولی موازی با آن برای انتخاب وسیله تبلیغ یعنی تلویزیون و رادیو نیز «چانه» می‌زنند و «صغری» و «کبری» می‌بافتند.

در آخرین لحظاتیکه این سطور از یک مجله آمریکائی اقتباس می‌شود - یسکی از شایع‌سازان که تازه از راه رسیده بود گفت بنویس که ریگان ممنوع السرفه شد و سازمان سیا سفید به او اجازه نمیدهند که هنگام ایراد بیانیه تاریخی خویش برخلاف «مصلحت» سرمایه‌داران «سرفه» سردهد و تمام «رشته‌ها» را «پنبه» نماید!!!!

#### چادر ۱۰ کیلومتری عربستان سعودی

شوخی نیست، باور کنید! نه با شما سرشوخی داریم و نه با ملوک عرب - و نه با سازندگان چنین چادری پیمان السفت تبلیغاتی بستمایم. آخر این خبر را تمام رسانه‌های گروهی با «آب و تباب» ویژه‌ای نشر کرده‌اند منتهی ابوالوفا کمی «چاشنی» شایعه به آن میزند. بله، شرکت ژاپنی تائبو کوگیو که از خیمه شببازی آمریکا در عربستان می‌خواهد بهره برداری کند - اخیراً به عربستان سعودی پیشنهاد داده است که میتواند یک چادر بطول ۱۰ کیلومتر (۱۰۰۰۰ متر) و به عرض ۱۱/۲ کیلومتر و بسارتقاع ۶۰۰ متر بسازد. البته به همین «حجم» و «جسامت» نیز دلار یا طلای سیاه دریافت خواهد کرد.

ظاهراً این چادر که برای چادر نشینان حرفه‌ای ساخته میشود برای ملت عربستان و بویژه چادر نشینان آواره بکار گرفته نمیشود بلکه سطح بیرونی آن برای «تولید باران» بکار میرود ولی استفاده از فراخانی داخل آن برای چه اهدافی خواهد بود؟ برای بیان آن پای کمیت اندیشه آپارتمان نشینان لنگ است اما شایع‌سازان اعتقاد دارند که این چادر مانند کوه یخ که قبلاً از قطب شمال وارد شد - نیست بلکه روپوشی وسیع برای «جلسات آنچنانی صحرائی» یسازان خواهد بود که «نقشه»هایشان همیشه در زیر «چادر» یا «پشت‌ترده» طرح میشود!!

ابوالوفا



### آفریقای سرزمین ستم‌دیده! و آنگاه که «تفنگ» بر «زوبین» پیروز شد!

بازوهای نوایا - سینه ستم و قامت افراشته سیاهپوست آفریقای که در ارتباط با طبیعت زیبای سرزمین خویش کار آرائی و نیرومندی خود را در مسرکه جاودانی «تبار لبقا» و «مقابله با دشمنان در طول قرن‌ها بنمایش گذاشت» - به نیروی اندیشه بنیاد فرهنگ اصیلی را که مائتر هنری و فنی باستانی این سرزمین پهناور گواه است و این آثار از چنان گستردگی و صحت و اصالت برخوردار بود که علی‌رغم تاخت‌و‌تازها و هجوم‌های ستواتر استعمارگران و راهزنان مسلح سفیدپوست اروپائی اصالت خویش را کماکان حفظ کرده است.

اروپائیان چیاولگر که در عصر درخشان «فرهنگ تمبوکتو» هنوز لیبسهایشان از پوست حیوانات بود - با دستیابی به باروت و سلاح گرم به نیروی تبدیل شدند که از لوله تفنگ و دهانه سایر سلاحهای مرگبار برمیخاست و کمر زوبین و سینه سپر رامیشگافت. آنان با همین نیروی شیطانی باروت و صرفاً با همین نیرو توانستند از شمال به جنوب هجوم برند و به بهانه «بی‌تمکین و چوبین» و همیشگی «متمدن ساختن» دست به غارت زدند.

این دو عکس دوجبهه را در عصر سلطه جویی استعمارگران غرب در آفریقا نشان میدهد. یکی سیمای درخشان، مطمئن و توانای سیاهپوست رزمنده را با سلاحهای سنتی‌اش و دیگری یک «بور» سفیدپوست متجاوز و مسلح را که براسب تیز تک سوار است. مقایسه این دو عکس بروشنی نشان میدهد که تفاوت یک آفریقائی مبارز با یک سفیدپوست متجاوز در چیست؟ اگر تفنگ سفیدپوست را از دستش بگیریم به موجود زبونی تبدیل میشود که حتی قادر نیست بسوی زوبین یک آفریقائی تند نگاه کند ولی آندگیری حتی قادر نیست بسوی زوبین یک آفریقائی تند نگاه کند. ولی آندگیری بیش از پانصد سال با نیروهای مسلح اروپائیان جنگید و مقاومت کرد. و هنگامی هم که تفنگ بدست گرفت در طی دو جنگ جهانی توانست بهتر از هر اروپائی جنگد و برای برندگان جنگ افتخار پیروزی بیافریند.

امروز که بیداری مسلح آفریقائی مسلح شده است - یکبار دیگر شاهد مبارزات زوبین

#### ارقام کوچک از جهان بزرگ

